



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

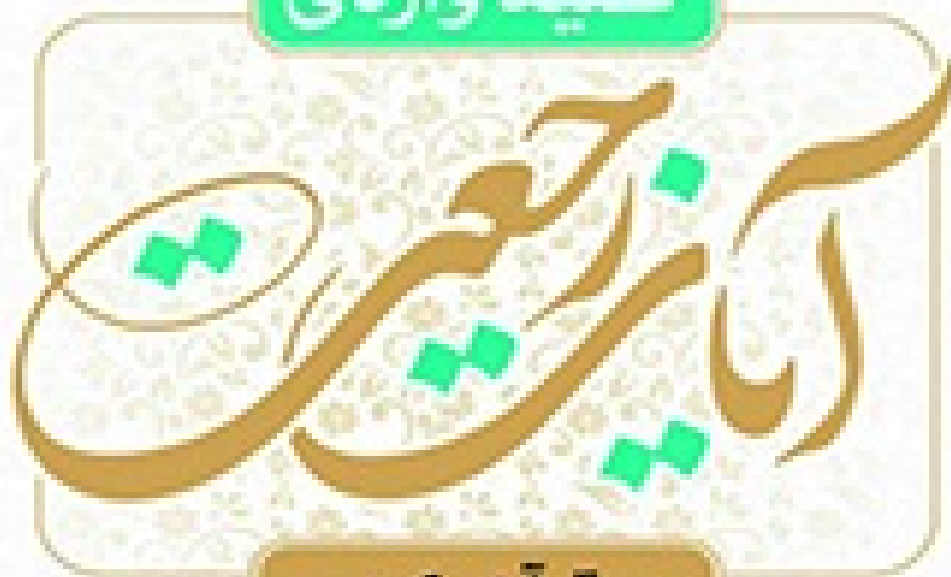
.com

.org

.net

.ir

کلید واژه‌ی



در قرآن کریم

به ضمیمه کتابخانه رجعت

مقدمه استاد محلی.

علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

سید محمد چهل‌روشنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# کلید واژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم

نویسنده:

محمد جعفر روضاتی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	تقدیرنامه
۱۱	اشاره
۱۷	فهرست
۲۹	سیمای رجعت در آیینه ی آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی
۲۹	گلوآژه ی رجعت
۳۰	پیشینه ی رجعت
۳۲	رجعت در میان پیشینیان
۳۲	رجعت در امت اسلامی
۳۳	لزوم اعتقاد به رجعت
۳۴	پیشینه ی اعتقاد به رجعت
۳۶	تواتر احادیث رجعت
۳۶	رجعت هراسی
۳۹	پیشگفتار
۳۹	اشاره
۴۱	۱_ لغت رجعت
۴۱	۲_ اصطلاح رجعت
۴۲	۳_ اعتقاد به رجعت
۴۲	۴_ احادیث «رجعت»
۴۵	۵_ ادعیه و «رجعت»
۵۲	۶_ زیارات و «رجعت»
۵۸	۷_ زیبایی های «رجعت»

- ۵۹ ..... ۸\_ اقوال علماء در باره ی «رجعت»
- ۶۳ ..... ۹\_ کتابنامه ی رجعت
- ۸۰ ..... ۱۰\_ حمد و سپاس
- ۸۳ ..... شماره: ۱: اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام
- ۸۶ ..... شماره: ۲: اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل
- ۸۸ ..... شماره: ۳: اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل
- ۹۱ ..... شماره: ۴: اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال
- ۹۳ ..... شماره: ۵: اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام
- ۹۸ ..... شماره: ۶: اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۰۰ ..... شماره: ۷: اسم آیه: رجعت انبیاء علیهم السلام
- ۱۰۲ ..... شماره: ۸: اسم آیه: رجعت شهدا
- ۱۰۵ ..... شماره: ۹: اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت
- ۱۰۷ ..... شماره: ۱۰: اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت
- ۱۰۸ ..... شماره: ۱۱: اسم آیه: ایمان به پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ در رجعت
- ۱۱۱ ..... شماره: ۱۲: اسم آیه: پادشاهان رجعت
- ۱۱۳ ..... شماره: ۱۳: اسم آیه: آرزوی کفّار
- ۱۱۶ ..... شماره: ۱۴: اسم آیه: رجعت پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۲۰ ..... شماره: ۱۵: اسم آیه: یاری امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در رجعت
- ۱۲۲ ..... شماره: ۱۶: اسم آیه: رجعت عدّه ای از یهودیان مؤمن
- ۱۲۴ ..... شماره: ۱۷: اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت
- ۱۲۶ ..... شماره: ۱۸: اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت
- ۱۲۸ ..... شماره: ۱۹: اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی
- ۱۳۰ ..... شماره: ۲۰: اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت
- ۱۳۲ ..... شماره: ۲۱: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا
- ۱۳۴ ..... شماره: ۲۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام و شیعیانشان
- ۱۳۵ ..... شماره: ۲۳: اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

- شماره: ۲۴: اسم آیه: کفر منکران رجعت ..... ۱۴۰
- شماره: ۲۵: اسم آیه: عذاب در رجعت ..... ۱۴۲
- شماره: ۲۶: اسم آیه: کافران امت محمدصلی الله علیه و آله ..... ۱۴۳
- شماره: ۲۷: اسم آیه: رجعت جناب سلمان ..... ۱۴۸
- شماره: ۲۸: اسم آیه: رجعت امام حسینعلیه السلام ..... ۱۵۴
- شماره: ۲۹: اسم آیه: رجعت کوردلان ..... ۱۵۷
- شماره: ۳۰: اسم آیه: رجعت اصحاب کهف ..... ۱۵۸
- شماره: ۳۱: اسم آیه: ذوالقرنین این امت ..... ۱۶۱
- شماره: ۳۲: اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیهما السلام ..... ۱۶۴
- شماره: ۳۳: اسم آیه: رجعت ناصبیان ..... ۱۶۷
- شماره: ۳۴: اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت ..... ۱۶۹
- شماره: ۳۵: اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان ..... ۱۷۰
- شماره: ۳۶: اسم آیه: به ارث بردن زمین در رجعت ..... ۱۷۲
- شماره: ۳۷: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعلیه السلام ..... ۱۷۴
- شماره: ۳۸: اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت ..... ۱۷۵
- شماره: ۳۹: اسم آیه: جنبنده ی زمین ..... ۱۷۷
- شماره: ۴۰: اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک ..... ۱۸۰
- شماره: ۴۱: اسم آیه: شناخت ائمه در رجعت ..... ۱۸۲
- شماره: ۴۲: اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش ..... ۱۸۴
- شماره: ۴۳: اسم آیه: تحقق وعده ی الهی در رجعت ..... ۱۸۵
- شماره: ۴۴: اسم آیه: رجعت پیامبرصلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ..... ۱۸۶
- شماره: ۴۵: اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک ..... ۱۸۸
- شماره: ۴۶: اسم آیه: زمین رجعت ..... ۱۹۰
- شماره: ۴۷: اسم آیه: نمونه ای از رجعت در اتمهای پیشین ..... ۱۹۲
- شماره: ۴۸: اسم آیه: صبر تا زمان رجعت ..... ۱۹۹
- شماره: ۴۹: اسم آیه: فرزندان حضرت ایوبعلیه السلام در رجعت ..... ۲۰۱

- شماره: ۵۰: اسم آیه: حیات دو باره در رجعت ----- ۲۰۳
- شماره: ۵۱: اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه علیهم السلام در رجعت ----- ۲۰۵
- شماره: ۵۲: اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت ----- ۲۰۷
- شماره: ۵۳: اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت ----- ۲۰۹
- شماره: ۵۴: اسم آیه: دود آشکار در رجعت ----- ۲۱۰
- شماره: ۵۵: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا ----- ۲۱۲
- شماره: ۵۶: اسم آیه: خبر رجعت امام حسینعلیه السلام ----- ۲۱۳
- شماره: ۵۷: اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن ----- ۲۱۵
- شماره: ۵۸: اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت ----- ۲۱۷
- شماره: ۵۹: اسم آیه: امتحان رجعت ----- ۲۱۸
- شماره: ۶۰: اسم آیه: اخبار رجعت ----- ۲۱۹
- شماره: ۶۱: اسم آیه: عذاب در رجعت ----- ۲۲۰
- شماره: ۶۲: اسم آیه: شهر واژگون شده ----- ۲۲۲
- شماره: ۶۳: اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران ----- ۲۲۴
- شماره: ۶۴: اسم آیه: یأس کفار در رجعت ----- ۲۲۵
- شماره: ۶۵: اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت ----- ۲۲۷
- شماره: ۶۶: اسم آیه: روز پنج هزار ساله ----- ۲۲۸
- شماره: ۶۷: اسم آیه: ضعف کفار در رجعت ----- ۲۲۹
- شماره: ۶۸: اسم آیه: اسرار رجعت ----- ۲۳۱
- شماره: ۶۹: اسم آیه: قیام پیامبرصلی الله علیه و آله در رجعت ----- ۲۳۲
- شماره: ۷۰: اسم آیه: انذار پیامبرصلی الله علیه و آله در رجعت ----- ۲۳۴
- شماره: ۷۱: اسم آیه: اولین رجعت کننده ----- ۲۳۵
- شماره: ۷۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعلیه السلام پس از امام حسینعلیه السلام ----- ۲۳۶
- شماره: ۷۳: اسم آیه: بازگشت زیانبار ----- ۲۳۸
- شماره: ۷۴: اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنینعلیه السلام در رجعت ----- ۲۴۰
- شماره: ۷۵: اسم آیه: سنت امتهای گذشته ----- ۲۴۲



شماره: ۷۶: اسم آیه: قدرت خدا در رجعت ..... ۲۴۴

شماره: ۷۷: اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفار ..... ۲۴۶

شماره: ۷۸: اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت ..... ۲۴۷

شماره: ۷۹: اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا ..... ۲۴۸

شماره: ۸۰: اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت ..... ۲۴۹

منابع و مأخذ ..... ۲۵۱

درباره مرکز ..... ۲۶۰

## کلید واژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم

### مشخصات کتاب

سرشناسه: روضاتی، سیدمحمدجعفر، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: کلید واژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم: روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت در قرآن کریم

مشخصات نشر: قم: بهار قلوب □ ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۲۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

شناسه افزوده: مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۴۸۱۸

ص: ۱

### تقدیرنامه

«کتاب را باید ترویج داد، مردم باید بگویند که خوانی عادت کند و کتاب وارد زندگی مردم شود.»

« مقام معظم رهبری »

### نویسنده و فرهیخته گرامی جناب آقای سید محمد مصطفی (روضاتی)

سیاس خدایی را که به ما موهبت مکتبی را عطا فرمود که تعلیم و تعلم را بزرگترین ارزش جامعه بشری دانسته است و در پرتو این ارزش، در طول تاریخ، جهانیان از فرهنگ مکتوب و آثار نگارش یافته ی اندیشمندان ایرانی بهره‌های علمی فراوان برده و اندیشه ایرانی و اسلامی را در برگ برگ دفتر تاریخ به ثبت رسانده اند.

حضور ارزشمند شما در چهارمین آیین انتخاب کتاب سال خراسان رضوی موجب خرسندی و قدردانی است. ضمن تبریک انتخاب اثر ارزشمند جنابعالی با نام «کلید واژه‌ی آیات رحمت» در قرآن کریم در موضوع دین از سوی هیأت داوران این دوره از انتخاب کتاب سال؛ در سال ۹۶ جزء کتاب های برگزیده شناخته شده است، به رسم قدر شناسی و یادمان زحمات شما تقدیر می گردد.

توفیق روز افزون شما را به عنوان یکی از خادمان و مروجان فرهنگ توسعه و ترویج کتابخوانی از محضر خداوند منان در پناه توجهات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) خواهانم.

سید سعید سربانی  
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی



کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت

در قرآن کریم

تألیف: سید محمد جعفر روضاتی

ص: ۳

[۱] کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم

ص: ۴

السَّيِّدِ الْجَلِيَامِ الْجَمِيَامِ، الْمَعْصُومِ الْمَظْلُومِ، الْكَرِيمِ النَّبِيلِ، الْمَكْرُوبِ الْعَلِيلِ، ذَاتِ الْأَخْزَانِ الطَّوِيلِ فِي الْمِدَّةِ الْقَلِيلِ، الرَّضِيِّ  
الْحَلِيمِ، الْعَفِيفِ السَّلِيمِ، الْمَجْهُولِ قَدْرًا وَ الْمَخْفِيهِ قَبْرًا، الْمَدْفُونِ سِرًّا وَ الْمَعْصُوبِ جَهْرًا، سَيِّدِ النِّسَاءِ، الْأَنْسِيِّ الْحُورَاءِ، أُمِّ الْأَيْمَةِ  
النُّقْبَاءِ النَّجْبَاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، الْبَتُولِ الْعُذْرَاءِ، فَاطِمَةَ التَّقِيَةِ النَّقِيَةِ.





سیمای رجعت در آینه ی آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی ۱۵

گل واژه ی رجعت ۱۵

پیشینه ی رجعت ۱۶

رجعت در میان پیشینیان ۱۸

رجعت در ائمت اسلامی ۱۸

لزوم اعتقاد به رجعت ۱۹

پیشینه ی اعتقاد به رجعت ۲۰

تواتر احادیث رجعت ۲۲

رجعت هراسی ۲۲

پیشگفتار ۲۷

۱\_ لغت رجعت ۲۷

۲\_ اصطلاح رجعت ۲۷

۳\_ اعتقاد به رجعت ۲۸

۴\_ احادیث «رجعت» ۲۸

۵\_ ادعیه و «رجعت» ۳۱

۶\_ زیارات و «رجعت» ۳۸

۷\_ زیبایی های «رجعت» ۴۴

۸\_ اقوال علماء در باره ی «رجعت» ۴۵



شماره: ۱: اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام ۶۹

شماره: ۲: اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل ۷۲

شماره: ۳: اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل ۷۴

شماره: ۴: اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال ۷۷

شماره: ۵: اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم علیه السلام ۷۹

شماره: ۶: اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام ۸۴

شماره: ۷: اسم آیه: رجعت انبیاء ۸۶ □

شماره: ۸: اسم آیه: رجعت شهدا ۸۸

شماره: ۹: اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت ۹۱

شماره: ۱۰: اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت ۹۳

شماره: ۱۱: اسم آیه: ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله در رجعت ۹۴

شماره: ۱۲: اسم آیه: پادشاهان رجعت ۹۷

شماره: ۱۳: اسم آیه: آرزوی کفار ۹۹

شماره: ۱۴: اسم آیه: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام ۱۰۲

شماره: ۱۵: اسم آیه: یاری امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت ۱۰۶

شماره: ۱۶: اسم آیه: رجعت عده ای از یهودیان مؤمن ۱۰۸

شماره: ۱۷: اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت ۱۱۰

شماره: ۱۸: اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت ۱۱۲

شماره: ۱۹: اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی ۱۱۴

شماره: ۲۰: اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت ۱۱۶

شماره: ۲۱: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدای ۱۱۸

شماره: ۲۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیهِ السَّلام و شیعیانشان ۱۲۰

شماره: ۲۳: اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت ۱۲۱

شماره: ۲۴: اسم آیه: کفر منکران رجعت ۱۲۶

ص: ۸

شماره: ۲۵: اسم آیه: عذاب در رجعت ۱۲۸

شماره: ۲۶: اسم آیه: کافرانِ اُمّتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۱۲۹

شماره: ۲۷: اسم آیه: رجعت جناب سلمان ۱۳۴

شماره: ۲۸: اسم آیه: رجعت امام حسینعلیه السلام ۱۴۰

شماره: ۲۹: اسم آیه: رجعت کوردلان ۱۴۳

شماره: ۳۰: اسم آیه: رجعت اصحاب کهف ۱۴۴

شماره: ۳۱: اسم آیه: ذوالقرنین این اُمّت ۱۴۷

شماره: ۳۲: اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیلعلیهما السلام ۱۵۰

شماره: ۳۳: اسم آیه: رجعت ناصبیان ۱۵۳

شماره: ۳۴: اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت ۱۵۵

شماره: ۳۵: اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان ۱۵۶

شماره: ۳۶: اسم آیه: به ارث بردن زمین در رجعت ۱۵۸

شماره: ۳۷: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعلیه السلام ۱۶۰

شماره: ۳۸: اسم آیه: ذلّت بنی امیه در رجعت ۱۶۱

شماره: ۳۹: اسم آیه: جنبنده ی زمین ۱۶۳

شماره: ۴۰: اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک ۱۶۶

شماره: ۴۱: اسم آیه: شناخت ائمه □ در رجعت ۱۶۸

شماره: ۴۲: اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش ۱۷۰

شماره: ۴۳: اسم آیه: تحقّق وعده ی الهی در رجعت ۱۷۱

شماره: ۴۴: اسم آیه: رجعت پیامبرصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَائِمَّهِ □ ۱۷۲

شماره: ۴۵: اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک ۱۷۴

شماره: ۴۶: اسم آیه: زمین رجعت ۱۷۶

شماره: ۴۷: اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امت‌های پیشین ۱۷۸

شماره: ۴۸: اسم آیه: صبر تا زمان رجعت ۱۸۵

شماره: ۴۹: اسم آیه: فرزندان حضرت ایوبعلیه السلام در رجعت ۱۸۷

ص: ۹

شماره: ۵۰: اسم آیه: حیات دو باره در رجعت ۱۸۹

شماره: ۵۱: اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه □ در رجعت ۱۹۱

شماره: ۵۲: اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت ۱۹۳

شماره: ۵۳: اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت ۱۹۵

شماره: ۵۴: اسم آیه: دود آشکار در رجعت ۱۹۶

شماره: ۵۵: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدای ۱۹۸

شماره: ۵۶: اسم آیه: خبر رجعت امام حسینعلیه السلام ۱۹۹

شماره: ۵۷: اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن ۲۰۱

شماره: ۵۸: اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت ۲۰۳

شماره: ۵۹: اسم آیه: امتحان رجعت ۲۰۴

شماره: ۶۰: اسم آیه: اخبار رجعت ۲۰۵

شماره: ۶۱: اسم آیه: عذاب در رجعت ۲۰۶

شماره: ۶۲: اسم آیه: شهر واژگون شده ۲۰۸

شماره: ۶۳: اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران ۲۱۰

شماره: ۶۴: اسم آیه: یأس کفار در رجعت ۲۱۱

شماره: ۶۵: اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت ۲۱۳

شماره: ۶۶: اسم آیه: روز پنج هزار ساله ۲۱۴

شماره: ۶۷: اسم آیه: ضعف کفار در رجعت ۲۱۵

شماره: ۶۸: اسم آیه: اسرار رجعت ۲۱۷

شماره: ۶۹: اسم آیه: قیام پیامبر صلی الله علیه و آله در رجعت ۲۱۸

شماره: ۷۰: اسم آیه: انذار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در رجعت ۲۲۰

شماره: ۷۱: اسم آیه: اوّلین رجعت کننده ۲۲۱

شماره: ۷۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پس از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ۲۲۲

شماره: ۷۳: اسم آیه: بازگشت زیانبار ۲۲۴

شماره: ۷۴: اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در رجعت ۲۲۶

ص: ۱۰



شماره: ۷۵: اسم آیه: سنّت اُمّتهای گذشته ۲۲۸

شماره: ۷۶: اسم آیه: قدرت خدا در رجعت ۲۳۰

شماره: ۷۷: اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفّار ۲۳۲

شماره: ۷۸: اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت ۲۳۳

شماره: ۷۹: اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا ۲۳۴

شماره: ۸۰: اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت ۲۳۵

منابع و مأخذ ۲۳۷

جدول فهرست سوره های قرآن ۲۴۳

ص: ۱۱



مقدمه

ص: ۱۳



رجعت در لغت به معنای بازگشت، و در اصطلاح، بازگشت گروهی از مردگان به دنیا، پیش از رستاخیز می باشد.

خداوند مَنان گروهی از مردگان را به هنگام ظهور امام زمانعلیه السلام به این دنیا باز می گرداند، برخی از آن ها را عزّت می دهد، و برخی دیگر را خوار می سازد.

گروهی از صالحان را برمی گرداند، تا دولت حقّه را مشاهده کنند، به عزّت، شکوه و آرزوی دیرینه ی خود برسند.

گروهی از تبهکاران را برمی گرداند، تا انتقام ستم دیدگان را از آن ها بگیرد، و دل رنج دیده ها با مشاهده ی ذلّت آن ها مسرور گردد.

آنگاه هر دو گروه می میرند، و به هنگام رستاخیز عمومی برانگیخته می شوند، تا به ثواب و عقاب جاویدان برسند. (۱)

زیر بنای رجعت، قدرت بی پایان حق تعالی است، خداوند با قدرت بیکران خود، استخوان های پوسیده و اجسام فرسوده ای را که هزاران سال در زیر خاک ها نهفته اند، به زندگی باز می گرداند، تا هابیلیان شاهد انتقام الهی، از قابیلیان در راستای تاریخ باشند.

ص: ۱۵

خداوند با رجعت انسان ها، دورنمای رستاخیز را در سرتاسر گیتی به نمایش می گذارد و هزاران انسان را، که از قرن ها پیش در زیر خاک ها مدفون شده اند، با یک فرمان جان می بخشد، تا پیش از رستاخیز شاهد گرفتن حق مظلومان از ستم پیشگان باشند.

## پیشینه ی رجعت

قرآن کریم در آیات فراوان از وقوع رجعت در میان اقوام گذشته خبر داده، که با تعدادی از آن ها در این کتاب آشنا می شوید.

پس از ثبوت وقوع آن در میان اقوام گذشته، اثبات امکان و لزوم وقوع آن در میان امت اسلامی نیز ثابت می شود، زیرا:

۱. بهترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است.

پس از اثبات وقوع آن در میان اقوام پیشین، در مورد امکان وقوع آن در میان امت اسلامی، هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند.

۲. براساس قاعده ی معروف: «حکم الأمثال فیما یجوز و ما لا یجوز»، اگر ثابت شود که آن در میان گذشتگان واقع شده، احتمال امتناع آن از بین می رود و ممکن بودن آن ثابت می شود.

۳. در احادیث فراوان از رسول اکرم، آمده است که:

آنچه در امت های پیشین واقع شده، حتماً در این امت نیز واقع خواهد شد. و اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

لَتَرْكَبُنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ؛

بی گمان راهی را که پیشینیان پیموده اند، شما نیز خواهید پیمود. (۱)

ص: ۱۶

لَتَرْكَبَنَّ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ حَذُوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

بی گمان دقیقاً همان راه پیشینیان را، همانند تطابق دو لنگه ی کفش خواهید رفت. (۱)

لَتَرْكَبَنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلِكُمْ؛

بی گمان راه پیشینیان را خواهید پیمود. (۲)

لَتَرْكَبَنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، شِبْرًا بِشَيْرٍ، وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ لَدَخَلْتُمْ؛

بی گمان راه پیشینیان را، وجب به وجب، ذراع به ذراع خواهید پیمود. اگر آن ها به لانه ی سوسماری داخل شده باشند، شما

نیز داخل خواهید شد. (۳)

لَتَرْكَبَنَّ طَرِيقَتَهُمْ حَذُوَ الْقَدِّهِ بِالْقَدِّهِ؛

بی گمان همانند تطابق دو تیرکمان، راه آن ها را خواهید پیمود. (۴)

احادیث یاد شده عموماً از منابع اهل سنت تقدیم گردید، این احادیث از طریق اهل بیت: به قدری زیاد است، که دو تن از محدثان بزرگ، کتاب مستقلی در این رابطه تألیف کرده اند:

۱. فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ ق.

۲. شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.

ص: ۱۷

۱-۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۶: ص ۲۰.

۲-۲. بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۴: ص ۱۶۳.

۳-۳. حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج ۴: ص ۴۵۵؛ سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۶: ص ۵۶؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷: ص ۲۶۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱: ص ۱۳۴؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۹: ص ۲۷۹.

۴-۴. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰: ص ۳۹.

هر دو محدث بزرگوار کتاب خود را «حذو النعل بالنعل» نامیده اند.<sup>(۱)</sup>

روی این بیان اگر ثابت شود که رجعت در میان امت های پیشین واقع شده، نه تنها امکان، بلکه ضرورت وقوع آن در میان امت اسلامی ثابت خواهد شد.

### رجعت در میان پیشینان

در کتابی که پیش رو دارید، آیات شماره ی یک تا شماره شش، شش نمونه از بازگشت انسان ها پس از مرگ به این دنیا را در میان امت های پیشین بیان نموده است.

شیخ حرّ عاملی، در کتاب گرانسنگ: «الایقاظ من الهجعه فی اثبات الرجعه» ۲۶ روایت از رسول گرامی اسلام ۹ نقل کرده، که آنچه در امت های پیشین اتفاق افتاده، مو به مو، در امت من نیز واقع خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

### رجعت در امت اسلامی

بر اساس روایات فراوانی که از خاندان عصمت و طهارت: به ما رسیده، در میان امت اسلامی نیز به مواردی از وقوع رجعت در قرون اولیه برمی خوریم،<sup>(۳)</sup> که تعداد ۷۰ مورد آن را شیخ حرّ عاملی گرد آورده است.<sup>(۴)</sup>

عبد الله بن محمّد بن عبید، مشهور به: «ابن ابی الدّنیاء» (۱۸۰ - ۲۸۱ ق) کتابی به نام: «من عاش بعد الموت» در این رابطه گرد آورده است.<sup>(۵)</sup>

ص: ۱۸

---

۱-۱. نگارنده، کتابنامه ی حضرت مهدی ف، ج ۱: ص ۲۱۹.

۲-۲. شیخ حرّ، الایقاظ، ص ۹۸ - ۱۱۱.

۳-۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹: ص ۵۳؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴: ص ۱۵۱؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴: ص ۳۹۷؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۴: ص ۶۱۰.

۴-۴. شیخ حرّ، الایقاظ، ص ۱۸۸ - ۲۳۱.

۵-۵. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳: ص ۴۰۳.



وی در این کتاب، ۶۴ مورد از افرادی که در سه قرن اول اسلامی، پس از مرگ، زنده شده، کم یا زیاد، زنده مانده اند را معرفی کرده است. (۱)

دکتر «رایموند مودی» در این رابطه کتابی نوشته و آن را «بازگشت روح» نام نهاده است.

او در این کتاب، از کسانی سخن گفته که طبق نظر پزشک قانونی، مرده، سپس زنده شده اند. (۲)

بر اساس روایات اسلامی، کتاب ابن ابی الدنیا و دکتر رایموند مودی، بازگشت روح به بدن و زنده شدن انسان پس از مرگ، نه تنها ممکن، بلکه اتفاق افتاده است و از نظر زیست شناسی نیز مانعی ندارد.

### لزوم اعتقاد به رجعت

آیات فراوانی از قرآن کریم، بر اساس روایات معصومین، به رجعت تفسیر شده، که ۸۰ نمونه ی آن ها را در این کتاب ملاحظه می فرمایید.

در چهلمین آیه ای که در این کتاب، با کُد ۸۳ / ۲۷ بیان شده، آمده است:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛

آن روز از هر امتی گروهی را محشور می سازیم که منکر آیات ما بودند، آن ها بازداشت می شوند. (۳)

به یقین این آیه مربوط به رستاخیز نیست، زیرا در رستاخیز همه محشور می شوند و احدی فروگذار نمی شود. (۴)

ص: ۱۹

---

۱-۱. این کتاب به سال ۱۴۰۶ ق. در ۱۵۱ صفحه، در بیروت، از سوی عالم الکتب، منتشر شده است.

۲-۲. مجله ی «التمدن الاسلامی» سال ۴۸، شماره ی ۴۸ و مجله ی «المختار» شماره ی شعبان ۱۴۰۰ ق.

۳-۳. سوره ی نمل، آیه ی ۸۳.

۴-۴. سوره ی کهف، آیه ی ۴۷.

امام صادق عَلِيهِ السَّلَام در تفسیر این آیه فرمودند:

«وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا وَمَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا»؛

تنها کسی در رجعت برمی گردد که مؤمن خالص، یا کافر خالص باشد. (۱)

### پیشینه ی اعتقاد به رجعت

اعتقاد به رجعت و بازگشت گروهی از مردگان پیش از رستاخیز، سابقه ای بس طولانی دارد و در همه ی کتب آسمانی به نمونه هایی از آن برمی خوریم.

اینک به سه نمونه، از سه دین معروف «یهود»، «نصاری»، و «مجوس» اشاره می کنیم:

#### ۱. رجعت در عهد عتیق

در کتاب «دانیال نبی» آمده است:

بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده اند، بیدار خواهند شد، اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. (۲)

پدر «آنتونیو دوززو» از کشور پرتغال، رئیس پیشین دیر آگوستین های اصفهان، که پس از تشرّف به اسلام به نام: «علی قلی جدید الاسلام»، مشهور شد، در کتابی که به عنوان شرح و نقد تورات نوشته، فراز بالا را از دلایل روشن رجعت بیان کرده است. (۳)

#### ۲. رجعت در عهد جدید

در کتاب مکاشفه ی یوحنا ی رسول آمده است:

ص: ۲۰

---

۱-۱. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲: ص ۱۳۱؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳: ص ۲۱۰.

۲-۲. کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، باب ۱۲، فراز ۲.

۳-۳. آنتونیو دوززو، ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش، ص ۲۹۸.

آنان که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. (۱)

آنتونیو در مورد این فراز نیز به تفصیل سخن گفته، و دلالت آن را بر اثبات رجعت توضیح داده است. (۲)

۳. رجعت در آیین مجوس

جز از طریق کتب زرتشتیان به کتاب آسمانی مجوس راه نداریم، از این رهگذر فرازی را از کتب زرتشتیان که برگرفته از کتاب مجوس است نقل می‌کنیم:

در بخش «یشت‌ها» از کتاب «اوستا» در ضمن فرازهای مربوط به «سوشیانت» (۳) آمده است:

بدان هنگام که مردگان دیگر باره زنده شوند و زندگی جاودانه آغاز گردد، «سوشیانت» بدر آید و جهان را به آرزوی خویش دیگرگون سازد. (۴)

سه فراز از سه کتاب مقدس، سه آیین مشهور جهان، تورات، انجیل و اوستا نقل کردیم، در هر سه مورد بر زنده شدن مردگان تأکید شده و کاملاً روشن است که مربوط به رستاخیز نیست، بلکه در همین دنیا و پیش از رستاخیز می‌باشد.

روی این بیان، اعتقاد به رجعت، اختصاص به دین مقدس اسلام ندارد، بلکه سابقه ای بس طولانی دارد، و در همه ی کتاب هایی که به اعتقاد پیروانشان کتاب آسمانی به شمار می‌آید، به صراحت و شفافیت آمده است.

ص: ۲۱

---

۱-۱. کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه ی یوحنا، باب ۲۰، فرازهای ۵ و ۶.

۲-۲. آنتونیو، همان، ص ۲۹۹.

۳-۳. آخرین رهایی بخش جهان.

۴-۴. اوستا، بخش یشت‌ها، زامیاد یشت، کرده ی یکم، فراز یازدهم.

## تواتر احادیث رجعت

با توجه به این که دشمنان اهل بیت، برای از بین بردن کتاب های شیعیان در طول قرون و اعصار، تلاش فراوان نموده و بیش از ۹۰٪ کتاب های ما را از بین برده اند، هنوز احادیث بر جای مانده پیرامون رجعت بیش از حد تواتر است.

شیخ حرّ عاملی در کتاب گرانسنگ «الایقاظ» ۶۰۰ حدیث پیرامون رجعت گرد آورده و بعد از اثبات تواتر آن ها فرموده:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است. (۱)

مرحوم علامه مجلسی در دائرة المعارف بزرگ خود می نویسد:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، در هیچ موردی نمی توان ادّعی تواتر نمود. (۲)

## رجعت هراسی

در شماری از احادیث رجعت تأکید شده که چون منتقم الهی ظهور کند، دو بت بزرگ قریش را از قبر بیرون می کشد، به دار می زند، طعمه ی حریق می سازد و خاکسترشان را به باد می دهد. (۳)

در شمار دیگری آمده است، زنی که به «ماریه ی قبطیه» مادر ابراهیم \_ فرزند پیامبر اکرم ۹ تهمت زده بود را زنده می کند، بر او حدّ جاری می کند. (۴)

از این رهگذر شیفتگان آن ها از شنیدن نام رجعت هراس دارند و خیال

ص: ۲۲

---

۱- ۱. شیخ حرّ، الایقاظ، ص ۶۰.

۲- ۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۲۳.

۳- ۳. بحرانی، حلیه الأبرار، ج ۲: ص ۵۹۸ \_ ۶۰۶ (چاپ سنگی)

۴- ۴. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۵.

می کنند که اگر احادیث رجعت در مجلسی مطرح شود، ترس آن است که سقف آن مجلس بر سرشان فرو بریزد!

سفیان بن عیینه می گوید:

در خانه ی جابر جُعفری نشسته بودیم، چیزی گفت که از خانه اش بیرون رفتیم، زیرا ترسیدیم که سقف خانه بر سرمان فرو ریزد! (۱)

سفیان ثوری می گوید:

مردم از جابر بن یزید جعفری روایت می کردند، تا هنگامی که عقیده اش را ابراز کرد، دیگر از او حدیثی نقل نکردند! پرسیدند: چه چیزی را ابراز کرد؟ گفت: اعتقاد به رجعت را. (۲)

در حالی که خود سفیان می گوید:

جابر بسیار راستگو بود، من کسی را راستگوتر از او در نقل حدیث ندیدم. (۳)

جابر بن یزید جعفری بدون تردید، از راستگوترین اصحاب ائمه بود، حتی به اعتراف دشمنان اهل بیت:

(۱) شعبه گوید: جابر از موثق ترین انسان هاست. (۴)

(۲) وکیع گوید: اگر در هر چیزی شک بکنید، در این شک نکنید که جابر جعفری ثقة است. (۵)

(۳) سفیان گوید: جابر جعفری در نقل حدیث پارسا بود، من در حدیث پارساتر از او ندیده ام. (۶)

ص: ۲۳

---

۱-۱ . دمیری، حياه الحيوان، ج ۱: ص ۴۵۹.

۲-۲ . مسلم، صحيح مسلم، ج ۱: ص ۲۰.

۳-۳ . آیه الله خوئی، معجم رجال الحديث، ج ۴: ص ۲۳.

۴-۴ . ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱: ص ۳۷۹.

۵-۵ . همان.

۶-۶ . همان.

پس از اعتراف همه ی بزرگان جرح و تعدیل به وثاقت او، جریر می گوید:

من جابر بن یزید جعفی را ملاقات کردم، ولی حدیثی از او ننوشتم، زیرا به رجعت ایمان داشت. (۱)

زهیر می گوید:

از جابر شنیدم که گفت: نزد من ۵۰/۰۰۰ حدیث است که چیزی از آن را نقل نکرده ام. (۲)

از این رهگذر علمای شیعه در طول قرون و اعصار، به تألیف آثار گرانقدری در این رابطه همّت گماشته اند، که با عناوین ۱۳۰ مورد از آنها در مقدمه ی این کتاب آشنا می شوید، که تازه ترین آن ها کتاب حاضر است، که مؤلف بزرگوار آن، با ابتکار و حسن سلیقه ی خود، آیات مربوط به رجعت را گنجد گذاری کرده، برای هر آیه ای نامی برگزیده، آنگاه یک یا چند حدیث از منابع معتبر، در ذیل هر آیه ای آورده است.

امیدواریم نشر این اثر به تعمیم فرهنگ مهدویت و غنای مکتب پر بار تشیع کمک کرده، مسائل مرتبط با رجعت را در دسترس پژوهشگران قرار دهد و شاهد انتشار ده ها کتاب جدید در این عرصه باشیم.

از خداوند مَنان تقات روز افزون، مؤلف، ناشر و دیگر دست اندرکاران چاپ و نشر این اثر ارزشمند را خواهانیم.

۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۶ ق.

حوزه ی علمیه ی قم

علی اکبر مه دی پور

ص: ۲۴

---

۱-۱. مسلم، صحیح مسلم، ج ۱: ص ۲۰.

۲-۲. همان.

پیشگفتار

اشاره

ص: ۲۵





## ۱\_ لغت رجعت

«رجعت» در لغت، به معنی «بازگشتن» است، و کلمه ی «رجوع» در لغت به معنای بازگشتن به مبدأ، مکان و یا فعل و حالت اصلی، می باشد.

«ایاب» هم به معنای رجوع است، با این تفاوت که «ایاب» به برگشتن با اراده و اختیار گفته می شود، اما رجوع به معنای اعم از آن استعمال می شود.

## ۲\_ اصطلاح رجعت

«رجعت» در اصطلاح، بازگشت و زنده شدن بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران، به این دنیا، در هنگام ظهور امام زمان ۴ است، و البته قبل از قیامت.

به تعبیری دیگر «رجعت»، عبارت است از اینکه خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی ۴، عده ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه ی مؤمنان بوده اند، و همچنین عده ای از کفار و منافقان را که در کفر و نفاق، سر سلسله ی کفار و منافقان بوده اند، به دنیا برمی گرداند، تا اینکه هر دو گروه، نتیجه ی اعمالشان را در این دنیا ببینند.

پس رجعت یک قیامت کوچکی است، که مهم ترین وجه مشترک آن با قیامت، زنده شدن مردگان، و خروج آنها از قبورشان، می باشد.

### ۳\_ اعتقاد به رجعت

اعتقاد به اصل «رجعت» از ضروریات مذهب شیعه ی امامیه به شمار می رود، تمام ائمه ی اطهار:، به طرق مختلف، و شاگردان و پیروان آنها، از صدر اسلام، به «رجعت» اعتقاد داشته و از این عقیده، دفاع و حمایت نموده اند.

شاید هیچ شعاری در تشیع برجسته تر از «رجعت» نباشد، که قبول آن از نشانه های توحید است، و اعتقاد به آن از مظاهر ایمان به قدرت الهی محسوب می شود.

یکی از آثار سازنده و تربیتی اعتقاد به «رجعت»، این است که انسان را به آینده امیدوار نموده، و از سقوط در گرداب فساد و گناه، بازداشته، و از ترس اینکه او، از گروه رجعت کنندگان حذف شود، و فیض ملاقات معصومین: را در عصر شکوهمند رجعت، از دست بدهد، به تلاش و کوشش بیشتر در راه بندگی و اطاعت خداوند می پردازد، چنین شخصی اگر در این مسیر مقدّس، مرگ به سراغش بیاید، باکی نداشته، بلکه از آن استقبال هم می نماید.

### ۴\_ احادیث «رجعت»

در مسئله ی رجعت، قبل از هر چیز، باید به این نکته دقت شود، که رجعت امری است ممکن، و عقلایی، و بهترین دلیل بر امکان آن، این است که دست قدرت الهی، نمونه های زیادی از آن را، که در گذشته ی تاریخ، به صورت معجزه، رخ داده است، توسط بعضی از پیامبرانش، به بشر نشان داده، که این وقایع، در بعضی از کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم، به ثبت رسیده است، که البته در این کتاب، به این آیات، و شرح و تفسیر آنها اشاره شده است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، دلائلی که علمای شیعه بر این مسئله اقامه کرده اند، سه دسته است:

## ۱- آیات قرآن کریم

## ۲- سنت نبوی

۳. احادیث اهل بیت: که عمده ترین دلیل آنان، احادیثی است که به صورت متواتر، از ائمه ی اطهار: در این باره، روایت شده است.

در این بخش، از بین صدها حدیثی که در باره ی «رجعت» وجود دارد، بنا به اختصار، به بعضی از آنها، به عنوان نمونه، اشاره می نماییم:

الف) قال الشيخ في كتاب «من لا يحضره الفقيه»: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَ... (۱)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب من لا يحضره الفقيه، از امام صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ...

ب) ... عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَكَرْنَا الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصِحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا! إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِم. (۲)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صحبت از حضرت قائم علیه السلام، و کسانی که در انتظار او جان داده اند، به میان آمد، حضرت فرمودند: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مأمورانی بر سر قبور مؤمنین بیایند، و گویند: مولای تو ظهور کرده است، اگر

ص: ۲۹

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۷؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۹۲، ح ۱۰۱؛

تفسير الصافي، ج ۱: ص ۴۴۰؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص ۳۷۶؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳: ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳.

۲- ۲. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۷۱، ح ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۹۱، ح ۹۸؛ كتاب الغيبه (طوسی قدس

سره)، ص ۴۵۹.

می خواهی، به او ملحق شو، و اگر می خواهی، در جوار پروردگارت بمان.

(ج) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يَحَدِّثَانِ جَمِيعاً قَبْلَ أَنْ يَحْدِثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَحَدَتْ أَنْهُمَا سَمِعَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَوَّلُ مَنْ تَنَشَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الشُّرُكَ مَحَضاً. (۱)

از محمد بن مسلم نقل است که گفت: شنیدم: حمران بن اعین و ابو الخطاب، پیش از انحرافش، می گفتند: شنیدیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی می فرمودند: اول کسی که از قبر بیرون می آید و به دنیا برمی گردد، حسین بن علی علیه السلام است، و رجعت، عمومی نیست، کسی به این دنیا بر نمی گردد، مگر اینکه مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشد.

(د) عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى، وَ يَمِيتَ الْأَحْيَاءَ، وَ يَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يَقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَابْتَشِرُوا ثُمَّ ابْتَشِرُوا ثُمَّ ابْتَشِرُوا، فَوَاللَّهِ! مَا الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ. (۲)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم! روزها و شب ها به پایان نمی رسد، تا اینکه خداوند، مُرده ها را زنده نماید، و زنده ها را بمیراند، و خداوند، حق را به اهلش بازگرداند، و دینی را که مورد رضایت خود و

ص: ۳۰

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۳۰۱؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۷، ح ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۳۹، ح ۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۵۰۷، ح ۱۲؛ حليه الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۶: ص ۳۶۸، ح ۱۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۷، ح ۲۳.

۲- ۲. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۱: ص ۱۲۷، ح ۳۶؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۴: ص ۹۷، ح ۸؛ الكافي، ج ۳: ص ۵۳۸، ح ۱.

رسولش می باشد، به پا دارد، پس بشارت باد بر شما! بشارت باد بر شما! و بشارت باد بر شما! به خدا قسم! که حق جز در دست های شما نمی باشد.

هـ) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا أَبَا بَصِيرٍ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا قِبَاعُ سُيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُلْغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا فَيَقُولُونَ بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ وَ هُمْ مَعَ الْقَائِمِ... (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند: ای ابا بصیر! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را، که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند، زنده نماید، این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما، که هنوز نمرده اند، برسد، آنها به هم گویند: فلانی و فلانی و فلانی از فبرهایشان بیرون آمده اند و زنده شده اند، و همراه حضرت قائم علیه السلام هستند.

## ۵\_ ادعیه و «رجعت»

در برخی از ادعیه ای که از گنجینه های علم خاندان وحی به ما رسیده، موضوع «رجعت» در قالب دعا، بیان شده، که ما در اینجا، به بعضی از آنها اشاره می نمایم:

الف) دعای روز سوّم شعبان:

چون اولین شخصیتی که در زمان رجعت زنده می شود، حضرت امام حسین علیه السلام می باشند، از دعای روز ولادت ایشان شروع می کنیم:

ص: ۳۱

---

۱- ۱. إثبات الهداه، ج ۵: ص ۶۳، ح ۵۴؛ إلزام الناصب، ج ۱: ص ۷۰؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۴۸، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۹۲، ح ۱۰۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۰۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص ۵۴، ح ۸۳، الکافی، ج ۸: ص ۵۱: ح ۱۴.

خَرَجَ إِلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِي، وَكَيْلِ أَبِي مُحَمَّدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ مَوْلَانَا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وُلِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِثَلَاثِ خَلْوَنَ مِنْ شَعْبَانَ، فَصُمُّهُ وَادْعُ فِيهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ بِكَتْمَةِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ لَابَتَيْهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ، وَسَيِّدِ الْأُسَيْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرِّهِ، الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَنْيَمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءِ فِي تَرْبِيَتِهِ، وَالْفُوزِ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ، حَتَّى يَدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيَتَأَرُوا النَّارَ وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَ أَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِيهِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ.

اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسَلِّمُ لَأَمْرِهِ وَيَكْتُمُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَى عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهْرِ وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ.

اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبِهِ وَ أَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلَبِهِ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ حَيْدِهِ، وَ عَادَ فُطْرَسَ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبِيَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (١).

ص: ٣٢

١- ١. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ٣: ص ٣٠٣؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ٣١٨؛ بحار الأنوار، ج ٩٨: ص ٣٤٧، ح ١؛ زاد المعاد و مفتاح الجنان، ص ٥١؛ مختصر البصائر، ص ١٣٥؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ٢: ص ٨٢٦.

در کتاب «اقبال» مرحوم سید بن طاوس قدس سره و کتاب «مصباح» مرحوم شیخ طوسی قدس سره، روایتی است از حضرت امام حسن عسکریعلیه السلام، که آن را به صورت نامه، برای وکیلشان، قاسم بن علاء همدانی، فرستادند، که این طور نوشته بودند: مولای ما، حسین بن علیعلیهما السلام، پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمد، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

خداوندا! به حق مولود امروز، که پیش از تولّد خبر شهادتش را دادی، و پیش از آنکه پا بر زمین مدینه نهد، آسمان و اهلش، و زمین و مردمش، بر او گریستند، آن کشته ی اشک، و سرور اهل بیت، که وی را در رجعت مدد می کنی، و در عوض شهادت امامان را از نسل او، و شفاء را در تربتش قرار دادی، و در هنگام بازگشت غلبه را برای او مقدر کرده ای، و بعد از حضرت قائم و غیبت وی، اوصیائش را از عترت آن جناب مقرر کردی، تا انتقام خونهای مقدّس را بگیرند، و خدای جبار را خشنود کنند، و بهترین یاور دین باشند، رحمت خدا بر آنها باد، ما دام که شب و روز پشت سر یکدیگر در حرکت اند.

خداوندا! درود فرست بر محمّد و آلش، و ما را در زمره ی ایشان محشور فرما، و با ایشان در منزل نیکان و سرای جاودان جایمان ده.

خداوندا! چنانکه ما را به معرفت او سرفراز کردی، به مجاورتش نیز مفتخرمان فرما، و همنشینی او را نصیبمان گردان، ما را از آنان قرار ده که در برابر او تسلیم اند، و چون یاد او می کنند، درود فراوان بر او و دوازده ستاره ی فروزان، اوصیای بزرگوارش می فرستند.

خداوندا! امروز بهترین عطاها را به ما عنایت نما، چنانکه حسینعلیه السلام را به محمّدصیلمی الله علیه و آله عطا کردی، خدایا! «فطرس» ملک به گهواره ی او پناه برد، ما به قبرش پناه آورده ایم، تربت پاکش را می نگریم و در انتظار بازگشتش به سر می بریم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ ... تا آنجا که می فرماید:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِي وَ لِي أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَ الْعِيدِ الْمُنْتَظَرِ، حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

...

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ، تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُدِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ... وَ انصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِينَا، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ غَيْبَهُ وَ لِينَا، وَ كَثْرَةَ عِدُوِّنَا، وَ قَلَّةَ عَدِدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَ بَصُرٍ تَكْشِفُهُ، وَ نَصِيرٍ تُعِزُّهُ، وَ سَيْلَطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَسِّئُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱).

بارالها! ما به درگاه تو شکایت می کنیم از فقدان پیامبرمانصلی الله علیه و آله، و غیبت امام مان، و بسیاری دشمنان مان، و کمی تعدادمان، و فتنه های سخت بر ما، و غلبه ی روزگار بر ما، پس درود فرست بر محمدصلی الله علیه و آله و آلش، و ما را در همه ی این امور یاری نما، به پیروزی زود رسی که از جانب خودت است، و برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت و یاری با اقتدار و عزتمند، و سلطنت حقه ای که تو آشکار گردانی، و رحمتی از توجیهت که بر همه ی ما شامل گردد، و لباس عافیت که ما را ببوشاند، به حق رحمت نامنتهایت، ای مهربانترین مهربانان عالم.

ص: ۳۴

---

۱- ۱. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱: ص ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۴: ص ۳۳۲؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۳: ص ۱۰۸؛ زاد المعاد، مفتاح الجنان: ص ۸۹؛ المصباح للكفعمی، ص ۵۸۱.



ج) دعای شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُمَيْدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ: قَالَ: وَكَرَّرَ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ، وَالشَّهْرَ كُلَّهُ، وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ، وَمَتَى حَضَرَكَ فِي دَهْرِكَ، تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ::

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الْحُجَّجِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا، وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا، حَتَّى تُشِيكَنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا، وَتَجْعَلَهُ وَدُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَتْمَةِ الْوَارِثِينَ.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ، وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ، تُعْزُبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ«آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَافْضِنَا جَمِيعَ مَا نُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةِ بَرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي عَافِيهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَبِيَدِكَ الْمُلَى، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مَلِكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ».(۱)

مرحوم سید بن طاوس قدس سره در اقبال، به اسناد خودش از ائمه ی اطهار: روایت نموده که: این دعا را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در حال سجده، برخاستن، نشستن، و در هر حال تکرار می کنی، و

ص: ۳۵

نیز هر قدر که می توانی و هر گاه که به یادت آمد در دوران زندگیت، می خوانی، پس از حمد خدای تبارک و تعالی، و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بگو:

خداوندا! برای ولی قائم به امرت، حجت بن الحسن مهدی علیه السلام، که بر او و بر پدرانش بهترین درود و سلام باد، در این ساعت و در همه ی ساعت ها، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و تأیید کننده باش، تا این که بر سراسر زمینت فرمانروای مطاعش سازی، و از کران تا کران گیتی برخوردارش نمایی، و او و فرزندانش را از امامان وارث قرار دهی.

خدایا! او را یاری نموده، و به وسیله ی او پیروزی را برای (دین) خویش تحقّق بخش، و نصرت خود را برای او و به دست او فراهم آور، و یاری را به او اختصاص ده، و فتح و پیروزی را به روی او بگشای و امر (حکومت) را به غیر او متوجّه مساز.

خداوندا! دینت و سنت پیامبرت، که درود و سلامت بر او و خاندانش باد، را به وسیله ی او آشکار نما، تا چیزی از حق را از بیم احدی از خلق مخفی ندارد.

خدایا! من به درگاه تو زاری می کنم به جهت دولتی گرامی که اسلام و اهل آن را به آن عزت دهی، و نفاق و اهل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت قرار داده، و در شمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسنه ای و در آخرت حسنه ای به ما عنایت فرمای و ما را از عذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بدار، به رحمت و منت خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمتت بر ما بیفزای (و پیمانمان را) پر کن، که هر بخشنده ای از دارائیش کاسته می شود، ولی عطای تو در ملکیت می افزاید.

خدایا! من به درگاه تو زاری می کنم به جهت دولتی گرامی که اسلام و اهل آن را به آن عزت دهی، و نفاق و اهل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت قرار داده، و در شمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسنه ای و در آخرت حسنه ای به ما عنایت فرمای و ما را از عذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بدار، به رحمت و منت خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمتت بر ما بیفزای (و پیمانمان را) پر کن، که هر بخشنده ای از دارائیش کاسته می شود، ولی عطای تو در ملکیت می افزاید.

فی مصباح الزائر، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ، كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَ هُوَ هَذَا:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظُّلِّ وَ الْحُرُورِ، وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ ...»

در کتاب «مصباح الزائر» مرحوم سید بن طاوس قدس سره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: هر کس چهل بامداد، دعای عهد را بخواند، از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون می آورد، و با هر کلمه ی این دعا، هزار ثواب به او عطا فرماید، و هزار گناه از نامه ی عمل او محو نماید، تا آنجا که به خداوند عرضه می دارد:

«... اللَّهُمَّ إِنَّ حَيَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِيَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَرًّا كَفْنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرَّدًا قِنَاتِي، مُلْتَبِّئًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ الْكُحْلَ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، ...» (۱)

پروردگارا! اگر مرگ، که برای بندگان یک امر حتمی قرار داده ای، میان من و آن حضرت جدائی انداخت، پس مرا از قبرم بیرون آور، تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده ام و نیزه ام را به دست

گرفته ام، در میان آنها که در شهر حاضرند، یا آنان که کوچ می کنند، قرار گیرم و ندای دعوت کننده ی آن حضرت را اجابت کنم.

خداوند! آن طلعت رعنا و آن صورت زیبا را به من بنما، و با نگاهی که به او می کنم، دیدگانم را روشن گردان.

## ۶- زیارات و «رجعت»

در بسیاری از زیارت‌هایی که از ناحیه ی حضرات معصومین: رسیده است، اشاره به موضوع «رجعت» شده، که ما در این بخش به بعضی از آنها اشاره می نماییم:

الف) زیارت آل یاسین:

از محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل است که گفت: امام زمان ۴ در جواب نامه ای، پس از جواب مسائل مختلفی، مرقوم فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم ... وقتی که خواستید به وسیله ی ما متوجه خداوند تبارک و تعالی شوید، چنانکه خدا فرموده است، بگوئید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، ... وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ: ... وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَ أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، ...» (۱)

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا ... مولای من! شما را گواه می گیرم و شهادت می دهم که شما حجت خدا هستید، اول و آخر، شماست، رجعت شما حق و بی تردید است، روزی که هر کس قبلاً

ص: ۳۸

---

۱- ۱. الإحتجاج (للطبرسی)، ج ۲: ص ۴۹۴؛ إلزام الناصب، ج ۲: ص ۸۳؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۵۱، ح ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۷۱، ح ۵.

ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد، ایمانش سودی نبخشد. ...

ب) زیارت جامعه ی کبیره:

عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ، وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

«... عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُؤْتَرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِعِزَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصِدِّقٌ بِرِجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ...»

از موسی بن عبد الله نخعی نقل است که گفت: حضرت امام علی الهادی علیه السلام، در سه قسمت از زیارت جامعه ی کبیره، اشاره به رجعت ائمه ی اطهار: نموده اند:

یکی در این قسمت زیارت که می خوانیم:

«... عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُؤْتَرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِعِزَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، وَ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصِدِّقٌ بِرِجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ...»

... و من به حقّ شما عارف هستم، و بف فضل و برتری شما اقرار دارم و قبول دارم، و علوم شما را حق می دانم، و خود را در امان شما در آورده، دخیل شما شده ام، و به حقیقت شما اعتراف می کنم، و به بازگشت شما معتقدم، و ایمان دارم، و تصدیق کننده ی رجعت شما هستم، و منتظر امر شما هستم، و انتظار زمان تشکیل دولت شما را می کشم ...

و در فرازی دیگر از این زیارت می خوانیم:

«... وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةً، حَتَّىٰ يَحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ...»

... و یاریم برای شما آماده است، تا آنکه خدا دینش را به وسیله ی شما زنده سازد، و شما را در ایام خود بازگرداند، و برای اجرای عدالتش پیروز سازد، و در زمین خودش تسلط و تمکین بخشد ...

و در بخش دیگری از زیارت جامعه می خوانیم:

«... وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ، وَ يَسْئَلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ، وَ يَحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَ يَمَكِّنُ فِي أَيَامِكُمْ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ...» (۱)

... و مرا در زمره ی کسانی قرار ده، که در پی شما گام همی سپارند، و به راه شما می روند، و در پرتو هدایت شما راه همی جویند، و در جمع شما محشور می شوند، و در رجعت شما برای پیکار بر ضد دشمنانتان باز می گردند، و در دولت شما به حکومت می رسند، و در جوی از سلامت و عافیت شما به شرف و علو مقام نائل می شوند، و در ایام شما عزت و تمکین می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می گردد.

ج) زیارت رجبیه:

مرحوم شیخ طوسی قدس سره از جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی (رضوان الله علیه)، که سومین نایب خاص حضرت صاحب الامر ۴ بوده است، روایت کرده، که حضرت فرمودند: در ماه رجب، در هر زیارتگاهی از مشاهد مشرفه که بودی، به این زیارت، صاحب آن مزار را زیارت کن، پس چون وارد حرم می شوی بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ

ص: ۴۰

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۹۹: ص ۱۲۷، ح ۴؛ عيون أخبار الرضا ×، ج ۲: ص ۲۷۲، ح ۱؛ مفاتيح الجنان، زیارت جامعه ی کبیره؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲: ص ۶۰۹، ح ۳۲۱۳.

حَقَّهِمْ مَا قَدْ وَجِبَ ... وَ سَاقَ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

... وَ أَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ وَ خَفِضِ مُوسِعٍ وَ دَعَا وَ مَهْلِلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَ دَوَامِ الْأَكْلِ وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَ السُّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَ نَهْلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلٍ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ تَحْيَاتِهِ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ...» (۱)

و از خدا می خواهد که باز به سوی شما بازگردد، و تلاش و بازگشت او به سوی شما پایان نپذیرد، و این که با بهترین بازگشت در حضور شما بازگردد، یعنی به سوی آستانه ی پر نعمت و زندگانی آسوده و گسترده و فراخی و آرامش تا به هنگام سرآمد عمر و بهترین بازگشت و جایگاه در نعمت فراوان ازلی و زندگانی نو و خوراکی های پیوسته و نوشیدن شراب و نوشیدنی های گوارا و نوشیدن های پی در پی که از آن خسته و دلتنگ نگردم و رحمت، برکات و دروهای خدا بر شما، تا هنگام بازگشت به حضور شما و کامیاب گردیدن به حضور در رجعت شما، و زنده شدن جزو گروه شما ...

(د) زیارت حضرت صاحب الامر ۴:

زِيَارَةُ أُخْرَى يَزَارُ بِهَا مَوْلَانَا صَاحِبُ الْأَمْرِ ۴ إِذَا زُرْتَ الْعَسْكَرِيْنَ ۱، فَأْتِ إِلَى السَّرْدَابِ، وَ قِفْ مَاسِكَكَ جَانِبَ الْبَابِ، كَالْمُسِيءِ تَأْذِنٍ وَ سَمٍّ، وَ انزِلْ وَ إِلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي عَرْصَةِ السَّرْدَابِ، وَ قُلْ:

پس از زیارت امامین عسکریین: نزد سرداب غیبت حضرت صاحب الامر ۴ برو، و کنار درب بایست، و درها را با دست خود بگیر، و صدا را در

ص: ۴۱

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۹: ص ۱۹۵؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲: ص ۸۲۱؛ مفاتيح الجنان، زیارت رجبیه.

سینه رفت و برگشت بده، همانند کسی که اجازه ی وارد شدن می خواهد، و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگو، و به آرامی، و با حضور قلب پایین برو، و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ عَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ ... وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَيْهِ أَنْ قَالَ:

... اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سَمَاحِي بُضَيْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا، وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلِيقَتِكَ رَعْمًا، فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَزِرًا كَفْنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَيَّ أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: «كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»

اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَ شَمِتَ بِنَا الْفَجَارُ، وَ صَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَ لِيكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمُنُونِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ ...» (۱)

خدایا! چنانکه دلم را با یادش آباد کردی، پس اسلحه ام را در جهت یاری اش آماده گردان، و اگر مرگ، که بر بندگانت حتم نمودی، و با آن بر آفریده هایت علی رغم آنان، قدرت نمایی کردی، بین من و دیدارش فاصله انداخت، پس مرا به هنگام ظهورش برانگیز، تا از قبرم سر بر آورم، درحالی که کفن پوشیده ام، در پیش رویش به جهاد برخیزم، در صفی که در قرآنت، بر اهل آن ستایش نمودی، و فرمودی: «گویی آنان بنای استوارند».

خدایا! انتظار ما طولانی شد، و ناپاکان ما را شماتت کردند، و به دست آوردن پیروزی بر ما سخت گشت.

ص: ۴۲



خدایا! جمال بامیمت ولی ات را، در حیاتمان، و پس از مرگ، به ما بنمایان، خدایا! من در پیشگاه صاحب این بارگاه، برای تو به رجعت ایمان دارم ...

هـ) زیارت ائمه ی اطهار: از راه دور:

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب «مصباح» در اعمال روز جمعه، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: هر که بخوهد از راه دور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، حضرت زهراء قدس سره و یا یکی از ائمه ی اطهار: را زیارت کند، غسل کند ... و بگوید:

«...إِنِّي مِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُتَزِّئِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةَ، وَلَا أَرْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...» (۱)

من از کسانی هستم که اعتقاد به فضل شما دارم، رجعت شما را اقرار می کنم، و این قدرت را از خداوند انکار نمی نمایم، و به چیزی جز آنچه خداوند می خواهد عقیده ندارم ...

و) زیارت اربعین امام حسین علیه السلام:

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب «تهذیب» و «مصباح»، در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام از صفوان بن مهران نقل می کند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: در زیارت اربعین بگو:

«... وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ يَأْيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ، وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ

ص: ۴۳

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۷: ص ۱۸۹، ح ۱۲؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۱: ص ۲۸۸؛ وسائل الشيعه، ج ۱۴: ص ۵۷۹.

مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوَّكُمْ...» (۱)

... و شهادت می دهم که من به شما ایمان دارم، و به بازگشتتان، و احکام دینم، و سرانجام کارم یقین دارم، در هر امر پیرو شما هستم، و نیرویم برای نصرتتان آماده است، تا وقتی که خدا به شما رخصت خروج دهد، با شما، با شما، نه با دشمنان شما ...

## ۷- زیبایی های «رجعت»

وقتی انسان به آیات قرآن کریم و تفاسیر آنها و روایاتی که از ناحیه ی ائمه ی اطهار: به ما رسیده است، به دقت می نگرد، می بیند در زمان «رجعت» زندگی چه قدر زیبا خواهد شد.

تصوّر کنید، زندگی در زمان «رجعت» در کنار شخصیت هایی مثل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار:، که زنده می شوند و حضور دارند، چه قدر لذت بخش و زیبا است.

حتی وقتی انسان فکر ملاقات با بعضی از اصحاب پیامبر اکرم و امیر مؤمنان علیهما السلام، مثل جناب سلمان، را می کند، و یا دیدن شهدای کربلا، مثل حضرت علی اکبر و حضرت قاسم علیهما السلام، از جوانان، و جناب حبيب بن مظاهر، از پیرمردان را، به بخشی از زیبایی های رجعت پی می برد.

پس «رجعت» نقطه ی امید ی است، برای هر شیعه ی معتقد، و منتظر امام زمان ۴، که اگر هم در طول عمرش توفیق دیدن مولایش حضرت صاحب الزمان ۴ را پیدا نکند، با امید به آینده، هیچ گاه خودش را در مقابل حوادث ناگوار زندگی نمی بازد، و با خواندن ادعیه ی مخصوص، از خداوند متعال می خواهد، که او را جزو رجعت کنندگان در زمان ظهور

ص: ۴۴

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۸: ص ۳۳۱، ح ۲؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۶: ص ۱۱۳؛ مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، ج ۲: ص ۷۸۸.

حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، قرار دهد.

## ۸\_ اقوال علماء در باره ی «رجعت»

اجماع علمای شیعه، احادیث رجعت را متواتر دانسته اند از جمله:

الف) مرحوم علامه شیخ صدوق قدس سره می فرماید:

و قد صحَّ أَنَّ الرَّجْعَةَ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ مَا يَكُونُ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ، حَذْوًا لِلنَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ».

فيجب على هذا الأصل أن تكون في هذه الأمة رجعه. (۱)

«قول صحیح آن است که رجعت در میان امت های پیشین بود است، و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر آنچه در بین امت های پیشین اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد»، پس واجب است که در این امت نیز «رجعت» باشد».

قَالَ الشَّيْخُ الصَّدُوقُ فِي كِتَابِهِ الْإِعْتِقَادَاتِ: إِعْتِقَادُنَا فِي الرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ. (۲)

شیخ صدوق قدس سره در کتاب اعتقادات می گوید: عقیده ی ما، درباره ی رجعت این است که این رویداد قطعاً به وقوع می پیوندد.

ب) مرحوم علامه شیخ مفید قدس سره می فرماید:

«فقال: وقد قالت الإمامية إن الله تعالى ينجز الوعد بالنصر للأولياء قبل الآخرة عند قيام القائم و الكثرة التي وعد بها المؤمنين في العاقبة». (۳)

ص: ۴۵

۱-۱. اعتقادات الإمامية (للصدوق)، ص ۶۲.

۲-۲. اعتقادات الإمامية (للصدوق)، ص ۶۰، باب ۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۲۸.

۳-۳. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۳۰؛ الفصول المختارة، ص ۱۵۳.

«امامیه‌ها معتقدند که خداوند تعالی با نصرت دوستان خود، پیش از آخرت هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام، و در آن رجعتی که راجع به آخر کار به مؤمنین وعده داده، به وعده‌ی خویش وفا می‌کند».

ج) مرحوم علامه سید مرتضی قدس سره، از علمای بزرگ شیعه، می‌گوید:

«انّ الذی تذهب الشیعه الإمامیه إلیه انّ الله تعالی یعید عند ظهور إمام الزّمان المهدی علیهِ السّلام قوماً ممّن کان قد تقدّم موته من شیعتہ لیفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهدہ دولته، و یعید أيضاً قوماً من أعدائه لیتقم منهم فیلتذوا بما یشاهدون من ظهور الحقّ و علوّ کلمه أهله، و الدّلاله علی صحّہ هذا المذهب انّ الذی ذهبوا إلیه ممّا لا شبهه علی عاقل فی أنّه مقدور لله تعالی غیر مستحیل فی نفسه، فإنّا نری کثیرا من مخالفینا ینکرون الرّجعه إنکار من یراها مستحیلہ غیر مقدوره، و إذا ثبت جواز الرّجعه و دخولها تحت المقدور فالطریق الی إثباتها إجماع الإمامیه علی وقوعها فیأنهم لا یختلفون فی ذلك، و إجماعهم قد بینا فی مواضع من کتبنا أنّه حجّج لدخول قول الإمام علیهِ السّلام فیہ، انتهى» (۱).

«خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از کسانی که قبلاً از دنیا رفته اند به این جهان باز می‌گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده‌ی حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، و نیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می‌گرداند تا از آنها انتقام گیرد... دلیل بر صحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی‌تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که این، امر محالی نیست در حالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می‌کنند که گوئی آن را محال و غیر

ص: ۴۶

ممکن می‌شمرند... دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است».

(د) مرحوم علامه شیخ حرّ عاملی قدس سره ضمن بیان بیش از ششصد حدیث و بیش از شصت آیه می‌گوید:

«... و لا ريب في بلوغ الاحاديث المذكوره حدّ التواتر المعنوي بدليل ايجابها لليقين، لكلّ من خلا قلبه من شبهه أو تقليد...»<sup>(۱)</sup>

«هیچ شکی نیست که این احادیث به تواتر معنوی رسیده است، زیرا برای کسی که قلبش از شبهه و تقلید پاک باشد، موجب یقین و قطع می‌شود.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«... و قوه أحاديث الرجعه و ادلتها كما رأيت، فانها وصلت الى حدّ التواتر، بل تجاوزت بمراتب، فأوجب القطع و اليقين بل كل

حدیث منها موجب لذلك لكثرة القرائن القطعية من موافقه القرآن و الادله و السنه النبويه...»<sup>(۲)</sup>

«... و احادیث و ادله ی رجعت، چنانکه معلوم شد، در کمال قوّت بلکه بحد تواتر یا به درجاتی بالاتر از تواتر است، از این

جهت موجب قطع و یقین است، بلکه می‌توان گفت هریک از این احادیث به لحاظ شواهد قطعی زیادی که دارد موجب یقین

است، زیرا با قرآن و ادله و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله موافق است...»

ه) مرحوم علامه مجلسی قدس سره بعد از نقل احادیث رجعت می‌گوید:

«اجمعت الشيعه عليها في جميع الأعصار و اشتهرت بينهم كالشمس

ص: ۴۷

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۳.

۲- ۲. همان، ص ۴۲۸.

فی رابعه النهار الی قوله: و کیف یشک مؤمن بحقیه الأئمه الأطهار: فیما تواتر عنهم فی قریب من مائتی حدیث صریح رواها نیف و اربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام فی ازید من خمسین من مؤلفاتهم ك: ثقة الإسلام الكلینی، و الصدوق محمد بن بابویه، و الشیخ ابی جعفر الطوسی، و السید المرتضی، و النجاشی، و الكشّی، و العیاشی، و علی بن ابراهیم، و سلیم الهلالی، و الشیخ المفید، و الكراجکی، و النعمانی، و الصفّار، و سعد بن عبد الله، و ابن قولویه، و علی بن عبد الحمید، و السید علی بن طاووس ۵، و...»

«شیعه در تمام اعصار معتقد به رجعت بوده و این اعتقاد در میان آنان مسأله ای روشنی است.

سپس می افزاید:

چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار اهل بیت: ایمان داشته باشد و احادیث متواتر رجعت را نپذیرد؟

بیش از چهل نفر از علمای بزرگ شیعه، به طور متواتر، نزدیک دویست روایت را در بیش از پنجاه کتاب خود راجع به رجعت نقل کرده اند، که مرحوم کلینی، صدوق، طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشّی، عیاشی، قمی، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراجکی، نعمانی، صفّار، سعد بن عبد الله، ابن قولویه، علی بن عبد الحمید و سید بن طاووس ۵، در زمره ی آنها هستند.»

سپس می گوید:

«و اذا لم یکن مثل هذا متواترا ففی ای شیء یمکن دعوی التواتر مع ماروته کافه الشیعه خلفا عن سلف؟!» (۱)

ص: ۴۸

«اگر چنین مسأله ای متواتر قلمداد نشود، دیگر در چه مسأله ای می توان ادعای تواتر نمود، با آن که مسأله ی رجعت را تمام علمای شیعه در طول تاریخ از یکدیگر نقل نموده اند».

## ۹\_ کتابنامه ی رجعت

چون مسئله ی «رجعت» یکی از اعتقادات ویژه ی شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بوده، علمای شیعه، کتابهای فراوانی پیرامون این موضوع تألیف نموده اند، و ما در اینجا به تعدادی از عناوین کتابهایی که مستقلاً در موضوع «رجعت» تألیف شده است، به ترتیب حروف تهجی، اشاره می نمائیم:

۱. «آیات الحجّه و الرجعه»، تألیف: شیخ محمدعلی حائری همدانی، متوفای ۱۳۷۸ ق.

۲. «آیات الرجعه»، تألیف: حاج میرزا محسن عماد، مشهور به خوشنویس و متخلص به «اردبیلی» که در سال ۱۳۵۷ ق، در تهران به چاپ رسیده است.

۳. «الآیات المأوله بالحجّه و الرجعه»، تألیف: شیخ محمدعلی بن حسن علی حائری سنقری همدانی (معروف به سنقری)، متوفای ۱۳۷۸ ق، این اثر کتاب مفصلی است درباره ی امام زمانعلیه السلام و قیام آن حضرت و رجعت، با استفاده از آیات و روایات و کتب شیعی و سنی، و مرحوم حاج سید محمد حسینی یزدی فیروزآبادی، تقریظی را بر آن نگاشته است.

۴. «اثبات الرجعه»، تألیف: محدث متبحر و جلیل القدر مرحوم علامه محمد باقر مجلسی، متوفای سال ۱۱۱۰ ق، شیخ حرّ عاملی و محدث نوری، از این کتاب به نام «رساله فی الرجعه» نام برده اند.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی و مرحوم محدّث نوری از آن به «رساله فی الرّجعه» تعبیر کرده اند، ولی صاحب «الدّریعه» از آن به «اثبات الرّجعه» یاد نموده است. مصحح بحارالانوار در شرح حال مرحوم علامه مجلسی قدس سره می نویسد: «این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده است»، در حالی که این کتاب در سال ۱۰۷۸ ق، تألیف شده و در سال ۱۲۶۰ ق، در هندوستان به چاپ رسیده است، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذر بیدار در ۱۴۴ صفحه ی وزیری، تحت عنوان «رجعت» در تهران انتشار یافته است.

۵. «اثبات الرّجعه»، تألیف: مرحوم علامه بزرگوار آقا جمال خوانساری، متوفای سال ۱۱۲۵ ق.

۶. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ حسن بن سلیمان بن محمّد حلّی، صاحب کتاب «مختصر بصائر الدرجات» که از شاگردان شهید اوّل و از محدثین عالیقدر شیعه در قرن هشتم هجری بوده است.

۷. «اثبات الرّجعه»، تألیف: آیه الله علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، مشهور به علامه حلّی، از علمای قرن هشتم، متوفای سال ۷۲۶ ق.

۸. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبد العالی، مشهور به محقق کرکی، متوفای سال ۹۴۰ ق، از علمای نامی شیعه ی امامیه.

۹. «اثبات الرّجعه»، تألیف: میر محمّد عباس بن علی اکبر موسوی تستری، مفتی لکهنو، متوفای ۱۳۰۶ ق.

۱۰. «اثبات الرّجعه»، تألیف: ملا سلطان محمود بن غلام علی طبسی، از محدثین عالیقدر قرن ۱۱ ق، و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی قدس سره .

۱۱. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ شرف الدین یحیی بحرانی، شاگرد محقق کرکی و نایب او در یزد، و صاحب کتاب «اسامی المشایخ فی ذکر علماء الشیعه».

۱۲. «اثبات الرّجعه»، تألیف: میرزا حسن بن ملا عبد الرزاق لاهیجی قمی،



مؤلف کتاب «شمع الیقین»، که آن را به فارسی نوشته است.

۱۳. «اثبات الرجعه»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی، متوفای ۱۴۰۵ ق، که در سال ۱۳۵۴ ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است.

۱۴. «اثبات الرجعه»، تألیف: شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار قطیفی، متوفای ۱۲۶۶ ق.

۱۵. «اثبات الرجعه»، تألیف: حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، متوفای ۱۳۹۰ ق، که در سال ۱۳۶۳ ق، در تبریز چاپ شده است.

۱۶. «اثبات الرجعه»، تألیف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن ۳ هجری، متوفای سال ۲۶۰ ق، و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی علیهما السلام، بوده و ۱۸۰ جلد کتاب پر ارج از خود به یادگار گذاشته، که سه جلد آنها مربوط به رجعت است، ولی متأسفانه از کتاب «اثبات الرجعه» ایشان، تنها گزیده‌ی آن به نام «منتخب اثبات الرجعه» موجود است.

۱۷. «اثبات الرجعه»، تألیف: علی آل محسن، چاپ اول، تهران، مشعر، ۱۰۳ صفحه، جیبی، ۱۴۲۹ ق.

۱۸. «احادیث الرجعه»، تألیف: آیت الله سید حسن صدر، متوفای ۱۳۵۴ ق.

۱۹. «احیاء السنه و اماته البدعه»، در اثبات رجعت، تألیف: سید دلدار علی نصر آبادی نقوی، متوفای ۱۲۳۵ ق، که در هندوستان به چاپ رسیده است.

۲۰. «ارشاد الجهله المصرین علی انکار الغیبه و الرجعه» منسوب به مرحوم ملا محمد هاشم هروی خراسانی، از علماء و محدثین قرن ۱۲ هجری، عربی.

۲۱. «الامامیه و الرجعه»، تألیف: میرزا عبد الله رزاق همدانی، متوفای ۱۲۹۱ ق، ردیه بر کتاب «اسلام و رجعت» نوشته‌ی یکی از شاگردان شریعت سنگلجی، به نام فرید تنکابنی.

۲۲. «انيس المحجّه في كيفيه الرجعه»، تأليف: مرحوم آيت الله ميرزا محمد باقر بن شيخ حسينعلی فقيه ايمانی اصفهانی، متوفای ۱۳۷۰ ق.

۲۳. «ایقاظ الامّه من الضّجعه في اثبات الرجعه»، تأليف: سيد محمد مهدي بن محمد موسوی خوانساری کاظمی، متوفای ۱۳۹۱ ق، چاپ اول ۱۳۶۶ ق، در بغداد.

۲۴. «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه»، تأليف: مرحوم علامه الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي، صاحب «وسائل الشيعه»، از علمای قرن ۱۱ قمری، عربی، چاپ اول ۱۳۸۱ ق، قم، علمیه، ۴۳۲ ص، وزیری، ترجمه به فارسی: احمد جنتی، تصحيح سيد هاشم رسولي محلاتی، چاپ اول ۱۳۶۲ شمسی، تهران، نوید، وزیری.

۲۵. «الایمان و الرجعه»، تأليف: شيخ محمد علی بن محمد جواد شاه آبادی، (۱۲۵۳-۱۳۲۸ ش)، چاپ اول ۱۳۶۸ ق، سنگی، تهران، ۱۹۲ ص، رقعی، به همراه «الانسان و الفطره»، عربی.

۲۶. «ایمان به رجعت اهل بیت:»، یا صنفیر ولایت، شرح زیارت جامعه ی کبیره، تأليف: آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، تهران، ۸۵ پالتویی، ۱۸ ص، فارسی/عربی.

۲۷. «ایمان و رجعت»، تأليف: سيد جلال الدين حسینی ارموی، معروف به محدث ارموی، متوفای ۱۳۹۹ هجری، ۴ جلد، خطی، نسخه ی کتابخانه ی فرزند مؤلف در تهران، فارسی.

۲۸. «ایمان و رجعت»، تأليف: سيد احمد شبیری زنجانی، معروف به آقا سيد احمد زنجانی، متوفای ۱۳۹۳ هجری، که در سال ۱۳۵۹ هجری تأليف کرده و یاوه گویی های عبدالوهاب فرید تنکابنی را پاسخ گفته است.

۲۹. «بازگشت: نگاهی به مبحث رجعت»، تأليف: سيد مجتبی حسینی، تهران، ۱۳۸۲ ش، رقعی، ۱۸۸ ص، فارسی.

۳۰. «بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، تحلیل و بررسی مسئله ی رجعت»،

تألیف: خدامراد سلیمان، قم، ۸۴ ش، رقعی، ۲۶۴ ص، فارسی.

۳۱. «بازگشت شهید در رجعت»، محمّد جواد خراسانی (متوفای ۱۳۹۷ق)، متن پیاده شده از سخنرانی وی، فارسی.

۳۲. «بحث حول الرجعه»، تألیف: سید محمّد صدر، چاپ اول ۱۴۱۴ ق، بیروت، دار الاضواء، ۳۶ ص، جیبی، عربی.

۳۳. «برهان الشیعه فی اثبات الرجعه»، تألیف: سید محمّد علی بن شرف الدین سنقری، چاپ اول ۱۳۶۹ ق، ۱۶۵ ص، در ردّ «کشف الحقّ»، محمّد بن جعفر گلپایگانی سنقری.

۳۴. «برهان الشیعه فی اثبات الرجعه»، تألیف: شیخ عباس علی شاهرودی، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، سنگی، تهران، ۵۶ ص، جیبی، اثبات امکان رجعت، وقوع آن در امت های پیشین، بررسی سند روایات رجعت و دفع شبهات، فارسی.

۳۵. «بشارت الرجعه یا بازگشت مردگان به دنیا»، تألیف: سید هبه الله بهشتی لاری، چاپ اول ۱۳۵۴ شمسی، تهران، انتشارات گلی، ۱۷۶ ص، وزیری، فارسی، مؤلف در این کتاب به اثبات رجعت به وسیله ی علوم طبیعی و روان شناسی پرداخته است.

۳۶. «بشاره الفرّج»، تألیف: ملا محمّد بن عاشور کرمانشاهی تهرانی، معاصر فتحعلی شاه قاجار، صاحب کتاب «اعتذار الفقیر»، متوفای ۱۲۵۰ هجری.

۳۷. «بعث الاموات قبل ظهور الحجّه»، تألیف: شیخ محمّد باقر بهاری همدانی (متوفای ۱۳۳۳ ق)، عربی.

۳۸. «بیان الفرقان»، تألیف: شیخ مجتبی قزوینی، متوفای ۱۳۸۷ هجری، چاپ اول ۱۳۸۰ ق، مشهد، انتشارات توس، ۳۲۰ ص، وزیری، فارسی، که جلد پنجم آن را تحت عنوان «غیبت و رجعت» به مسئله ی رجعت اختصاص داده، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است.

۳۹. «بیداری امت در اثبات رجعت»، ترجمه ی کتاب: «ایقاظ الامه من الضّجعه فی اثبات الرّجعه»، مترجم: ابوالقاسم سحاب، متوفای ۱۳۳۵ شمسی، چاپ اول ۱۳۳۱ شمسی، تهران.

۴۰. «پاسخ نامه ی از گلی»، تألیف: سید علی نقی بن محمّد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اول ۱۳۵۳ ق، تهران، کتابخانه ی ایران، ۸۴ص، رقعی، فاسی.

توضیح: این کتاب در پاسخ نامه ی عیسی از گلی شمیرانی تهرانی، در اثبات رجعت با زبان ساده، و پاسخ اجمالی به انحرافات و شبهات شریعت سنگلجی است.

۴۱. «تحفه الشیعه در اثبات رجعت و ظهور ائمه»، تألیف: حسین بن نصر الله ابن صادق الموسوی الحسینی الایرومی، (متوفای ۱۳۶۹ ق)، حسین عرب باغی، (۱۲۵۶-۱۳۲۹)، چاپ اول ۱۳۳۵ ق، تبریز، به همراه «التحفه المهدویّه»، رحلی؛ چاپ پنجم ۱۳۵۸ ش، قم، وزیری، فارسی.

۴۲. «تحفه اهل الایمان لصاحب العصر و الزّمان»، تألیف: محمّد بن عبد علی بن محمّد بن عبدالجبار (ق ۱۳)، نسخه ی کتابخانه ی وزیری یزد، شماره ی ۸۰۶، کتابت ۱۲۵۹ ق، ۱۱۱ برگ، بحث در آیات و احادیث رجعت، عربی.

۴۳. «تفریح الکربه عن المنتقم لهم فی الرّجعه»، تألیف: سید محمود بن فتح الله حسینی کاظمی نجفی، متوفای سال ۱۰۸۵ ق، عربی، نویسنده از معاصرین مرحوم شیخ حرّ عاملی بوده، و مرحوم شیخ در مقدمه ی کتاب «الایقاظ»، به این کتاب و مؤلّف محترم آن اشاره نموده است.

۴۴. «تلازم بین رجعت و ولایت»، مؤلّف ناشناخته، نسخه ی کتابخانه ی مدرسه ی آیت الله گلپایگانی، در مجموعه ی شماره ی ۳۱، بیان تلازم رجعت با ولایت امیر مؤمنانعلیه السّلام به سبک عرفانی، فارسی.

۴۵. «تناسخ و مقایسه ی آن با رجعت»، تألیف: ایرج حافظی (ق ۱۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۷۷ش، استاد راهنما دکتر محمد ذبیحی خیبری، فارسی.

۴۶. «تنبيه الامه في اثبات الرجعه»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی (۱۲۸۲-۱۳۶۳ ش ۱۴۰۵/ق)، چاپ اول ۱۳۴۵ ق، نجف، چاپخانه الغری، ۳۲ ص، وزیری؛ چاپ دوم ۱۳۵۴ ق، نجف، ۴۸ ص، رقیعی، آیات و احادیث رجعت، امکان رجعت، کتابنامه رجعت، ضروری بودن اعتقاد به رجعت، فارسی.

۴۷. «تنبيه الامه في اثبات الرجعه»، تألیف: الشیخ محمد رضا الطبسی الخراسانی النجفی، وفات ۱۴۰۵ ق، قطع وزیری، فارسی، که در سال ۱۳۵۴ ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

۴۸. «جامعه البيان في رجعه صاحب الزمان»، تألیف: علی بلادی بحرانی (۱۲۷۴-۱۳۴۰ ق)، نسخه ی کتابخانه ی شیخ محمد صالح، خواهرزاده ی مؤلف در قطیف، قصیده ای است در چهارصد بیت، عربی.

۴۹. «الجواهر المنضود في اثبات الرجعه الموعود»، تألیف: شیخ احمد بیان اصفهانی از فضلی معاصر، متولد سال ۱۳۱۴ ق.

۵۰. «جوهر المقصود في اثبات الرجعه الموعود»، تألیف: احمد بن محمد حسن بیان الواعظین اصفهانی (۱۳۱۴-۱۳۷۱ ق)، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، تهران، فارسی.

۵۱. «الحجّه و الرجعه»، تألیف: محمد بن حسین بن مهدی مهدوی سعیدی لاهیجی (متوفای ۱۴۰۳ ق)، عربی.

۵۲. «حذو النعل بالنعل»، تألیف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن سوم هجری، متوفای سال ۲۶۰ ق، عربی.

۵۳. «حذو النعل بالنعل»، تألیف: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن

حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، عربی.

توضیح: فضل بن شاذان و شیخ صدوق، عنوان کتابشان را از حدیث معروف رسول اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ گرفته اند که می فرمایند: آنچه در ائمت های پیشین واقع شده، مو به مو در این ائمت نیز واقع خواهد شد. متن حدیث در بخش «رجعت در ائمت اسلامی» آورده شده است.

۵۴. «حیاه الاموات بعد الموت»، تألیف: شیخ احمد بن ابراهیم بحرانی، متوفای سال ۱۱۳۱ هجری، که پسرش در «لؤلؤ البحرین» از آن یاد کرده است.

۵۵. «حیات الاموات»، تألیف: آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۱۲۵ ق)، فارسی.

توضیح: این اثر در سال ۱۱۰۶ قمری، برای شاه سلطان حسین صفوی، درباره ی رجعت و بازگشت ائمه ی اطهار: و گروهی از مؤمنان در عصر حضرت حجّت ۴، تألیف شده است.

۵۶. «دحض البدعه من انکار الرجعه»، تألیف: شیخ محمّد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی (معروف به سنقری)، متوفای ۱۳۷۸ ق، چاپ اوّل ۱۳۵۴ ق، نجف، ۶۴ ص، وزیری، عربی.

توضیح: در این اثر مباحثی پیرامون اصل امامت و اثبات دوازده نفر بودن آنان و نصوص مربوط به امام منتظر عَلَیهِ السَّلَام و مسأله ی رجعت مطرح شده، و با استفاده از روایات و اقوال علمای شیعه و سنّی ضروری بودن رجعت را نزد شیعه به اثبات رسانده است، و در پایان کتاب نامه ای از کتب شیعه و سنّی در این باره ارائه داده است.

۵۷. «دعائم الدّین و کشف الزّیبه فی اثبات الکره و الرجعه»، تألیف: شیخ محمّد محسن بن عنایت الله مشهدی (قرن ۱۲)، عربی.

۵۸. «دلائل الرجعه، یا ایمان و رجعت»، این کتاب به نام میرزا غلامعلی

عقیقی کرمانشاهی، منتشر شده، لکن به گفته ی صاحب «الذریعه» مؤلف حقیقی آن، آقای شیخ حسن علامی کرمانشاهی (۱۳۰۵-۱۳۹۴ ق)، فاضل معاصر است، چاپ اول ۱۳۲۳ ش، کرمانشاه، شرکت سعادت، ۱۳۹ صفحه، فارسی، رقعی، که نام خود را مستور داشته، و ردیه ای است بر کتاب «اسلام و رجعت»، که و به تفاوت رجعت و تناسخ می پردازد.

۵۹. «الدین و الرجعه»، تألیف: محمد حسن تبریزی، در رد کتاب «اسلام و رجعت» اثر شریعت سنگلجی، در زمینه ی اسناد احادیث رجعت، عربی.

۶۰. «الرجعه»، تألیف: ابی نصر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، صاحب کتاب تفسیر معروف عیاشی، و از بزرگان شیعه در قرن ۳ هجری، و از معاصرین ثقه الاسلام شیخ کلینی قدس سره بوده است.

۶۱. «الرجعه»، تألیف: رئیس المحدثین، محمد بن علی بن بابویه، مشتهر به «شیخ صدوق قدس سره» متوفای سال ۳۸۱، و صاحب تألیفات کثیره.

۶۲. «الرجعه»، تألیف: حمد بن صالح بن طوق قطیفی، نسخه ی کتابخانه ی آیت الله مرعشی، رساله ی دوازدهم از مجموعه ی شماره ی ۲۳۵۸، به خط مؤلف، عربی.

۶۳. «الرجعه»، تألیف: ابو یحیی احمد بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، (قرن سوم) از مستبصرین و اصحاب امام هادی علیه السلام، عربی.

توضیح: ابو یحیی احمد بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، از عالمان بلند مرتبه ی تشیع در قرن سوم هجری است. او در گذشته از عالمان اهل سنت بود و سپس به مذهب اهل بیت: گروید. وی در عصر امام هادی علیه السلام می زیسته و کتاب هایی در دفاع از مکتب تشیع نوشته است. شیخ طوسی در رجال خود، وی را در شمار یاران امام هادی علیه السلام

ذکر کرده است. محمّد بن طاهر خزاعی، والی خراسان دستور داد او را، به خاطر ردّ یک حدیث که به دروغ در مورد خلیفه ی دوّم گفته شده بود، هزار ضربه شلاق بزنند، و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آن گاه به دار آویزند!

۶۴. «رجعت»، تألیف: ابراهیم ابراهیمی، قم، ۱۳۸۱ش، قطع پالتوئی، ص ۷۲، فارسی.

۶۵. «رجعت»، نویسنده: علامه محمّد باقر مجلسی، تحقیق: ابوذر بیدار، تهران، ۸۴ ص، وزیری، ۱۴۴ص، فارسی.

۶۶. «رجعت» تألیف: سید ابو الحسن رفیعی حکمی قزوینی (متوفای ۱۳۹۵ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۳، تهران، کتابفروشی اسلام، ۳۸ ص، جیبی، فارسی، در سال ۱۳۶۹ قمری، با عنوان «رجعت و معراج»، به ضمیمه ی هفت مقاله ی دیگر، و در سال ۱۳۸۹ قمری، با عنوان «رجعت پس از ظهور»، چاپ سوّم ۱۳۹۷ قمری، تهران، کتابفروشی اسلام، ۵۰ص، رقعی.

۶۷. «الرجعه»، تألیف: عبد الکریم بهبهانی، چاپ اوّل، قم، مجمع جهانی اهلیت، ۲۵صفحه، رقعی، ۱۴۲۲ق.

۶۸. «رجعت»، تألیف: محمّد باقر بهبودی، چاپ اوّل ۱۳۵۷ش، تهران، معراجی، نسخه ی کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، ۳۸ ص، فارسی.

۶۹. «رجعت»، تألیف: سلیمان بن محمّد گیلانی تنکابنی، قرن ۱۲، نگارش در سال ۱۰۸۹ قمری، عربی.

۷۰. «رجعت از دیدگاه اسلام و ادیان»، تألیف: استاد علی اکبر مهدی پور، چاپ اوّل، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، ۲۸صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.

۷۱. «رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث»، تألیف: حسن طارمی، چاپ



اول ۱۳۶۵ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۷۹ص، رقعی، زیر نظر جعفر سبحانی، فارسی.

۷۲. «رجعت از دیدگاه قرآن کریم و عترت» حمید کردنژاد، ۱۳۴۱ش، چاپ اول ۱۳۷۷ش، تهران، مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی سیمیا، ۱۲۱ص.

۷۳. «رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته ی شیعی و رابطه ی آن با تناسخ»، تألیف: اصغر بهمنی، ۸۵ش، ۳۳۶ص، فارسی.

۷۴. «رجعت از نظر شیعه»، تألیف: شیخ نجم الدین طبسی، چاپ اول ۱۳۵۹ش، ۱۴۰۰ق، قم، ناشر مؤلف، ۱۴۲ص، جیبی، فارسی.

۷۵. «رجعت از نگاه عقل و دین»، تألیف: غلام رضا مغیثی، چاپ اول ۱۳۸۰ش، قم، ۹۶ص، فارسی.

۷۶. «الرجعه بین العقل والقرآن»، تألیف: حسن طارمی، تعریب: عبد الکریم محمود، چاپ اول ۱۴۰۷ق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۳۵ص، رقعی.

۷۷. «رجعت، بازگشت بزرگ در هنگام ظهور»، تألیف: حسین شهمیری، نسرین دمیرچی، تهران، ۸۶ش، رقعی، ۲۳۸ص، فارسی.

۷۸. «الرجعه بین الظهور و المعاد»، تألیف: شیخ محمد سند، چاپ اول، قم، دار زین العابدین، ۲جلد در یک مجلد، ۵۴۴صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ش، چاپ دوم، اصفهان، بهار قلوب، ۲جلد، ۷۶۶صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ش.

۷۹. «رجعت، حکومت خاندان رسالت»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، ترجمه به اردو: حافظ اقبال حسین جاوید، چاپ لاهور، انتشارات ولی عصر، ۲۷۲صفحه، رقعی، ۱۴۰۹ق.

۸۰. «رجعت در آثار علامه ی مجلسی»، تألیف: نعمت الله صفری فروشانی، جلد دوم یادنامه ی علامه مجلسی، به اهتمام مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول ۱۳۷۹ش، فارسی.

۸۱. «رجعت در دولت کریمه ی اهل بیت:»، برگرفته از کتاب «حق الیقین» علامه محمّد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ق، به کوشش: مرتضی جنتیان، چاپ اوّل، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۰۰صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.
۸۲. «الرجعه عند آل محمّد»، تألیف: شیخ اسماعیل حریری، چاپ اوّل، بیروت، دار الولا، ۱۹۲صفحه، وزیری، ۱۴۲۴ق.
۸۳. «الرجعه، العوده الی الحیاه الدّنیاه بعد الموت»، بی نا، بی تا، چاپ قم، مرکز الزّساله، ۱۰۷صفحه، رقعی.
۸۴. «الرجعه فی مصادر الفریقین»، تألیف: نجم الدّین طبسی، چاپ اوّل، بیروت، دار الولا، ۴۸صفحه، رقعی، ۱۴۲۷ق.
۸۵. «الرجعه و احادیثها»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل، ابن محمّد ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ق) نسخه ی کتابخانه ی میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی، عربی.
- توضیح: در این کتاب به ذکر روایات رجعت و ظهور و احوال امام زمان ۴ پرداخته و تا قرن ۱۱ وجود داشته، و سید محمّد بن محمّد میرلوحی حسینی موسوی سبزواری اصفهانی (۱۰۸۵ق) «کفایه المهتدی فی احوال المهتدی» را در ترجمه، تفسیر و شرح چهل حدیث از این کتاب، نگاشته است.
۸۶. «الرجعه و احادیثها المنقولہ عن آل العصمه»، تألیف: سید احمد بن محسن، از احفاد میر احمد بن موسی الکاظمعلیه السّلام، از علماء قرن ۱۳ هجری، عربی.
۸۷. «الرجعه و الزّرد علی اهل البدعه»، تألیف: حسن بن سلیمان بن خالد حلی (قرن هشتم)، نسخه ی کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ی ۲۰۸۱، عربی.

۸۸. «الرجعه و الظهور»، تألیف: محمد طیب زاده، چاپ اول ۱۳۷۷ ق، اصفهان، عربی.

۸۹. «الرجعه و ظهور الحجه»، تألیف: سید میرزا محمد مؤمن دوست محمد استرآبادی، داماد مرحوم ملا محمد امین استرآبادی، که مقیم مکه ی معظمه بود و پس از نوشتن این کتاب، در سال ۱۰۸۸ ق، در مکه به شهادت رسید.

۹۰. «رجعت، یا بازگشت به جهان»، تألیف: محمد رضا ضمیری، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، رقی، ۸۰ ص، تهران، فارسی.

۹۱. «رجعت یا بازگشت به دنیا پس از مرگ»، تألیف: محمد حسین فصیحی، چاپ اول، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، ۲۶ صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ ش.

۹۲. «رجعت، یا جامعه شناسی نجات»، تألیف: رجب خادیمان قزوینی، قزوین، ۱۳۷۹ ش، رقی، ۱۸۰ ص، فارسی.

۹۳. «رجعت، یا حیات دوباره، از دیدگاه عقل، قرآن و روایات»، تألیف: احمد علی طاهری ورسی، قم، ۸۶ ش، وزیری، ۲۳۲ ص، فارسی.

۹۴. «رجعت یا دولت کریمه ی خاندان وحی»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، چاپ اول ۱۳۶۵ ش ۱۴۰۶ ق، تهران، مؤسسه ی نشر و تبلیغ، ۲۲۸ ص، وزیری، با مقدمه و ویرایش، جناب علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، فارسی.

۹۵. «رساله فی اثبات الرجعه»، تألیف: محمد علی ربانی خوراسگانی، چاپ اول ۱۳۸۱ ق، نجف، ۸۰۵ ص، وزیری، به همراه «الهام ربانی» و چهار رساله ی دیگر، عربی.

۹۶. «رساله فی اثبات الرجعه»، تألیف: ملا محمد بن هاشم سرابی تبریزی از علمای معاصر، این کتاب در سه جزء به طبع رسیده است.

ص: ۶۱

۹۷. «رساله فی الرجعه»، مؤلف: ناشناخته، کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۹۷۳۶، کتابت ۱۲۸۰ ق، عربی.
۹۸. «رساله فی بقاء النفس و رجعتها بعد موت الجسد»، تألیف: احمد بن ابراهیم درازی بحرانی (متوفای ۱۱۳۱ ق)، عربی.
۹۹. «رساله فی قتال اهل القبلة و انکار الرجعه»، تألیف: عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی، عربی.
۱۰۰. «رساله ای در بیان رجعت ائمه»، تألیف: حبیب الله شریف بن علی مدد کاشانی ساوجی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق)، چاپ اول ۱۳۲۹ ش، به همراه «خواص الاسماء فی شرح الاسماء و اسرار الحسینیه»، و چاپ ۱۳۶۸ ق، وزیری، ترجمه به فارسی به کوشش احمد شریف زاده کاشانی.
۱۰۱. «رهبر گمشدگان فی اثبات الرجعه»، تألیف: سید علی نقی بن محمد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اول ۱۳۵۳، اصفهان، چاپ دوم ۱۳۵۹، اصفهان، ۳۰۰ ص، فارسی.
۱۰۲. «ستارگان درخشان»، ترجمه ی: «الشیعه و الرجعه» به فارسی: سید محمد میر شاه ولد، ج ۱، چاپ دوم ۱۳۷۱ ش، قم، مؤسسه ی انصاریان، ۵۱۸ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ اول ۱۳۸۱ ق، ۵۶۰ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ دوم ۱۳۷۶ ش، قم، دار النشر اسلام.
۱۰۳. «سر مخزون در اثبات رجعت»، تألیف: علی صدراپی خویی، تبریز، رقی، ۸۰ ص، فارسی.
۱۰۴. «سیف الانتقام فی حکومت قائم آل محمد»، تألیف: ابراهیم بن محمد باقر سخنور، نسخه: کتابخانه ی مؤلف، ۵۰۵ ص، عربی.
۱۰۵. «سیمای رجعت در آئینه ی قرآن، تأویل و تفسیر آیات رجعت در روایات معصومین»، تألیف: علی مشکینی، تهران، ۸۶ ش، جیبی، ۲۳۲ ص، فارسی.

۱۰۶. «الشموس المضيئه في الغيبه و الظهور و الرجعه»، تأليف: علي سعادت پور (۱۳۰۵ ش)، چاپ اول ۱۴۱۶ ق ۱۳۷۴ ش، تهران، پیام آزادی، ۲۴۰ ص، ترجمه به فارسی: محمد جواد وزیری فرد، با نام: «ظهور نور» پژوهشی نو و مستند پیرامون وقایع دو غیبت امام، ظهور و رجعت، چاپ اول ۱۳۷۶ ش، قم، تشیع، ۲۹۶ ص.

۱۰۷. «الشیعه و الرجعه»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی، مشهور به فاضل طبسی، ۱۴۰۵ ق، چاپ اول ۱۳۷۴ ق، نجف، چاپخانه حیدریه.

توضیح: این کتاب تفصیل یافته کتاب «تنبيه الامه في اثبات الرجعه» از همین مؤلف است که در جلد اول «اخبار مهدی منتظر» را آورده و در جلد دوم با ذکر هفتاد آیه و ذکر تواتر احادیث رجعت به «بیان اثبات رجعت» پرداخته است.

۱۰۸. «شیعه و اعتقاد به رجعت، در قرآن و حدیث»، تألیف: جلیل فلاح تفتی، یزد، وزیری، ۱۸۴ ص، فارسی.

۱۰۹. «ظهور و رجعت در اسلام (اهل سنت)، مسیحیت، یهودیت و آیین زردشت»، تألیف: علی سعادت پرور، مترجم: محمد جواد وزیری فرد، دانشیاران ایران، شهر ری، ۸۷ ش، وزیری، ۲۶۴ ص، فارسی.

۱۱۰. «عصر شکوهمند رجعت»، تألیف: محمد رضا اکبری، تهران، ۸۷ ش، رقعی، ۳۰۴ ص، فارسی.

۱۱۱. «عقیده ی رجعت»، تألیف: سید محمد عبادت تقوی، چاپ شده، اردو.

۱۱۲. «کتاب الرجعه»، تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، عربی.

۱۱۳. «کتاب الرجعه»، تألیف: احمد بن زین الدین احسائی (متوفای ۱۲۴۱ ق)، چاپ اول ۱۳۹۰ ق، به فرمان محمد علی شاه قاجار، به همراه کتاب «العصمه در کتاب جوامع الحکمه» چاپ ۱۳۹۲ ق، کربلا، ۲۸۰ ص، وزیری؛ چاپ اول ۱۹۹۳ م، ۱۴۱۴ ق، و در بیروت، الدار العالمیه، ۲۳۰ ص، وزیری، مصور، افست از روی چاپ ۱۳۹۲ ق، عربی.

۱۱۴. «کتاب رجعت چهارده حدیث، از ولادت امام زمان ۴ تا رجعت ائمه»، تألیف: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، محقق: سید حسن موسوی، ۱۳۸۲ش، وزیری، فارسی.

۱۱۵. «الکرة و الرجعة فی اثبات الرجعة بالیان العصری» تألیف: سید محمد صادق بن باقر بن محمد موسوی هندی، چاپ اول، نجف اشرف، با رعایت اختصار به برخی از آیات رجعت پرداخته است، عربی.

۱۱۶. «کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم»، تألیف: سید محمد جعفر روضاتی، قم، رسالت، وزیری، فارسی/عربی، (کتاب حاضر).

۱۱۷. «مجالس شب های شنبه» بیانات آیت الله العظمی حاج سید تقی طباطبایی قمی، در جلسات شب های شنبه، پیرامون مسئله ی رجعت (۱۳۰۱ ش)، به قلم عباس حاجیانی رشتی، چاپ اول ۱۳۷۱ش، ۱۴۱۶ ق، قم.

۱۱۸. «محاضرات فی الرجعة»، تألیف: سید علی الحسینی الصدر، انتشارات دارالعلوم، بئرالعبد، لبنان.

۱۱۹. «مختصر اثبات الرجعة»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق)، تلخیص سید بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی (متوفای ۷۹۰ ق) چاپ اول ۱۴۰۹ ق، قم، مؤسسه ی آل البیت، وزیری.

۱۲۰. «مسئله ی رجعت»، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، به کوشش غلام حسین رضانژاد، چاپ اول ۱۳۶۷ ش، تهران، الزهراء، فارسی.

۱۲۱. «مسئله ی رجعت از دید قرآن و سنت و عقل»، تألیف: سید محمد علی موحد ابطحی اصفهانی (متوفای ۱۳۸۱ ش)، چاپ نشده است، فارسی.

۱۲۲. «مسئله ی رجعت و ظهور در آیین زردشت»، تألیف: صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش)، چاپ اول ۱۹۴۴ م ۱۳۲۳ش، تهران، چاپخانه ی فرهنگ، ۱۲۸ص، جیبی.

۱۲۳. «مسئله فی الرجعة»، تألیف: شیخ مفید ابی عبد الله محمد بن

محمد بن نعمان عکبری (متوفای ۴۱۳ ق)، نسخه ی کتابخانه ی آیت الله مرعشی، عربی.

۱۲۴. «مناهج الوصول فی تفسیر آیات الاصول»، مؤلف ناشناخته، در پایان باب چهارم به صورت مفصل به اثبات رجعت در نزد شیعه پرداخته است، عربی.

۱۲۵. «مهديعليه السلام و مسئله ی رجعت»، تألیف: سید ابو الحسن مولانا (۱۳۰۳ ش)، چاپ اول ۱۳۷۵ ش، تبریز، نور ولایت، فارسی.

۱۲۶. «النجعه فی اثبات الرجعه»، تألیف: سید علی نقی بن ابو الحسن نقوی لکهنوی (۱۳۲۳-۱۴۰۸ ق)، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، لکهنو، عربی.

۱۲۷. «النجعه فی الرجعه»، تعریب رساله ی فارسی شیخ محمد رضا طبسی، ترجمه به عربی: سید محسن نواب رضوی لکهنوی (متوفای ۱۳۸۹ ق)، چاپ اول ۱۳۵۵ ق، نجف، چاپخانه الغری، ۴۰ ص، وزیری.

۱۲۸. ترجمه به اردو: سید علی بن محمد باقر رضوی کشمیری لکهنوی.

۱۲۹. «نور الابصار فی رجعه اهل بیت النبى المختار»، تألیف: محمد بن عیسی بن محمد علی بن حیدر شروگی (شروقی) مجیراوی نجفی، متوفای ۱۳۳۳ ق، که در سال ۱۳۲۰ ق، به تألیف آن پرداخته است.

۱۳۰. «نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه ی اطهار»، تألیف: علی اصغر بروجردی (۱۲۳۱-۱۳۳۲ ق)، چاپ اول ۱۳۲۸ ق، تهران، کتابچی، ۳۶۲ ص، وزیری، فارسی.

۱۳۱. «واکاوی مباحث رجعت: الف: فلسفه اعتقاد به رجعت، ب: اهداف رجعت»، تألیف، سجاد خانی آرنی، چاپ نشده، فارسی.

ص: ۶۵

شکر بی پایان و سپاس فراوان می گویم خداوند تبارک و تعالی را، که به بنده ی حقیر، توفیق نگارش دوّمین اثر از مجموعه ی «کلید واژه ها» را، با موضوع «رجعت» عنایت نمود، تا پس از تألیف «کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم» که به معرّفی و شرح و تفسیر ۲۴۰ آیه در موضوع مهدویت پرداختم، آیات مربوط به «رجعت» را در غالب اسم و کُد مشخص همراه با تفاسیر ائمّه ی اطهار، با عنوان «کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم» را، که به معرّفی و شرح و تفسیر ۸۰ آیه در موضوع رجعت پرداخته، به رشته ی تحریر در آورم.

بنده در این روش برای هر آیه، یک اسم و یک کُد تعریف نموده ام، که هر کُد، از یک عدد صحیح که معرّف شماره ی سوره در قرآن کریم، و یک عدد اعشاری که معرّف شماره ی آیه است، تشکیل شده، تا به کمک این روش، جویندگان معارف اهل بیت عصمت و طهارت، به ویژه جوانان عزیز بتوانند به آسانی با آیه های رجعت در قرآن کریم آشنا شده و چراغ راهی برای دیگران گردند.

در اینجا بر خود لازم می دانم، تا از استاد خودم، که همیشه بنده را مورد لطف و عنایت خویش قرار داده اند، و این بار نیز مقدمه ی این کتاب را، با قلم محققانه و عالمانه ی خویش، مزین فرموده اند، کارشناس مباحث امامت و مهدویت، جناب استاد، علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام بقائه، تقدیر و تشکر فراوان نمایم، و از درگاه خداوند متعال، برای ایشان، و همه ی خدمت گزاران آستان ملک پاسبان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، آرزوی صحت و عافیت و طول عمر با عزّت، نمایم.

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۳۶ ق

قم مقدّسه سید محمّد جعفر روضاتی



کلید واژه ی

آیات رجعت در قرآن

ص: ۶۷



اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام

(ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید.

۱\_ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ فَقَالَ لَهُ (لَابِنِ الْكُوَاءِ) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلَّ عَمَّا بَدَا لَكَ، قَالَ: نَعَمْ إِنَّ أَنْسَاءَ مِنْ أَصْحَابِكَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ يَرُدُّونَ بَعْدَ الْمَوْتِ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ تَكَلَّمُ بِمَا سَمِعْتَ وَ لَا تَرُدُّ فِي الْكَلَامِ فَمَا قُلْتَ لَهُمْ؟

قَالَ: قُلْتُ: لَمَا أُؤْمِنُ بِشَيْءٍ مِمَّا قُلْتُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلَسَّكَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ابْتَلَى قَوْمًا بِمَا كَانَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَأَمَاتَهُمْ قَبْلَ آجَالِهِمْ الَّتِي سُمِّيَتْ لَهُمْ ثُمَّ رَدَّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا لِيَسْتَوْفُوا أَزْرَاقَهُمْ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ.

قَالَ: فَكَبَّرَ عَلَى ابْنِ الْكُوَاءِ وَ لَمْ يَهْتِدِ لَهُ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلَسَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ: «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا»، (۱) فَاِنْطَلَقَ بِهِمْ مَعَهُ لِيَشْهَدُوا لَهُ إِذَا رَجَعُوا عِنْدَ الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ رَبِّي قَدْ كَلَّمَنِي فَلَوْ أَنَّهُمْ سَلَّمُوا ذَلِكَ لَهُ وَ صَدَّقُوا بِهِ لَكَانَ خَيْرًا

لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا لِمَوْسِعِيلِيهِ السَّلَام: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَأَخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»،  
«ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، أَ تَرَى يَا ابْنَ الْكُؤَاءِ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ بَعْدَ مَا مَاتُوا؟

فَقَالَ ابْنُ الْكُؤَاءِ: وَ مَا ذَاكَ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ فَكَأَنَّهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: لَأ، وَ يَلِكُ! أ وَ لَيْسَ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَ ظَلَلْنَا عَلَيْكُمْ الْعَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى»، فَهَذَا بَعْدَ الْمَوْتِ إِذْ بَعَثَهُمْ وَ أَيْضاً مِثْلَهُمْ يَا ابْنَ الْكُؤَاءِ الْمَلَأَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَيُوتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ»، (١) وَ قَوْلُهُ أَيْضاً فِي عَزِيرٍ حَيْثُ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ»، (٢) وَ أَخَذَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ وَ رَدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا، «فَقَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ»، (٣) فَلَا تَشْكُرَنَّ يَا ابْنَ الْكُؤَاءِ فِي قَدْرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. (٤)

از اصبع بن نباته نقل است که گفت: حضرت امیر المؤمنین علیعلیه السلام به ابن کوءاء فرمودند: از هر چه که می خواهی سؤال کن، ابن کوءاء گفت: گروهی از یاران شما گمان می کنند که پس از مرگ دوباره زنده می شوند و قبل از برپایی قیامت به دنیا باز می گردند.

امیر المؤمنین علیعلیه السلام فرمودند: بله! شما در مقابل این سخن چه گفتی؟

ص: ٧٠

١- ١. ٢٤٣ / ٢.

٢- ٢. ٢٥٩ / ٢.

٣- ٣. همان.

٤- ٤. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ١٥١؛ بحار الأنوار، ج ٥٣: ص ٧٢؛ مختصر البصائر: ص ١٠٢؛ نوادر الأخبار، ص ٢٨٠؛ الوافی، ج ٢: ص ٤٦١.

گفت: هیچ کدام از سخنان آن ها را نپذیرفتم و به آن ها گفتم: به هیچ سخنی از سخنان شما اعتقاد ندارم. حضرت علیعلیه السلام فرمودند: وای بر تو! خداوند گروهی را به خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند، به گرفتاری هایی مبتلا کرد و قبل از فرا رسیدن اجل و عمر حتمی که بر ایشان معین کرده بود، آن ها را می راند و سپس آن ها را زنده کرد و به دنیا بازگرداند تا از باقی مانده روزی خود استفاده کنند و پس از آن دوباره بمیرند.

چون سخن بر ابن کوّاء گران آمد و آن را نپذیرفت، امیرالمؤمنینعلیه السلام سخن را ادامه دادند و برای اثبات مطلب فرمودند: وای بر تو! ای ابن کوّاء! می دانی که در قرآن آمده است: «حضرت موسی هفتاد نفر از مردان بنی اسرائیل را برای میقات ما انتخاب کرد...» سپس حضرت موسیعلیه السلام با آن گروه رفت تا هنگام بازگشت به بنی اسرائیل، شهادت دهند که حضرت موسی با خدا سخن گفته است، ولی وقتی آنان این واقعه را مشاهده کردند، باز منکر شدند و به موسیعلیه السلام گفتند: «به تو ایمان نمی آوریم مگر خدا را با چشم بینیم» در این حال خداوند متعال آن ها را عذاب کرد و همگی را به هلاکت رساند و بعد زنده کرد: «سپس بعد از مرگ شما را زنده کردیم»

و همچنین، ای پسر کوّاء! خدا در قرآن داستان گروهی از بنی اسرائیل را ذکر کرده است که به فرمان الهی مردند و دوباره زنده شدند. و داستان عزیر را ذکر کرده است که او صد سال مرد و دوباره زنده شد، پس ای پسر کوّاء در زنده شدن مردگان بعد از مرگ و بازگشت آن ها به دنیا قبل از برپایی قیامت تردید مکن، زیرا خدا بر هر چیزی قدرت و توانایی دارد.

اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

(فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید اندیشه کنید!»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِمْ عَنْ أَبِي عَزِيدٍ اللَّهَعَلِيِّ السَّلَامِ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خِيَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ عَلِمَ إِتْمَانَهُمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَأَنْعَمَتْ لَهُ، وَ خَطَبَهَا ابْنُ عَمِّ لِتَذَلِكَ الرَّجُلِ، وَ كَانَ فَاسِقًا رَدِيًّا فَلَمْ يَنْعَمُوا لَهُ، فَحَسَدَ ابْنُ عَمِّهِ الَّذِي أَنْعَمُوا لَهُ، فَفَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِيْلَةً، ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! هَذَا ابْنُ عَمِّي قَدْ قُتِلَ.

قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَتَلَهُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي، وَ كَانَ الْقَتْلُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَظِيمًا جَدًّا فَعَظَمَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى، فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ.

فَقَالُوا: مَا تَرَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ!؟ ... فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَى مُوسَى وَ بَكَوْا وَ ضَجُّوا.

قَالَ لَهُمْ مُوسَى: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ... ثُمَّ قَالُوا: مَا تَأْمُرُنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ!؟

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ، قُلْ لَهُمْ: اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا، وَ قُولُوا: مَنْ قَتَلَكَ؟

فَأَخَذُوا الذَّنْبَ فَضَرَبُوهُ بِهِ، وَ قَالُوا: مَنْ قَتَلَكَ يَا فُلَانُ؟ فَقَالَ: فُلَانُ ابْنُ فُلَانٍ، ابْنُ عَمِّي الَّذِي جَاءَ بِهِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحَى اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۱).

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه، از ابن ابی عمیر نقل می کند که شخصی گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: یکی از نیکان و علمای بنی اسرائیل زنی را خواستگاری کرد، زن جواب مثبت داد، سپس پسر عموی آن مرد که مرد فاسق و نالایقی بود خواستگاری کرد، وی را رد کردند، لذا بر پسر عموی خویش حسد برد، و در کمینش نشست تا بی خبر او را کشت، و جنازه را نزد موسی آورده گفت: پسر عموی مرا کشته اند؟

حضرت موسی علیه السلام فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم، در بنی اسرائیل هم قتل جرم بزرگی بشمار می رفت، بستگانش گردآمده شروع به گریه و شیون کردند.

حضرت موسی علیه السلام فرمود: خدا دستور می دهد (برای پیدا کردن قاتل) گاوی را بکشید ...

به حضرت موسی وحی شد بگو قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنند و از او پیرسند قاتل تو کیست؟ دم گاو را به وی زدند و پرسیدند چه کسی ترا کشت؟ گفت: فلان، پسر فلان، که پسر عموی من است، این است که خداوند می فرماید: «قسمتی از آن را به وی بزنید، این طور خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نماید شاید به عقل آئید».

ص: ۷۳

---

۱ - ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۳: ص ۲۵۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۲۴۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص ۱۴۱؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۴۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲: ص ۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۸۸.

اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ)

ندیدی کسانی را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از سرزمین و دیار خود بیرون رفتند. خدا به آنان گفت: بمیرید، سپس آنها را زنده کرد، خدا برای مردم همیشه دارای بخشش و رحمت است ولی اکثر مردم سپاسگزار نیستند.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ وَغَيْرِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ»، فَقَالَ: إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الشَّامِ، وَكَانُوا سَبْعِينَ أَلْفَ بَيْتٍ، وَكَانَ الطَّاعُونَ يَقَعُ فِيهِمْ فِي كُلِّ أَوَانٍ، فَكَانُوا إِذَا أَحْسَوْا بِهِ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْأَغْنِيَاءُ لِقَوَاتِهِمْ وَبَقِيَ فِيهَا الْفُقَرَاءُ لِمَعْصِيَتِهِمْ، فَكَانَ الْمَوْتُ يَكْثُرُ فِي الَّذِينَ أَقَامُوا وَيَقَلُّ فِي الَّذِينَ خَرَجُوا، فَيَقُولُ الَّذِينَ خَرَجُوا لَوْ كُنَّا أَقَمْنَا لَكُنَّا فِيهَا الْمَوْتُ، وَ يَقُولُ الَّذِينَ أَقَامُوا لَوْ كُنَّا خَرَجْنَا لَقَلَّ فِيْنَا الْمَوْتُ.



قَالَ: فَأَجْمَعَ رَأْيَهُمْ جَمِيعًا أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ الطَّاعُونَ وَ أَحْسُوا بِهِ خَرَجُوا كُلُّهُمْ مِنَ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا أَحْسُوا بِالطَّاعُونَ خَرَجُوا جَمِيعًا وَ تَنَحَّوْا عَنِ الطَّاعُونَ خَذَرُ الْمَوْتِ فَسَارُوا فِي الْبِلَادِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ إِنَّهُمْ مَرُّوا بِمَدِينَةِ خَرِبَةٍ قَدِ جَلَّ أَهْلُهَا عَنْهَا وَ أَفْنَاهُمْ الطَّاعُونَ، فَزَلُّوا بِهَا فَلَمَّا حَطُّوا رِحَالَهُمْ وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا.

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مُوتُوا جَمِيعًا، فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَ صَارُوا رَمِيمًا عِظَامًا تَلُوحُ وَ كَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَةِ فَكَنَسَتْهُمْ الْمَارَةُ فَنَحَّوهُمْ وَ جَمَعُوهُمْ فِي مَوْضِعٍ.

فَمَرَّ بِهِمْ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يُقَالُ لَهُ «حَزْقِيلُ»، فَلَمَّا رَأَى تَلَمَّكَ الْعِظَامِ بَكَى وَ اسْتَعْبَرَ، وَ قَالَ: يَا رَبِّ! لَوْ شِئْتَ لِأَخِيَّتِهِمُ السَّاعَةَ، كَمَا أَمَّتَهُمْ فَعَمَّرُوا بِلَادَكَ وَ وُلِدُوا عِبَادَكَ وَ عَبْدُوكَ مَعَ مَنْ يَعْبُدُكَ مِنْ خَلْقِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: أ فَتَجِبُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، يَا رَبِّ! فَأَخْبَاهُمْ، قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: قُلْ كَذَا وَ كَذَا.

فَقَالَ: الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَقُولَهُ، فَقَالَ أَبُو عَبِيدٍ اللَّهَعْلِيَّةِ السَّلَامُ: وَ هُوَ الْإِسْمُ الْأَعْظَمُ، فَلَمَّا قَالَ حَزْقِيلُ ذَلِكَ الْكَلَامَ، نَظَرَ إِلَى الْعِظَامِ يَطِيرُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، فَعَادُوا أَحْيَاءً يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، يَسْبُحُونَ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ يَكْبُرُونَ وَ يَهْلَلُونَ.

فَقَالَ حَزْقِيلُ عِنْدَ ذَلِكَ: أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، قَالَ عَمْرُ بْنُ يَزِيدَ: فَقَالَ أَبُو عَبِيدٍ اللَّهَعْلِيَّةِ السَّلَامُ: فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ. (١)

از عمر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیہ السلام، و به نقل بعضی، حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام، در تفسیر این آیه: «مگر قصه ی آنان را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از وطن بیرون رفتند، خداوند به

ص: ٧٥

١- ١. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ١٢٤؛ بحار الأنوار، ج ٦: ص ١٢٣؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ١: ص ٥٠٢؛ تفسير الصافي، ج ١: ص ٢٧٢؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ٢: ص ٣٧٤؛ تفسير نور الثقلين، ج ١: ص ٢٤١؛ الكافي، ج ٨: ص ١٩٨.

آنان فرمود بمیرید، سپس همه را زنده کرد، ندانستی؟»

فرمودند: اینان هفتاد هزار خانوار، و اهل یکی از شهرهای شام بودند، گاهی در شهرشان طاعون می آمد، و ثروتمندان که قدرت داشتند، چون مطلب را حس می کردند، بیرون می رفتند، و فقرا که توانائی نداشتند می ماندند، و در نتیجه طاعون زده در میان باقی مانده ها بیشتر بود، از این رو همه تصمیم گرفتند وقتی که آثار طاعون را مشاهده کردند، عموماً از شهر بیرون روند.

این دفعه که احساس طاعون کردند، همه از ترس مرگ بیرون رفتند، مدتی در شهرها می گشتند، تا به خرابه ای رسیدند که اهلس همه هجرت کرده بودند، و طاعون همه را نابود کرده بود، آنجا پیاده شدند.

وقتی که بارها را بر زمین گذاشتند، خداوند امر فرمود: بمیرید! همه در یک ساعت مردند، و کم کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در محلی جمع کردند.

یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل، از آنجا عبور کرد، این وضع را که دید، گریه کرد و اشکش جاری شد، و گفت: پروردگارا! ای کاش همان طور که اینان را می راندی اکنون زنده شان می کردی، تا شهرها را آباد کنند، و نسلها را به وجود آورند، و مثل سایر بندگان ترا پرستند.

از جانب خداوند وحی شد: می خواهی زنده شان کنم! عرض کرد: آری! خطاب شد: چنین و چنان بگو، و آن کلمات اسم اعظم بود، چون به زبان جاری کرد دید استخوانها به جانب یکدیگر پرواز کردند و به هم پیوستند، و همه زنده شدند، و بنا کردند به یکدیگر نگرستن، و سبحان الله، و الله اکبر، و لا إله الا الله گفتن، اینجا حزقیل علیه السلام گفت: می دانم که خدا بر هر چیز توانا است، عمر بن یزید گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این آیه درباره ی اینها نازل شده است.

اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال

(أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ .. )

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام)، خدا او را یکصد سال میراند سپس زنده کرد...

رُوي أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ السَّلَامَ قَالَ: إِنَّ عَزِيرًا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ، وَ امْرَأَتُهُ حَامِلٌ، وَ لَهُ خَمْسُونَ سَنَةً، فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ، فَرَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ هُوَ ابْنُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَكَانَ ابْنُهُ أَكْبَرَ مِنْهُ، وَ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ. (۱)

ص: ۷۷

---

۱ - ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۶۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱: ص ۵۳۴؛ تفسير الصافي، ج ۱: ص ۲۹۲؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱: ص ۲۶۹؛ روضه الواعظين، ج ۱: ص ۱۴؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۲: ص ۶۴۱.

حضرت امیر المؤمنین علیعلیه السلام فرمودند: «عزیر» وقتی از عائله اش خارج شد، همسرش باردار بود، و خود او در سن پنجاه سالگی بود، تا خدا او را صد سال میراند و پس از آن، زنده کرد، پس برگشت به سوی اهلش به همان سن پنجاه سالگی، در حالی که پسرش به سن صد سالگی رسیده بود، و پسرش پنجاه سال از خودش بزرگتر بود! و این از آیات خدا بود.

ص: ۷۸

اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم علیه السلام

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصِرْ بِهِنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)

و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا! به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم، ولی برای آنکه دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ را بگیر و گوشت آنها را به هم درآمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

۱\_ ... عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ثُمَّ التَّفَتَ فَرَأَى جِيْفَةً عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ، نَضِيْفَةٌ فِي الْمَاءِ وَ نَضِيْفَةٌ فِي الْبَرِّ، تَجِيءُ سِبَاعُ الْبَحْرِ فَتَأْكُلُ مَا فِي الْمَاءِ، ثُمَّ تَرْجِعُ فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَ تَجِيءُ سِبَاعُ الْبَرِّ فَتَأْكُلُ مِنْهَا فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَعَجَّبَ

إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا رَأَى، وَقَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى».

قَالَ: كَيْفَ تُخْرِجُ مَيَّا تَنَاسِلَ النَّبِيِّ أَكَلَّ بَعْضُهَا بَعْضًا، «قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي»، يَعْنِي حَتَّى أَرَى هَذَا كَمَا رَأَيْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ فَضْرُهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا».

فَقَطَّعُهُنَّ وَ اخْلَطَّهُنَّ كَمَا اخْتَلَطَتْ هَذِهِ الْجِيفَةُ فِي هَذِهِ السَّبَاعِ الَّتِي أَكَلَّ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَخَلَطَ ثُمَّ جَعَلَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا، ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنِكَ سَعِيًّا فَلَمَّا دَعَاهُنَّ أَجَبْنَهُ، وَ كَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ. (١)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ... ابراهیم علیه السلام پس از آن، نگاهی کرد و در ساحل دریا، مرداری را دید که نیمی از آن در آب و نیمی از آن در خشکی قرار داشت، و حیوانات دریا را دید که می آیند و نیمه ی او را که در دریا قرار دارد می خورند و سپس بازمی گردند و به یک دیگر حمله می کنند و هم را می خورند و آن گاه درندگان خشکی می آیند و از آن می خورند و آنها هم به یک دیگر یورش می برند و یک دیگر را می خورند.

ابراهیم علیه السلام از آنچه دید در شگفت شد و گفت: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى»، یعنی: چگونه در روز معاد حیواناتی را زنده می کنی، که یک دیگر را خورده اند؟

«قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي»، یعنی همچنان که همه چیز را به چشم می بینم، این حقیقت را نیز به چشم خود بنگرم، «قَالَ»

ص: ۸۰

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۷: ص ۴۱، ح ۱۲ و ج ۱۲: ص ۶۱، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۵۳۷، ح ۱۴۵۰؛ تفسیر العیاشی، ج ۱: ص ۱۴۲، ح ۴۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸؛ علل الشرائع، ج ۲: ص ۵۸۵، ح ۳۱؛ الکافی، ج ۸: ص ۳۰۵، ح ۴۷۳.

فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ فَصِرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا» یعنی: چهار پرنده را بگیر، آنها را قطعه قطعه کن و با یکدیگر درهم آمیز، چنانچه گوشت این مردار در تن این درندگان که یکدیگر را خورده اند درهم آمیخته.

و او چنین کرد، «ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا»، سپس آن گوشت‌های درهم آمیخته را به چهار قسمت تقسیم کن و هر قسمت را بر فراز کوهی بگذار، سپس آنها را صدا بزنی، و چون ابراهیم‌علیه السلام آنها را صدا زد، زنده شدند و به نزدش آمدند، و تعداد آن کوهها ده بود.

۲\_ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَ عِنْدَهُ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟

فَقَالَ: بَلَى، ... فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي».

فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَمَا أَنْ أَوْحَى إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي مُتَّخِذٌ مِنْ عِبَادِي خَلِيلًا إِنْ سَأَلَنِي إِحْيَاءَ الْمَوْتَى أَحَبَّتُهُ، فَوَقَعَ فِي نَفْسِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ ذَلِكَ الْخَلِيلُ.

فَقَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي»، عَلَى الْخَلَّةِ، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ فَصِرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

فَأَخَذَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَسِيرًا وَ بَطْأً وَ طَاوَسًا وَ دِيكًا، فَفَقَطَعَهُنَّ وَ خَطَطَهُنَّ ثُمَّ جَعَلَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي حَوْلَهُ، وَ كَانَتْ عَشْرَةً مِنْهُنَّ جُزْءًا، وَ جَعَلَ مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ دَعَاهُنَّ بِأَسْمَائِهِنَّ، وَ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَ مَاءً، فَتَطَايَرَتْ تِلْكَ الْأَجْزَاءُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، حَتَّى اسْتَوَتْ الْأَبْدَانُ وَ جَاءَ كُلُّ

بَدَنٍ حَتَّىٰ انْضَمَّ إِلَى رَقَبَتِهِ وَرَأْسِهِ.

فَحَلَّىٰ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَتَاقِيرِهِنَّ فَطَوَّنَ، ثُمَّ وَقَعَنَ فَشَرِبَنَ مِنْ ذَلِكِ الْمَاءِ، وَالتَّقَطَّنَ مِنْ ذَلِكِ الْحَبِّ، وَقَلَّنَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ.

فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ اللَّهُ يَحْيِي وَيَمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، قَالَ الْمَأْمُونُ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ، يَا أَبَا الْحَسَنِ! (۱)

علی بن محمد بن الجهم گفت: در مجلس مأمون حاضر شدم در زمانی که حضرت علی بن موسیعلیهما السلام در نزد مأمون بودند، مأمون به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا این قول شما نیست، که انبیاء معصوم هستند؟ حضرت فرمودند: بله، قول من است، ...

مأمون عرض کرد: خداوند تو را اجر خیر دهد، ای فرزند رسول خدا! خبر دهید مرا از قول ابراهیم: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»، حضرت فرمودند: خداوند به ابراهیمعلیه السلام وحی فرمود که: من برای خودم، از میان بندگانم، دوستی را انتخاب خواهم کرد، که حتی اگر از من بخواهد، مرده ها را زنده کنم، این کار را برای او خواهم کرد.

ابراهیمعلیه السلام به دلش الهام شد که او، آن دوست و خلیل است، لذا عرض کرد: خدایا! به من نشان بده که چگونه مرده ها را زنده می کنی، خداوند فرمود: آیا تو ایمان نداری؟ عرض کرد: چرا، ولی به خاطر اینکه قلبم آرام گیرد، یعنی نسبت به خلیل بودنم، خداوند فرمود: چهار پرنده را بگیر، آنها را

ص: ۸۲

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۱: ص ۷۸، ح ۸ و ج ۱۲: ص ۶۴، ح ۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۵۳۵، ح ۱۴۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص ۲۹۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲: ص ۴۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۲۷۵، ح ۱۰۸۸؛ عیون أخبار الرضا ۷، ج ۱: ص ۱۹۸، باب ۱۵، ح ۱.



تکه تکه کن، سپس بر هر کوهی، بخشی از آنها را قرار ده، آنگاه آنها را بخوان، به سرعت خود را بتو می رسانند، و بدان خداوند عزیز و حکیم است.

پس ابراهیمعلیه السلام، یک کرکس، یک طاوس، یک مرغابی و یک خروس گرفته، ذبح کرد، و سپس آنها را تکه تکه نمود، و اجزای آنها را با هم مخلوط کرد، و سپس هر بخشی از این اجزاء مخلوط شده را، بر کوهی از ده کوه اطراف خود قرار داد، و آنگاه منقار آنها را به دست گرفت، و هر کدام را با نامشان صدا زد، و مقداری دانه و آب، نزد خود گذاشته بود، آن اجزاء به سوی یک دیگر پرواز کردند، و به هم متصل شدند، و بدنها کامل شد، و هر بدنی به سوی سر خود رفت، و به آن پیوست، سپس ابراهیمعلیه السلام منقار آنها را از دست خود رها کرد، و آنها پرواز کردند، و سپس فرود آمدند، و از آن آب و دانه ها خوردند، و گفتند: ای پیامبر خدا! تو ما را زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد.

ابراهیمعلیه السلام فرمود: بلکه خداوند زنده می کند و می میراند، و اوست که بر همه کار تواناست. مأمون عرض کرد: آفرین بر شما، ای ابا الحسن!

اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسیٰ علیه السلام

(وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْمَأْبُوسَ وَالْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْنِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن (نفس قدسی) بدمم تا به امر خدا مرغی گردد، و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم، و مردگان را به امر خدا زنده کنم، و به شما (از غیب) خبر دهم که در خانه هاتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.

۱\_ مرحوم طبرسی قدس سره در تفسیرش می گوید: گفته اند که حضرت عیسیٰ علیه السلام چهار نفر را زنده کرد:

اول: عازر، که دوست وی بود، و سه روز پس از مرگش بر سر قبر او رفت، و گفت: (بار خدایا! ای پروردگار آسمانها و زمین! تو مرا به سوی بنی

اسرائیل فرستادی که آنها را به دین تو دعوت کنم، و به ایشان خیر دهم که مردگان را زنده خواهی کرد، اینک عازر را زنده گردان.)

پس عازر زنده شد، و برخاست، و پس از آن هم، صاحب فرزندی گردید.

دوم: پسر پیرزنی بود، که حضرت عیسیٰ علیهِ السَّلَام جنازه ی او را بر دوش مردم دید، که با تابوت می برند، پس دعایی کرد، و او زنده شد، و از دوش مردم پایین آمد، و لباس پوشید، و به خانه برگشت، و بعداً صاحب فرزند شد.

سوم: دختری ده ساله را، که یک روز پس از مردن زنده ساخت، تا به خانه ی خود برگشت و شوهر کرد و بچه دار شد.

چهارم: سام بن نوح، که اسم اعظم خدا را خواند، و دعا کرد، و زنده شد، سپس حضرت عیسیٰ علیهِ السَّلَام به او گفت: باید بمیری، وی شرط کرد که خدا مرا از سكرات موت و رنج جانکندن در امان نگهدارد، عیسیٰ علیهِ السَّلَام در این باره دعایی نمود و دعایش مستجاب شد. (۱)

ص: ۸۵

(وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ)

و (یاد کن) آن گاه که خدا از پیامبران (و امت‌هایشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می داد به او ایمان آورده و یاری او کنید خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَعْدُنْ آدَمَ إِلَىٰ عَيْسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ قَوْلُهُ

«لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ»، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ «وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱).

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیرش، از عبد الله بن مسکان نقل می کند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی این آیه: «هنگامی که خدا از پیمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم، اگر پیامبری سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آرید و یاریش کنید»، فرمودند: از زمان حضرت آدم، تا کنون، خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، جز این که به دنیا برمی گردد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام را یاری می کند، و تأویل آیه چنین است که: «باید به پیامبر ایمان آورید و امیر المؤمنین را یاری نمایید». (و این در زمان رجعت محقق خواهد شد. ان شاء الله تعالی)

ص: ۸۷

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۹۱ و ص ۶۴۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص ۳۵۱؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۲۵۱ و ص ۱۰۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص ۱۵۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۳۵۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۰.

شماره: ۸

کد آیه: ۳ / ۱۴۴

اسم آیه: رجعت شهدا

(وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ...)

محمد صلی الله علیه و آله فقط پیامبر است، قبل از او نیز پیامبرانی بودند. آیا اگر او بمیرد و یا (در جنگ) کشته شود، شما بعقب بر میگردید؟

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ فَاحْتَلْتُ مَسْأَلَهُ لَطِيفَةً، لِأُبَلِّغَ بِهَا حَاجَتِي مِنْهَا، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَمَّنْ قُتِلَ مَاتَ؟

قَالَ: لَأَ، الْمَوْتُ مَوْتٌُّ وَالْقَتْلُ قَتْلٌ، فَقُلْتُ: مَا أَحَدٌ يَقْتُلُ إِلَّا مَاتَ؟

قَالَ: فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ! قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ قَدْ فَرَّقَ بَيْنَ الْقَتْلِ وَالْمَوْتِ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، وَ قَالَتْ: «لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَأِلِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ»، (۱) فَلَيْسَ كَمَا قُلْتَ يَا زُرَّارَةُ! الْمَوْتُ مَوْتٌُّ وَالْقَتْلُ قَتْلٌ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ

ص: ۸۸

يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا. (۱)

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، (۲) أَمْ أَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ فَقَالَ: لَيْسَ مِنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ. (۳)

از زرارہ نقل است کہ گفت: کراہت داشتم کہ از حضرت امام محمّد باقر علیہ السّلام دربارہ ی رجعت سؤالی بپرسم، پس مسألہ ای لطیف طرح نمودم، تا در ضمن پاسخ آن، بہ خواستہ ی خود برسم، پس عرض کردم: فدایتان شوم! مرا از حال شخصی خبر دهید، کہ اگر کشتہ شود، آیا مردہ بہ شمار می آید؟

حضرت فرمودند: خیر، مردن، مردن است، و کشتہ شدن، کشتہ شدن است.

زرارہ گفت: سپس بہ آن حضرت عرض کردم: هیچ کس کشتہ نشدہ، مگر اینکہ بمیرد. پس حضرت فرمودند: ای زرارہ! فرمایش خداوند متعال، از گفتہ ی تو صحیح تر است، و او در قرآن میان آن دو (یعنی کشتہ شدن و مردن) تفاوت قائل شدہ است، آنجا کہ فرمودہ: «أَفَبِأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، و فرمودہ: «وَلَكِنَّ مَتِّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُخَشَرُونَ»، ای زرارہ! اینگونہ کہ شما می گویی نیست، مردن، مردن است، و کشتہ شدن، کشتہ شدن است. همانا خداوند می فرماید:

ص: ۸۹

۱- ۱ / ۱۱۱ / ۹

۲- ۲ / ۱۸۵ / ۳

۳- ۳. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۵، ح ۵۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱: ص ۷۰۵، ح ۱۹۶۱ و ج ۲: ص ۸۵۶ ح ۴۷۵۶؛ تفسير العياشي، ج ۲: ص ۱۱۲، ح ۱۳۹؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص ۲۳۸؛ مختصر البصائر، ص ۹۳، ح ۶۱.

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدًا عَلَيْهِ حَقًّا،» یعنی: خداوند جانها و اموال مؤمنین را از آنها می خرد تا در عوض به آنها بهشت بدهد، آنها در راه خدا جهاد می کنند و دشمنان خدا را می کشند، و خود کشته می شوند این وعده ی راست خداوند است.

زراره می گوید: عرض کردم: خداوند در آیه ی دیگر می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» یعنی: هر کس مرگ را می چشد، آیا می فرمائید کسی که کشته می شود مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر در راه خدا کشته می شود، با آن کس که در بسترش جان می دهد یکسان نیست، کسی که کشته می شود، به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مزه ی مرگ را بچشد.



اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت

(وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ) (وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ)

اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید، همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیز است که فراهم آورند. و اگر (در راه خدا) بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور خواهید شد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ»، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! أَ تَدْرِي مَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا إِذَا سَجَعْتَ مِنْكَ، فَقَالَ: الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتِهِ، فَمَنْ قُتِلَ فِي وَلايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يُؤْمِنُ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا وَ لَهُ قَتْلُهُ وَ مِيتَتُهُ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ يَنْشُرُ حَتَّى يَمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ يَنْشُرُ حَتَّى يَقْتَلَ. (۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۲۴: ص ۱۲، ح ۶ و ج ۳۵: ص ۳۷۱، ح ۱۵ و ج ۵۳: ص ۴۰، ح ۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۷۰۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱: ص ۲۰۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۴۰۴، ح ۴۰۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۱؛ معانی الأخبار، ص ۱۶۷.

باره ی تفسیر این آیه: «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است»، سؤال کردم، حضرت فرمودند: ای جابر! آیا می دانی راه خدا کدام است؟ گوید: عرض کردم، نه، به خدا قسم! مگر آنکه آن را از شما بشنوم، حضرت فرمودند: راه خدا و «سبیل الله» عَلَیْهِ السَّلَام و فرزندان او می باشند، پس کسی که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده، و هر مؤمنی که به این آیه ایمان داشته باشد، کشته شدنی دارد و مرگی، اگر کشته شده باشد، زنده شود، (رجعت نماید) تا بمیرد، و اگر مرده باشد، زنده شود تا کشته گردد.

شماره: ۱۰

کد آیه: ۳ / ۱۸۵

اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ... )

هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید ...

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ ... قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، أَمْ فَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا يُدْرِكُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ. (۱)

از زراره نقل است که گفت: دوست نداشتم آشکارا، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی رجعت، سؤال کنم، تا اینکه ...

عرض کردم: همانا خداوند عزوجل می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، آیا می فرمائید: کسی که کشته می شود، مرگ را نمی چشد؟

حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر، در راه خدا کشته می شود، با آن کسی که در بسترش جان می دهد، یکسان نیستند، کسی که کشته می شود به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مرّه ی مرگ را بچشد.

ص: ۹۳

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۶، ح ۵۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱: ص ۷۰۵، ح ۱۹۶۱ و ج ۲: ص ۸۵۶، ح ۴۷۵۶؛ تفسير العياشي، ج ۱: ص ۲۰۲، ح ۱۶۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱: ص ۴۰۳، ح ۴۰۴؛ مختصر البصائر: ص ۹۳، ح ۶۱.

اسم آیه: ایمان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در رجعت

(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا)

هیچکس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر او خواهد بود.

۱- فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا»، فَإِنَّهُ رُوي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَجَعَ آمَنَ بِهِ النَّاسُ كُلُّهُمْ. (۱)

در تفسیر قمی در باره ی آیه ی: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا»، روایت شده که به تحقیق، وقتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به دنیا رجعت می کنند، همه ی مردم به ایشان ایمان می آورند.

۲- عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ: قَالَ لِي الْحَجَّاجُ: يَا شَهْرُ! آيَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَعْيَيْتَنِي، فَقُلْتُ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ! أَيُّ آيَةٍ هِيَ؟

ص: ۹۴

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲: ص ۱۹۷؛ تفسير الصافي، ج ۱: ص ۵۱۹؛ تفسير القمی، ج ۱: ص ۱۵۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص ۵۸۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱: ص ۵۷۱.

فَقَالَ: قَوْلُهُ: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، وَاللَّهِ! إِنِّي لَأَمُرُّ بِالْيَهُودِي وَالنَّصِرَانِي فَتَضْرِبُ عُنُقَهُ، ثُمَّ أَرْمُقُهُ بِعَيْنِي، فَمَا أَرَاهُ يَحْرُكُ شَفْتَيْهِ حَتَّى يَخْمَدَ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ، لَيْسَ عَلَيَّ مَا تَأَوَّلْتَ.

قَالَ: كَيْفَ هُوَ؟ قُلْتُ: إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةِ يَهُودِي وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَبَصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِ يَعْلِيهِ السَّلَامُ.

قَالَ: وَيَحْكُ! أَنَّى لَكَ هَذَا وَمِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ؟

فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ:.

فَقَالَ: جِئْتَ وَاللَّهِ بِهَا مِنْ عَيْنِ صَافِيهِ. (۱)

از شهر بن حوشب نقل است که گفت: حجاج به من گفت: یک آیه در قرآن مرا خسته کرده، گفتم: ای امیر! آن کدام آیه است؟

گفت: این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه ایمان می آورند به او قبل از مرگش، گفت: من دستور می دهم گردن یک یهودی یا نصرانی را بزنند، بعد دقیق تماشا می کنم، هرگز لبهای خود را تکان نمی دهد، تا موقعی که می میرد و چیزی نمی گوید، که معلوم شود ایمان آورده. گفتم: خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تأویل کرده ای نیست، پرسید: پس چگونه است؟

ص: ۹۵

---

۱- ۱. الزام الناصب، ج ۱: ص ۵۷ و ج ۲: ص ۲۸۴؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۴۰، ح ۶۴؛ بحار الانوار، ج ۹: ص ۱۹۵، ح ۴۵ و ج ۱۴: ص ۳۴۹، ح ۱۳ و ج ۵۳: ص ۵۰، ح ۲۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲: ص ۱۹۷، ح ۲۸۳۱؛ تفسير شريف لاهيجي، ج ۱: ص ۵۸۵؛ تفسير الصافي، ج ۱: ص ۵۱۹؛ تفسير القمي، ج ۱: ص ۱۵۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱: ص ۵۷۱، ح ۶۶۲.

گفتم: حضرت عیسیٰ علیهِ السَّلَام قبل از روز قیامت به دنیا فرود خواهد آمد، احدی از ملت‌ها، چه یهودی و چه دیگران، نمی ماند، مگر اینکه به او ایمان می آورد، و او پشت سر حضرت مهدی علیهِ السَّلَام، نماز خواهد خواند.

گفت: وای بر تو! از کجا این مطلب را کشف نموده ای، و از چه کسی استفاده کرده ای؟ گفتم: این مطلب را محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: برایم نقل نموده، گفت: به خدا قسم! از سرچشمه ی پاکی گرفته ای.

(... اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ)

... نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدِّيَلَمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا».

فَقَالَ: الْأَنْبِيَاءُ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَذُرِّيَّتَهُ، وَالْمُلُوكُ: الْأَثَمَةُ. قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَى مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: مُلْكُ الْجَنَّةِ وَ مُلْكُ الْكَرَّةِ. (۱)

از محمد بن سلیمان دیلمی نقل است که پدرش گفت: از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام تفسیر این آیه ی شریفه: «إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلْنَاكُمْ مَلُوكًا»، را پرسیدم: حضرت فرمودند: مقصود از انبیاء، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیہ السلام و اسماعیل علیہ السلام و ذریه ی او هستند، و منظور از پادشاهان، ائمه ی اطهار: می باشند، عرض کردم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا می کند؟ فرمودند: سلطنت بهشت، و سلطنت زمان رجعت را.



(وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ)

و اگر ببینی حال آنها را هنگامی که بر آتش دوزخشان بازدارند که در آن حال (با نهایت حسرت) گویند: ای کاش ما را به دنیا باز می گردانیدند تا دیگر آیات خدا را تکذیب نکرده و ایمان می آوردیم!

بلکه (وبال) آنچه پیش از این پنهان می داشتند بر آنها آشکار شده و اگر بار دیگر هم (به دنیا) برگردند باز همان اعمال زشتی را که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد، و آنان دروغ می گویند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ خَارِجٌ مِنَ الْكُوفَةِ، فَتَبِعْتُهُ مِنْ وَرَائِهِ حَتَّى صَدَارَ إِلَى جَبَانِهِ الْيَهُودِ وَ وَقَفَ فِي وَسْطِهَا وَ نَادَى: يَا يَهُودُ! فَأَجَابُوهُ مِنْ جَوْفِ الْقُبُورِ: لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ! مُطَاعٌ يَعْتُونَ بِحَدِّكَ يَا سَيِّدَنَا!

فَقَالَ: كَيْفَ تَرَوْنَ الْعَذَابَ؟ فَقَالُوا: بَعْضِيَانِنَا لَكَ كَهَارُونَ فَنَحْنُ وَ مَنْ عَصَاكَ فِي الْعَذَابِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ صَاحَ صَاحَةً كَادَتِ السَّمَاوَاتُ يَنْقَلِبْنَ، فَوَقَعَتْ مَغْشِيًا عَلَى وَجْهِهِ مِنْ هَوْلٍ مَا رَأَيْتُ.

فَلَمَّا أَفْقَتْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى سِرِيرٍ مِنْ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنَ الْجَوْهَرِ وَعَلَيْهِ حُلٌّ خُضْرٌ وَ صُفْرٌ وَ وَجْهُهُ كَدَارِهِ الْقَمَرِ، فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! هَذَا مُلْكُ عَظِيمٍ؟

قَالَ: نَعَمْ يَا جَابِرُ! إِنَّ مُلْكَنَا أَعْظَمُ مِنْ مُلْكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانِنَا أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ، ثُمَّ رَجَعَ وَ دَخَلْنَا الْكُوفَةَ وَ دَخَلْتُ خَلْفَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَجَعَلَ يَخْطُو خُطُوتًا وَ هُوَ يَقُولُ: لَا وَ اللَّهُ لَا فَعَلْتُ، لَا وَ اللَّهُ لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! لِمَنْ تُكَلِّمُ وَ لِمَنْ تُخَاطِبُ وَ لَيْسَ أَرَى أَحَدًا، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! كُشِفَ لِي عَنْ بَرَهوتٍ فَرَأَيْتُ شَيْبُوِيهِ، وَ حَبْتَرٍ وَ هُمَا يَعْدَبَانِ فِي جَوْفِ تَابُوتٍ فِي بَرَهوتٍ، فَنَادِيَانِي: يَا أَبَا الْحَسَنِ! يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا نَقَرَّ بِفَضْلِكَ وَ نَقَرَّ بِالْوَلَايَةِ لَكَ.

فَقُلْتُ: لَا وَ اللَّهُ لَا فَعَلْتُ، لَا وَ اللَّهُ لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، يَا جَابِرُ! وَ مَا مِنْ أَحَدٍ خَالَفَ وَصِيَّ نَبِيِّ إِلَّا حَشِرَ أَعْمَى يَتَكَبَّرُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ. (١)

از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که گفت: امیر المؤمنین علیہ السلام را خارج کوفه دیدم، به دنبال آن حضرت رفتم تا اینکه رسیدند به قبرستان یهودیان، در وسط قبرستان صدا زدند: ای یهود! از درون قبور جواب

ص: ۱۰۰

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۲۷: ص ۳۰۶، ح ۱۱ و ج ۴۱: ص ۲۲۲، ح ۳۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص ۴۱۲، ح ۳۴۴۷؛ تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۶۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴: ص ۳۱۳؛ مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۲: ص ۹۸، ح ۴۲۲.

دادند: لبيك لبيك! ای سرور ما!

حضرت فرمودند: عذاب را چگونه دیدید؟ جواب دادند: به خاطر مخالفت ما با تو، مانند مخالفتی که ما با هارون کردیم، و هر کسی مخالف تو باشد تا روز قیامت در عذاب است، سپس حضرت فریادی زدند، که نزدیک بود آسمان زیر و رو شود، من از ترس بیهوش شدم.

تا به هوش آمدم، دیدم امیر المؤمنین علیهِ السَّلَام بر تختی از یاقوت قرمز نشسته اند، و بر سر تاجی از جواهر دارند، و لباسهای عالی سبز و زرد پوشیده، و چهره ی آن حضرت مثل ماه می درخشید.

گفتم: آقا این سلطنت بزرگی است! حضرت فرمودند: آری، ای جابر! قدرت و فرمانروائی ما از سلیمان بن داود بزرگتر است، و سلطنت ما از سلطنت او بالاتر.

پس از آن با امیر المؤمنین علیهِ السَّلَام برگشتیم و داخل کوفه شدیم، من پشت سر آن حضرت وارد مسجد شدم، امام علیهِ السَّلَام هر گام بر می داشتند می فرمودند: نه به خدا انجام نمی دهم، نه به خدا چنین کاری هرگز نخواهد شد.

عرض کردم: ای سرورم! با چه کسی صحبت می کنید و حرف می زنید، من که کسی را نمی بینم؟

حضرت فرمودند: ای جابر! برهوت برایم آشکار شد، «شیبویه» و «حبت» را دیدم که در درون تابوت در عذاب بودند، مرا صدا زدند که: ای ابا الحسن! ای امیر المؤمنین! اگر ما را به دنیا برگردانید، اقرار به برتری تو می کنیم، و ولایت ترا می پذیریم، گفتم: نه، به خدا نخواهم کرد، هرگز چنین کاری نخواهد شد، بعد این آیه را تلاوت فرمودند:

«وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، ای جابر! هیچ کس با وصی پیامبری مخالفت نکرد، مگر آنکه کور برانگیخته می شود، و در عرصه های قیامت با صورت بر زمین می افتد.

ص: ۱۰۱

اسم آیه: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)

و اگر مردم شهر و روستاها ایمان می آوردند و خداترس و پرهیزکار می شدند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم. ولی آنان حقایق را تکذیب کردند. ما نیز آنها را به کیفر اعمالشان گرفتار ساختیم.

عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! إِنَّكَ سَتُسَاقُ إِلَى الْعِرَاقِ وَ هِيَ أَرْضٌ قَدِ اتَّقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَ أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ، وَ هِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عَمُورَاءَ، وَ إِنَّكَ تَسْتَشْهَدُ بِهَا وَ يَسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصِيحَابِكَ، لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ، وَ تَلَا قُلْنَا: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، يَكُونُ الْحَرْبُ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ، فَأَبْشِرُوا فَوَ اللَّهُ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَى نَبِينَا.

قَالَ: ثُمَّ أَمُكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ، فَأَخْرُجُ خَرَجَهُ يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرَجَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قِيَامَ قَائِمِنَا ثُمَّ لَيُنزَلَنَّ عَلَيَّ وَفْدٌ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمْ يَنْزِلُوا إِلَى الْأَرْضِ قَطُّ وَ لَيُنزَلَنَّ إِلَى جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ جُنُودٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَيُنزَلَنَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ أَنَا وَ أَخِي وَ جَمِيعٌ مَنْ

مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي حُمُولَاتٍ مِنْ حُمُولَاتِ الرَّبِّ خَيْلٍ بُلُقٍ مِنْ نُورٍ لَمْ يَرْكَبَهَا مَخْلُوقٌ، ثُمَّ لِيُهَزَّنَ مُحَمَّدٌ لَوَاءَهُ وَ لِيَدْفَعَنَّهُ إِلَى قَائِمِنَا مَعَ سَيْفِهِ، ثُمَّ إِنَّا نَمَكُّثُ مِنْ بَعِيدِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبْنٍ، ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْفَعُ إِلَى سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَبْعَثُنِي إِلَى الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، فَلَا آتِي عَلَى عَدُوٍّ لِلَّهِ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ وَ لَمَّا أَدْعُ صِيْنًا إِلَّا أَحْرَقْتُهُ حَتَّى آقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحَهَا وَ إِنَّ دَانِيَالَ وَ يَوْشَعَ يَخْرُجَانِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولَانِ: صِدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ يَبْعَثُ اللَّهُ مَعَهُمَا إِلَى الْبَصِيرَةِ سَبْعِينَ رَجُلًا، فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلِيَهُمْ وَ يَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الرُّومِ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ ثُمَّ لَأَقْتُلَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيْبُ وَ أَعْرَضُ عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ سَائِرِ الْمِلَلِ وَ لَأُخَيِّرَنَّهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَ السَّيْفِ.

فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ وَ مَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ، وَ لَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيَعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسُحُ عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ، وَ يَعْرِفُهُ أَرْوَاجَهُ وَ مَنْزِلَتَهُ فِي الْجَنَّةِ وَ لَمَّا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَ لَمَّا مُقْعِدٌ وَ لَمَّا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لِيَنْزِلَنَّ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يَرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لِيَهَبُ لِشِيَعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ. (١)

ص: ١٠٣

١ - ١. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ٣٥٢؛ بحار الأنوار، ج ٤٥: ص ٨٠، ح ٦ و ج ٥٣: ص ٦١، ح ٥٢؛ الخرائج و الجرائح، ج ٢: ص ٨٤٨، ح ٦٣؛ مختصر البصائر: ص ١٣٩، ح ١٠٧؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ٢٨٦، ح ٥.

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: امام حسین علیه السلام قبل از اینکه به شهادت برسند، به اصحاب خود می فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای پسر عزیزم! تو به زودی به سوی عراق رانده خواهی شد، زمین عراق همان زمینی است که پیامبران و اوصیای آنان، در آن با یکدیگر ملاقات کردند، آن زمین را عمور می خوانند، تو در آن زمین شهید خواهی شد، و گروهی که با تو شهید می شوند، درد نیزه و شمشیر را احساس نمی کنند، سپس این آیه را تلاوت کردند:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ»، جنگ برای تو و یارانت سرد و سلامت خواهد شد.

سپس امام حسین علیه السلام به اصحاب خود فرمودند: مژده باد شما را! گر چه دشمنان، ما را می کشند، ولی ما بر پیامبران وارد خواهیم شد، سپس من به قدری که خدا بخواهد مکث خواهم نمود! سپس اول کسی که زمین برایش شکافته خواهد شد، و او خارج می شود، من خواهم بود.

پس من با خروج حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و قیام حضرت قائم علیه السلام، و زنده شدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خروج خواهم کرد، سپس افرادی از آسمان از طرف خدا نزد من می آیند، که هرگز در زمین نازل نشده اند.

جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و گروهی از ملائکه بر من نازل خواهند شد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و من و برادرم و جمیع آن افرادی که خدا بر آنان منت نهاده، به وسیله ی شترانی از نور، که احدی از مخلوقین بر آنها سوار نشده، فرود می آئیم، پس از این جریان حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرچم خود را به اهتزاز در می آورد، و آن را با شمشیر خود به قائم ما می دهد.

سپس ما به اندازه ای که خدا بخواهد مکث می نمائیم، بعداً خدای توانا چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر در مسجد کوفه خارج می کند. پس از این جریان، امیر

المؤمنينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ شمشیر پیامبر خدایَ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را به من می دهند، و مرا به سوی مشرق و مغرب زمین می فرستند، پس من به هیچ یک از دشمنان خدا بر نمی خورم، مگر اینکه خون او را می ریزم، هیچ بُتی را نمی بینم مگر اینکه آن را می سوزانم، تا اینکه به هند می رسم، و آن را فتح می نمایم! دانیال و یوشع خارج می شوند، و به حضرت امیر المؤمنینَ عَلَيْهِ السَّلَامِ می گویند: خدا و رسول، راست گفته اند. سپس ایشان با تعداد هفتاد مرد، به سوی بصره می روند، و دشمنان خود را می کشند. گروهی به جانب روم اعزام می شوند، و خدای توانا پیروزی را نصیب آنان می نماید.

بعداً من هر حیوانی را که خدا گوشت آن را حرام کرده می کشم، تا اینکه در روی زمین غیر از گوشت طیب و طاهر چیزی نباشد. من بر یهود و نصارا و سائر ملل اسلام، شمشیر را عرضه می کنم، و آنان را بین اسلام و شمشیر مخیر می نمایم، هر کسی از آنان اسلام بیاورد، مَنّت بر او می گذارم، و هر کس که از اسلام بیزار باشد، خدا خون او را خواهد ریخت.

هیچ مردی از شیعیان ما روی زمین نیست، مگر اینکه خدا ملک می فرستد تا خاک را از روی او پاک نماید، و زنان و مقام و منزلت او را در بهشت به وی معزّفی نماید، در روی زمین شخص کور و زمین گیر و مبتلائی نخواهد بود، مگر اینکه خدا به وسیله ی ما اهل بیت، بلا را از او بر طرف می کند.

به قدری برکت از آسمان به زمین نازل می شود، که شاخه ی درخت، از زیادی میوه می شکند! میوه ی زمستانی در تابستان، و میوه ی تابستانی در زمستان خورده می شود. همین است معنای قول خداوند سبحان که می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، سپس خدای رؤف کرامتی به شیعیان ما عطا می کند، که چیزی در زمین بر آنان پنهان نخواهد بود. تا آنجا که مردی از ایشان تصمیم می گیرد، که علم اهل بیت خود را بداند، پس خداوند او را از آنچه آنها می دانند آگاه می نماید.

اسم آیه: یاری امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول و پیامبر امی ... پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

فی تفسیر القمی: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، یعنی بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ»، یعنی أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام، «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، فَأَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَنْ يَخْبِرُوا أُمَّهَاتِهِمْ وَ يَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَ أَمَرُوا أُمَّهَاتِهِمْ بِذَلِكَ، وَ سَيُجِيعُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَزْجِعُونَ وَ يَنْصُرُونَهُ فِي الدُّنْيَا. (۱)

در تفسیر قمی روایت است که: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، کسانی که ایمان به



رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَآوَرَدْنَا، «وَعَزَّوْهُ وَنَصَّيْرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ»، یعنی از امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام پیروی و تبعیت کنند، «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آنها رستگاران هستند، خداوند از پیامبران پیمان گرفت، که امتشان را به آمدن پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بشارت دهند و او را یاری نمایند، انبیاء: هم، با گفتار، او را یاری نمودند، و به امتشان دستور دادند که امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام را نصرت دهند، طولی نمی کشد که همه به دنیا برمی گردند، و در همین دنیا او را یاری می کنند.

اسم آیه: رجعت عده ای از یهودیان مؤمن

(وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می نمایند.

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا، «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»، وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ، وَ الْمِقْدَادَ، وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا. (۱)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

ص: ۱۰۸

۱- ۱. الزام الناصب، ج ۲: ص ۲۳۴ و ص ۲۸۵؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۴۹، ح ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۹۰، ح ۹۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۶۲۰، ح ۶۶۳۵؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۲۳۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص ۴۳؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۲۵۲، ح ۴۰؛ كشف الغمه في معرفة الأئمة، ج ۲: ص ۴۶۶.

از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه حضرت قائمعلیه السلام بیرون می آیند، پانزده نفر آنان از قوم حضرت موسیعلیه السلام می باشند، که به حق هدایت کنند و بدان دادگری نمایند، و هفت تن آنان اصحاب کهف هستند، و یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد، مالک اشتر، می باشند، پس اینها یاران و حکمرانان او هستند.

ص: ۱۰۹

اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

او خدایی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا آن را بر همه ی ادیان جهان برتری بخشد، هر چند مشرکان را خوش آیند نباشد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِعَلِيِّهِ السَّلَامُ فِي الْأَرْضِ كَرَّةً مَعَ الْحُسَيْنِ ابْنِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، يَقْبَلُ بِرَأْيَتِهِ حَتَّىٰ يَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَمُعَاوِيَةَ وَآلِ مُعَاوِيَةَ وَمَنْ شَهِدَ حَرْبَهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ بِأَنْصَارِهِ يَوْمَئِذٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَمِنْ سَائِرِ النَّاسِ سَبْعِينَ أَلْفًا.

فِيَلْقَاهُمْ بِصَفِينٍ مِثْلَ الْمَرَّةِ الْأُولَىٰ، حَتَّىٰ يَمُتْلَهُمْ وَلَا يَبْقَىٰ مِنْهُمْ مُخْبِرًا، ثُمَّ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَدْخُلُهُمْ أَشَدَّ عَذَابِهِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَآلِ فِرْعَوْنَ، ثُمَّ كَرَّةٌ أُخْرَىٰ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّىٰ يَكُونَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ وَتَكُونَ الْأَائِمَّةُ: عَمَّالُهُ وَحَتَّىٰ يَبْعَثَهُ اللَّهُ عِلَانِيَةً فَتَكُونَ عِبَادَتُهُ عِلَانِيَةً فِي الْأَرْضِ كَمَا عَبَدَ اللَّهُ سِرًّا فِي الْأَرْضِ.

ثُمَّ قَالَ: إِي وَ اللَّهِ! وَ أضعافَ ذلِكَ، ثُمَّ عَقَدَ بِيَدِهِ أضعافاً يعطى الله نبيّه صلى الله عليه وآله مُلْكاً جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مُنْذُ يَوْمِ خَلَقَ اللهُ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ يَفْنِيهَا حَتَّى يَنْجِزَ لَهُ مَوْعُودَهُ فِي كِتَابِهِ كَمَا قَالَ: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (١).

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: حضرت علی علیه السلام دو رجعت دارند.

یکی با امام حسین علیه السلام، که با پرچم خویش بیایند، و از بنی امیه و معاویه و آل معاویه و تمام آنان که شاهد جنگ با آن حضرت بودند، انتقام گیرند، سپس خداوند سی هزار یاور از کوفه، و هفتاد هزار نفر از جاهای دیگر برای ایشان بفرستد، در «صفین» مثل دفعه ی اول جنگ کنند، و به طوری دشمنان را نابود کنند که یک نفر از آنان نماند، تا سرگذشت جنگ را تعریف کند، و خداوند ایشان را برانگیخته و با فرعون و آل فرعون، به شدیدترین عذاب مبتلا خواهد نمود.

و رجعت دوم حضرت، در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله است، که بر می گردند، تا خلیفه ی روی زمین باشند، و ائمه ی دیگر، همه، عمّال و از کار گزاران و فرماندهان او خواهند بود، و خداوند سلطنت روی زمین را به پیامبر صلی الله علیه و آله دهد، چنانکه در قرآن وعده داده: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

ص: ۱۱۱

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۷۴، ح ۷۵؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۳: ص ۵۰۷، ح ۶۲۶۲؛ حليه الأبرار فى أحوال محمّد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۶: ص ۳۶۶؛ مختصر البصائر: ص ۱۲۱، ح ۹۹؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، ص ۲۸۹، ح ۸.

اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)

خدا، جان و مال مردم با ایمان را در مقابل بهشتی که نصیب آنان خواهد کرد، پیش خرید می کند. این مردم با ایمان در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است که خدا در هر سه کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد کرده است. وفادارتر از خدا به عهد خود کیست؟ شما را به داد و ستدی که با وی انجام داده اید، بشارت باد، سعادت و پیروزی بزرگ همین است.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» إِلَى آخِرِ آيِهِ، فَقَالَ: ذَلِكَ فِي الْمِيثَاقِ، ثُمَّ قَرَأَتْ «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ».

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَقْرَأْ هَكَذَا، وَ لَكِنْ اقْرَأْ «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» إِلَى آخِرِ آيَةٍ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَعِنْدَ ذَلِكَ هُمْ الَّذِينَ اشْتَرَى مِنْهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ يَغْنَى فِي الرَّجْعَةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ مَيْتَةٌ وَ قَتْلُهُ، مَنْ مَيَاتَ بُعِثَ حَتَّى يُقْتَلَ، وَ مَنْ قُتِلَ بُعِثَ حَتَّى يَمُوتَ. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: این میثاق و معامله در عالم ذر بوده، سپس آیه ی بعد را خواندم: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»، (یعنی مؤمنان عبارت اند از توبه کنندگان و عبادت کنندگان)

حضرت فرمودند: چنین بخوان: «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» آنگاه فرمودند: هرگاه این توبه کنندگان و عبادت کنندگان را دیدی، بدان همان هایند که خدا جان و مالشان را خریده، یعنی در زمان رجعت، سپس حضرت فرمودند: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه مردنی دارد، و کشته شدنی. هر که بمیرد، زنده شود تا کشته گردد، و هر که کشته شود، زنده گردد تا بمیرد.

ص: ۱۱۳

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۳، ح ۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳؛ ص ۷۱، ح ۷۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲؛ ص ۸۵۷؛ تفسير الصافي، ج ۲؛ ص ۳۸۲؛ تفسير العياشي، ج ۲؛ ص ۱۱۲؛ مختصر البصائر، ص ۹۹، ح ۶۹.

اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی

(بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ)

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

۱\_ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرَّجْعَةِ وَأَشْبَاهِهَا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِي تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ يَجِئْ أَوَانُهُ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (۱).

از زراره نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی رجعت و امثال این امور مهم سؤال کردم، حضرت فرمودند: این را که می پرسید هنوز وقتش نرسیده است، خداوند می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: بلکه آنها آنچه را که با علم خود به

ص: ۱۱۴

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۸، ح ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۰، ح ۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۳۱، ح ۴۸۹۸؛ تفسير الصافي، ج ۲: ص ۴۰۳؛ مختصر البصائر: ص ۱۰۸، ح ۸۰.



آن احاطه نداشتند، دروغ پنداشتند در صورتی که (دروغ نیست) و هنوز (موقع) تأویل آن نرسیده است.

۲\_ فی تفسیر القمی، «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، «أَي لَمْ يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِي الرَّجْعِ، كَذَّبُوا بِهَا أَي أَنَّهَا لَمَّا تَكُونُ، ثُمَّ قَالَ: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ» (۱).

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، بعد از ذکر این آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: چیزی را که علم آنها به آن احاطه ندارد، تکذیب کردند، در صورتی که هنوز تأویل آن برای آنها نیامده است، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، و بدین گونه پیشینیان را نیز تکذیب نمودند، این آیه در باره ی رجعت نازل شده، بی دینان وقوع رجعت را تکذیب می کنند و می گویند: رجعتی نخواهد بود، سپس گفت: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ».

ص: ۱۱۵

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۱، ح ۲۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۳۱، ح ۴۸۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۳۱۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص ۳۰۵، ح ۶۷.

اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت

(وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يظَلْمُونَ)

و اگر هر چه در روی زمین است، متعلق بکسی باشد که بسیار ظلم کرده است و بخواهد همه آن را فدا کند از او پذیرفته نخواهد شد و چون عذاب را مشاهده کنند، پشیمانی خود را نهان میدارند و میان آنها بعدالت حکم می شود و ستمی به آنان نخواهد شد.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ» آل محمّد: حَقَّهُمْ، «ما فی الْأَرْضِ جَمِيعاً لَافْتَدَتْ بِهِ»، فی ذَلِكِ الْوَقْتِ یَعْنِی الرَّجْعَةَ. (۱)

ص: ۱۱۶

۱-۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۸۶؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۱، ح ۲۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۳۴، ح ۴۹۱۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۶: ص ۶۶؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۳۱۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص ۳۰۶، ح ۷۶.

در تفسیر قمی، در باره ی آیه ی: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ»، می فرماید: هر کس ظلمی به آل محمد: نموده باشد، حاضر است تمام آنچه را که در روی زمین است، اگر مالک باشد، همه را بدهد تا از کیفر روز رجعت نجات یابد.

ص: ۱۱۷

اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

(... وَ ذَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ)

... و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکر گزار!

۱\_ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «أَيَّامُ اللَّهِ»، ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ، يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرْهِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (۱)

از مثنای حنط نقل است که گفت: شنیدم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که می فرمودند: روزهای خداوند عز و جل سه روزند، روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام می کنند، و روز رجعت، و روز قیامت.

۲\_ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْكُرْهِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. (۲)

ص: ۱۱۸

- 
- ۱- ۱. اثبات الهداه، ج ۵: ص ۱۸۵، ح ۶۲۳؛ الزام الناصب، ج ۱: ص ۶۸ و ج ۲: ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۷: ص ۶۱ و ج ۵۱: ص ۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۲۸۶، ح ۵۶۷۱؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص ۸۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص ۵۲۶؛ الخصال، ج ۱: ص ۱۰۸، ح ۷۵.
- ۲- ۲. احقاق الحق، ج ۱۳: ص ۳۴۸؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۲۸، ح ۹۷۳۹؛ تأویل الآیات الظاهره: ص ۵۵۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴: ص ۱۱۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۱۵۳.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: روزهایی که مورد امید و آرزو هستند، سه روز هستند: روز قیام حضرت قائم علیه السلام، و روز رجعت، و روز قیامت.

ص: ۱۱۹

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام و شیعان نشان

(رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ)

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند)، چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند!

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَيْرِ طَوِيلٍ ... إِلَى أَنْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، قَالَ: هُوَ أَنَا، إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَشِيعَتِي، وَخَرَجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَشِيعَتُهُ، وَنَقُتِلُ بَنِي أُمَيَّةَ فَعِنْدَهَا «يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» (۱).

از جابر بن یزید نقل است که گفت: در روایتی طولانی حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: وجود مقدس امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه ی: «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم، آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

ص: ۱۲۰

---

۱ - ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۴، ح ۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۷۲۱، ذیل ح ۲۹۱۲ و ج ۳: ص ۳۳۱؛ مختصر البصائر: ص ۸۹، ذیل ح ۵۵؛ مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، ج ۳: ص ۹۸، ح ۷۵۸.

اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

(إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)

تا روزی که وقت آن نزد ما معلوم و مشخص است.

۱\_ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ» «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ» «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، قَالَ: يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، يَوْمٌ يَذْبُحُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ»، «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فرمودند: «يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، شیطان را بر صخره ای در بیت المقدس ذبح می کنند.

۲\_ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخُثَمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ إِبْلِيسَ، «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ»، (۲) فَأَبَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

ص: ۱۲۱

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۱۱: ص ۱۵۴ و ج ۶۰: ص ۲۴۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۳۶۵؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۱۱۳؛

تفسير القمي، ج ۲: ص ۲۴۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۱۲۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۴۷۲.

«فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، ظَهَرَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ، فِي جَمِيعِ أَشْيَاعِهِ، مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَ هِيَ آخِرُ كَرِّهِ، يَكْرَهُهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقُلْتُ: وَ إِنَّهَا لَكَرَّاتٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهَا لَكَرَّاتٌ وَ كَرَّاتٌ، مَا مِنْ إِمَامٍ فِي قَرْنٍ إِلَّا وَ يَكْرَهُ مَعَهُ الْبُرُّ وَ الْفَاجِرُ فِي دَهْرِهِ، حَتَّى يَدِيلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ.

فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، كَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَصْحَابِهِ، وَ جَاءَ إِبْلِيسُ فِي أَصْحَابِهِ، وَ يَكُونُ مِيقَاتُهُمْ فِي أَرْضٍ مِنْ أَرْضِي الْفَرَاتِ، يُقَالُ لَهَا: الرَّوْحَاءُ قَرِيبٌ مِنْ كُوفَتِكُمْ، فَيَقْتُلُونَ قِتَالًا لَمْ يَقْتُلْ مِثْلَهُ، مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى أَصْحَابِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ رَجَعُوا إِلَى خَلْفِهِمُ الْقَهْقَرَى مِائَةَ قَدَمٍ، وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَ قَدْ وَقَعَتْ بَعْضُ أَرْجُلِهِمْ فِي الْفَرَاتِ.

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْبِطُ الْجَبَّارُ عَزَّ وَجَلَّ: «فِي ظُلُلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ»، (١) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَامَهُ بِيَدِهِ حَزْبُهُ مِنْ نُورٍ، فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ، رَجَعَ الْقَهْقَرَى نَاكِصًا عَلَى عَقْبِيهِ، فَيَقُولُونَ لَهُ أَصْحَابُهُ: أَيْنَ تُرِيدُ وَ قَدْ ظَفِرْتَ؟

فَيَقُولُ: «إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ»، (٢) «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»، (٣) فَيَلْحَقُهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَطْعُنُهُ طَعْنَةً بَيْنَ كَتِفَيْهِ، فَيَكُونُ هَلَاكُهُ وَ هَلَاكُ جَمِيعِ أَشْيَاعِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَعْبُدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا يَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

وَ يَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعًا وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يَلِدَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ وَلَدٍ مِنْ صُلْبِهِ ذَكَرًا، فِي كُلِّ سَنَةٍ ذَكَرًا، وَ عِنْدَ ذَلِكَ تَظْهَرُ

ص: ١٢٢

١- ١ / ٢١٠ / ٢

٢- ٢ / ٤٨ / ٨

٣- ٣ / ١٦ / ٥٩



از عبد الکریم بن عمرو خثعمی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: همانا ابلیس به خداوند عرض کرد: مرا تا روز قیامت مهلت ده، خدای سبحان خواسته ی او را نپذیرفت و فرمود: تا روز وقت معلوم مهلت داری، زمانیکه روز وقت معلوم فرا رسد، ابلیس که لعنت خدا بر او باد، با تمام هوا دارانش، از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیر المؤمنین علیه السلام انجام می دهند، به آن حضرت عرض کردم: مگر رجعت، چند بار صورت

حضرت فرمودند: آری، رجعت چندین و چند بار است، هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی، نیست، مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسانهای تبهکار زمان خودش، با او رجعت می کنند، تا اینکه خداوند به وسیله ی مؤمن، از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد، امیر المؤمنین علیه السلام با یاران خودشان رجعت دارند، و ابلیس و هوا دارانش نیز می آیند، و میعادگاه آنان در زمینی از زمینهای فرات است که به آن (روحاء) می گویند، و آن نزدیک کوفه ی شما است، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می کنند، که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده، بی سابقه بوده است.

گویی به یاران امیر المؤمنین علیه السلام می نگرم، که صد گام به عقب بر می گردند، (عقب نشینی می کنند) و گویی می بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلی خدای جبار عزّ وجلّ، «به وسیله ی قطعه ی به هم پیوسته ای از ابر و فرشتگان، فرود می آید، و وعده

ص: ۱۲۳

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۲، ح ۱۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۴۴۸، ح ۱۰۹۸ و ج ۳: ص ۳۶۵، ح ۵۸۶۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۵، ح ۹۱؛ مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۳: ص ۱۰۱، ح ۷۶۴؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۲۹۰، ح ۹.

عملی می شود».

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله سلاحی از نور در دست دارند، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می نگرد، به عقب بر می گردد، و عقب می نشیند. یارانش به او می گویند: کجا می خواهی بروی، تو پیروز شده ای؟

پس ابلیس می گوید: «چیزی را که من می بینم شما نمی بینید»، «من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم»، در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله با او در گیر می شوند و حربه ای به میان کتف او فرود می آورند، که هلاکت ابلیس و کلیه ی هواداران او را در پی خواهد داشت، در این زمان خدای عزوجل (به حق) عبادت می شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی شود، و امیرالمؤمنین علیه السلام مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می کنند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی علیه السلام هزار فرزند پسر به وجود آید، که در هر سال یک پسر، و در این زمان دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن، آنگونه که خداوند بخواهد، پدیدار می گردد.

توضیح: یکی از شاگردان معروف حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ابو جعفر محمد بن علی بن نعمان، معروف به (مؤمن طاق) است. او مردی سخنور و حاضر جواب و شیرین زبان، و از متکلمین شیعه به شمار می آید، و به همین جهت، بزرگان و دانشمندان اهل تسنن، از وی حساب می بردند.

بعضی گفته اند: علمت اینکه او را، مؤمن طاق، می گفتند، این است که، وی در کوفه دگانی در محل معروف به (طاق المحامل) داشته، و در آن زمان سکه های تقلبی شیوع یافته، که تشخیص آن، از پول اصلی برای مردم مشکل بود، و تنها مؤمن طاق بود که به خوبی سکه های تقلبی را تشخیص می داده است، از این جهت اهل تسنن او را (شیطان طاق) می گفتند!

ص: ۱۲۴

ابو جعفر مؤمن طاق با ابو حنیفه که بزرگترین دانشمند اهل تسنن و فقیه نامی آنها بود، داستانهای شیرین و حکایات لطیفی دارد، که همه حاکی از ظرافت طبع و سرعت انتقال و لطافت بیان او است، که عنوان مثال توجه شما را به یکی از آن گفتگوها جلب می نمایم:

قال أبو حنیفه لمؤمن الطاق: قد مات إمامك، جعفر بن محمد علیهما السلام، فقال أبو جعفر: و لكن إمامك من المنتظرین إلی یوم الوقت المعلوم.

وقتی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به شهادت رسیدند، ابو حنیفه، به مؤمن طاق گفت: ای ابو جعفر! امام تو فوت شد! مؤمن طاق در جواب گفت: آری، امام من وفات یافتند، ولی امام تو (شیطان) زنده است، تا روزی که خداوند برای او معین کرده است!

مرحوم شیخ بهائی قدس سره، در کتاب کشکولش نوشته است که مهدی خلیفه ی عباسی از سخن مؤمن طاق خندید و امر کرد که ده هزار درهم به او بدهند! (۱)

ص: ۱۲۵

---

۱- ۱. برگرفته از کتاب مهدی موعود (ترجمه ی جلد ۵۱ بحار الأنوار)، ص ۱۲۲۴.

اسم آیه: کفر منکران رجعت

(إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ)

معبود شما خداوند یگانه است اما کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دل‌هایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند.

۱- عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قَوْلِهِ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ، قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ، يَعْنِي أَنَّهَا كَافِرَةٌ... (۱)

از ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام درباره ی فرمایش خداوند متعال: «آنان که به آخرت ایمان نیاورند دل‌هایشان به انکار خو گرفته، و متکبرند»، شنیدم، که می فرمودند: یعنی آنان که به رجعت ایمان ندارند، دل‌هایشان به انکار خو گرفته و کافرند.

۲- فِي تَفْسِيرِ الْعِيَاشِيِّ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَمْوَاتٌ

ص: ۱۲۶

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهمجه بالبرهان على الرجعه، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۶: ص ۱۰۴، ح ۴۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۴۱۱، ح ۵۹۹۷؛ تفسير القمي، ج ۱: ص ۳۸۳؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۱۹۵؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۴۷، ح ۵۳.

غَيْرِ أَحْيَاءٍ»، يَعْنِي كُفَّارًا غَيْرَ مُؤْمِنِينَ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يَبْعَثُونَ»، فَإِنَّهُ يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَ أَنَّهُمْ يَشْرِكُونَ، «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»، فَإِنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»، فَإِنَّهُ يَعْنِي لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ. (١)

عیاشی در تفسیر این آیه: «آنها که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان به انکار خو گرفته»، از جابر نقل می‌کند که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: یعنی آنها که به حقیقت رجعت ایمان ندارند.

ص: ۱۲۷

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۸، ح ۱۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۱۸، ح ۱۴۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۲: ص ۲۵۶، ح ۱۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص ۴۷، ح ۵۳.

شماره: ۲۵

کد آیه: ۱۶ / ۳۴

اسم آیه: عذاب در رجعت

(فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ)

و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد.

روی علی بن ابراهیم، فی قوله تعالى: «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»، قال: ان المراد العذاب، فی الرجعه. (۱)

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر این آیه: «و عذابی که مسخره اش می کردند دامنگیرشان شد»، روایت می کند که: مراد از عذابی که مسخره می کردند، عذاب در رجعت است.

ص: ۱۲۸

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۹۱، ح ۴۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۴۱۹، ح ۶۰۱۶؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۳۸۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۰۶.

اسم آیه: کافرانِ اَمّتِ حضرتِ مُحَمَّدَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

(وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (لِيَبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست ، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

تا آنچه در آن اختلاف داشتند بر آنان آشکار گردد و کافران از سخنان دروغ آمیز و افکار نادرست خود کاملاً آگاه شوند.

۱\_ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا».

قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ

الْمُشْرِكِينَ يَزْعُمُونَ وَيَخْلِفُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ اللَّهُ لَمَّا يَبْعَثُ الْمُوتَى، فَقَالَ: تَبَيَّأَ لِمَنْ قَالَ هَذَا، سَلِمَهُمْ هَلْ كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَخْلِفُونَ بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَوْجِدْنِيهِ.

فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! لَوْ قَدَّمَ قَائِمًا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا قَبَائِحَ سَيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شَيْعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا، فَيَقُولُونَ: بَعَثَ فَلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ فَهُمْ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ عِدُونَا، فَيَقُولُونَ: يَا مَعْشَرَ الشُّعْبَةِ! مَا أَكْذَبَكُمْ، هَذِهِ دَوْلَتُكُمْ فَأَنْتُمْ تَقُولُونَ فِيهِ الْكُذْبَ، لَأَ، وَاللَّهِ! مَا عَاشَ هَؤُلَاءِ وَلَا يَعِيشُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَحَكَى اللَّهُ قَوْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتٍ» (١).

از ابو بصير نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: «به خدا قسم خوردند، قسمهای مؤکد که خدا آنان را که می میرند زنده نمی کند، آری، وعده ای است بر او ثابت، اما بیشتر مردم نمی دانند».

حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! مردم در باره ی این آیه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: مشرکان می گفتند خدا مردگان را زنده نمی کند و برای اثبات این مدعا نزد پیامبر خداصلی الله علیه و آله قسم می خوردند.

حضرت فرمودند: مرگ بر آنها که آیه را چنین تفسیر می کنند، از اینان پرس: مشرکان به خدا قسم می خوردند، یا به «لات و عزی»؟ عرض کردم: پس مرا از این حقیقت آگاه فرماید.

ص: ۱۳۰

---

۱- ۱. اثبات الهداه، ج ۵: ص ۶۲؛ الزام الناصب، ج ۱: ص ۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۹۲، ح ۱۰۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۴۲۰، ح ۶۰۲۰؛ تأویل الآیات الظاهره: ص ۲۵۸؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص ۱۳۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۰۹؛ الکافی، ج ۸: ص ۵۱.



حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! هنگام قیام قائم ما خداوند جمعی از شیعیان ما را در حالی که قبضه ی شمشیرشان را بر دوش نهاده اند محشور فرماید، از طرفی، وقتی این خبر به شیعیان ما، که در آن وقت زنده اند، می رسد، به یکدیگر بشارت می دهند که: فلان و فلان و فلان، از قبرهایشان محشور شدند، و در رکاب حضرت قائم اند، از طرف دیگر، تا این خبر به عده ای از دشمنان ما می رسد، می گویند: ای گروه شیعه! شما چه قدر دروغ می گوئید؟! این دوران دولت شما است، که در آن دروغ می گوئید؟ نه، به خدا! اینها زنده نشده اند، و تا قیامت هم زنده نشوند، و این حکایت فرمایش خداوند متعال است که می فرماید: «به خدا! قسم خوردند قسمهای مؤکد که هر کس بمیرد خدا زنده اش نمی کند».

۲\_ عَنْ سِيرِينَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا قِيَامَةَ وَلَا بَعْثَ وَلَا نُشُورَ، فَقَالَ: كَذَبُوا، وَاللَّهِ! إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَكَرَّ مَعَهُ الْمُكْرُونَ، فَقَالَ أَهْلُ خِلَافِكُمْ قَدْ ظَهَرَتْ دَوْلَتُكُمْ، يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! وَهَذَا مِنْ كَذِبِكُمْ تَقُولُونَ رَجَعَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ، لَا وَاللَّهِ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ قَالُوا: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» كَانَتْ الْمُشْرِكُونَ أَشَدَّ تَعْظِيمًا لِلَّاتِ وَالْعُزَّى مِنْ أَنْ يَقْسَمُوا بِغَيْرِهَا، فَقَالَ اللَّهُ: «بَلَى وَعِيدًا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لَيَبِينَنَّ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنََّّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (۱)

ص: ۱۳۱

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۷۱، ح ۶۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۴۲۱، ح ۶۰۲۴؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۱۳۶؛ تفسير العياشي، ج ۲: ص ۲۵۹، ح ۲۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۰۸.

از سیرین نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم، حضرت فرمودند: مردم درباره ی این آیه چه می گویند: «وَ أَقْسِمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ گفتم: می گویند مربوط به انکار قیامت و حشر و نشر است، حضرت فرمودند: به خدا قسم! دروغ می گویند، مربوط به رجعت است، وقتی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند و عده ای برگردند و زنده شوند، سنیان گویند: دولت شما شیعیان ظاهر شد، و این هم از دروغ شما است که می گوئید فلان و فلان زنده شدند، و قسم می خورند که هر کس بمیرد خدا زنده اش نمی کند، مگر نمی بینی که می فرماید: «وَ أَقْسِمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» مشرکین منکر قیامت به «لات و عزی» قسم می خورند، و برای آنها بیش از خدا احترام قائل اند، خداوند هم در ردّ همان مخالفین شما می فرماید: «بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لَيَبِينَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَ لَيَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَال: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْكُفَّارِ، قَالَ: إِنَّ الْكُفَّارَ كَانُوا لَا يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ، وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قِيلَ لَهُمْ تُرْجَعُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَبِيلَ الْقِيَامَةِ، فَخَلَفُوا إِنَّهُمْ لَا يَرْجَعُونَ، فَوَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: «لَيَبِينَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَ لَيَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، يَعْنِي فِي الرَّجْعَةِ يَرْدُّهُمْ فَيَقْتُلُهُمْ وَ يَشْفِي صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ فِيهِمْ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: مردم درباره ی این آیه چه

ص: ۱۳۲

۱- ۱. إزرام الناصب، ج ۲: ص ۲۸۷؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۳، ح ۳۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۴۲۰، ح ۶۰۲۱؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۱۳۵؛ تفسير القمي، ج ۱: ص ۳۸۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص ۲۰۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۵۴، ح ۸۴.

می گویند؟ عرض شد: می گویند که این آیه درباره ی کفار نازل شده، حضرت فرمودند: هیچ وقت کفار به خدا، قسم نمی خورند، این آیه درباره ی جمعی از امت محمدصلی الله علیه و آله نازل شده، که چون به آنها گویند:

بعد از مرگ، پیش از قیامت به دنیا برمی گردید، قسم می خورند که بر نمی گردیم، خدا در مقام ردّ گفتار آنان می فرماید: (چرا برمی گردند) «تا آنچه در آن اختلاف دارند بر ایشان بیان کند، و آنها که کافر شدند بدانند دروغ گو بوده اند»، یعنی در زمان رجعت، آنان را برمی گرداند، و می کشد، تا دلهای مؤمنان را شفا دهد.

ص: ۱۳۳

اسم آیه: رجعت جناب سلمان

(فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا)

و چون وعده مجازات فساد اولی فرا رسید، بندگانی سرسخت و خشن را بر شما مسلط ساختیم که خانه بخانه دنبال شما می گشتند و وعده خدا انجام گرفت.

عَنْ سَيِّلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيْبًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ، فَقَالَ: يَا سَيِّلْمَانُ! هَلْ عَلِمْتَ مَنْ نَقَبَائِي وَ مَنْ الْإِثْنَى عَشَرَ الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ: يَا سَيِّلْمَانُ! خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صِفْوِهِ نُورِهِ، وَ دَعَانِي فَأَطَعْتُهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِي عَلِيًّا، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ، وَ دَعَاهَا فَأَطَاعَتْهُ، وَ خَلَقَ مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ: الْحَسَنَ، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ: الْحُسَيْنَ، فَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، ثُمَّ سَمَّانَا بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ، فَاللَّهُ الْمُحْمَدُ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ، وَ اللَّهُ الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ، وَ اللَّهُ الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ، وَ اللَّهُ

ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَذَا الْحَسَنُ، وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحَسِينُ، ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا وَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ: تَسْبِعَةَ أَثْمَةٍ، فَدَعَاهُمْ فَأَطَاعُوهُ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ سَمَاءً مَبْنِيَةً، وَ أَرْضاً مَدْحِيَةً، وَ لَا مَلَكاً وَ لَا بَشِراً، وَ كُنَّا نُوراً نُسَبِّحُ اللَّهَ، وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِيعُ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، فَمَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ؟

فَقَالَ: يَا سَلْمَانُ! مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ، وَ اقْتَدَى بِهِمْ، وَ وَالَى وَلِيَّهُمْ، وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَهُوَ وَ اللَّهُ! مِنَّا، يَرُدُّ حَيْثُ نَرُدُّ، وَ يَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ هَلْ يَكُونُ إِيمَانُ بِهِمْ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ؟

فَقَالَ: لَا، يَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِي بِهِمْ وَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ؟

قَالَ: ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لِسَانُ اللَّهِ الصَّادِقُ، ثُمَّ ابْنُهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ غَيْظُهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضِيِّ لِأَمْرِ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتِ الْأَمِينِ لِسِرِّ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِي الْمَهْدِي النَّاطِقِ الْقَائِمِ بِحَقِّ اللَّهِ.

ثُمَّ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّكَ مُدْرِكُهُ، وَ مَنْ كَانَ مِثْلَكَ، وَ مَنْ تَوَلَّاهُ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيراً، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنِّي مُوجَلُّ إِلَى عَهْدِهِ؟

قَالَ: يَا سَلْمَانَ! اقْرَأ: «فَإِذَا جَاءَ وَعِيدُ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بُكَائِي وَشَوْقِي، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أِبْعَهْدٍ مِنْكَ؟

فَقَالَ: إِي، وَاللَّهِ! الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ، مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ التَّسْبِيعَةَ، وَ كُلُّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَ مَعَنَا، وَ مُضَامٌ فِينَا، إِي، وَاللَّهِ! يَا سَلْمَانَ، وَ لِيُخْضِرَنَّ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ، وَ كُلُّ مَنْ مَحَضَّ الْإِيمَانَ مَحَضًّا وَ مَحَضَّ الْكُفْرَ مَحَضًّا، حَتَّىٰ يُوْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ، «وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»، (١) وَ يَحَقِّقُ تَأْوِيلَ هَذِهِ آيَةِ: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَ نُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (٢)

قَالَ سَلْمَانُ: فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَا يَبَالِي سَلْمَانَ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ، أَوْ الْمَوْتُ لَقِيَهُ. (٣)

از سلمان فارسی نقل است که گفت: محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد، چون نظرشان به من افتاد، فرمودند: ای سلمان! خداوند متعال، هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده، جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار

ص: ۱۳۶

۱- ۱ / ۴۹ / ۱۸.

۲- ۲ / ۵۶ / ۲۸.

۳- ۳. إززام الناصب، ج ۲: ص ۲۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵: ص ۶، ح ۹ و ج ۵۳: ص ۱۴۲، ح ۱۶۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۵۰۳، ح ۶۲۴۹ و ج ۴: ص ۲۵۲، ح ۸۰۹۶؛ دلائل الإمامه، ص ۴۴۸، ح ۴۲۴؛ مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۶؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۱۲۸، ح ۲۶.

داده، عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته ام، نقبای شما کیانند؟

حضرت فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از برگزیده نور خود آفرید، پس مرا خواند و من اطاعتش کردم، و علی را از نور من آفرید، پس او را خواند و او اطاعتش کرد، و از نور من و علی، فاطمه را آفرید، سپس او را خواند و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه حسن را آفرید و خواندش و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه و حسن، حسین را آفرید و او را خواند و او اطاعت کرد، و ما را به پنج نام از نامهای خودش نام نهاد.

خداوند محمود است و من محمد، خدا عالی است و این علی، خدا فاطر است و این فاطمه، خدا احسان است و این حسن، خدا محسن است و این حسین، پس از آن خداوند از ما و از صلب حسین نه امام آفرید و آنان را خواند آنها اطاعت کردند، و این پیش از آن بود که خداوند آسمان افراشته و زمین پهناور یا هوا یا ملک یا آب یا بشری را بیافریند، و ما به علم او نوری بودیم که وی را تسبیح می نمودیم، و دستورات و فرامین او را می شنیدیم و اطاعت می کردیم.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! چه ثواب و اجری است برای کسی که ایشان را بشناسد؟

حضرت فرمودند: ای سلمان! هر که ایشان را بشناسد و به حقیقت معرفت به آنان پیدا کند، و از ایشان پیروی کند، و دوست بدارد هر که آنان را دوست دارد، و دشمن بدارد دشمنان آنها را، او به خدا سوگند از ما است، وارد شود هر کجا که ما وارد شویم، و منزل کند هر جا که ما منزل کنیم.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا بدون شناختن نامهای ایشان ایمان به آنها کافی است؟ حضرت فرمودند: نه، ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا! من تا حسین بیش نشناسم بقیه را از چه راهی بشناسم؟

حضرت فرمودند: پس از حسین، آقای عبادت کنندگان، فرزندش علی

بن الحسین، سپس محمّد بن علی باقر، (شکافنده ی) علم اولین و آخرین از پیامبران و مرسلین، و پس از او جعفر بن محمّد صادق، زبان گویای خدا، سپس موسی بن جعفر کاظم، فرو نشاننده ی غیظ و غضب خود به بردباری در راه خدای عزّ و جلّ، سپس علی بن موسی الرضا، راضی به امر پروردگار، سپس محمّد بن علی، برگزیده از خلق خدا، و پس از او علی بن محمّد، راهنمای به سوی خدا، سپس حسن بن علی، صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، پس از او محمّد بن الحسن مهدی، هادی و ناطق و قائم به امر خدای عزّ و جلّ.

سلمان گوید: گریان شدم و عرض کردم: سلمان کجاست که او را درک کند؟

حضرت به من فرمودند: تو و امثال تو از کسانی هستید، که به حقیقت شناخت و معرفت، آنها را دوست دارید و او را درک کنید.

سلمان گوید: خدای را بسیار سپاسگزاری کردم، سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من به زمان او می رسم؟

فرمودند: ای سلمان! بخوان این آیه را: «پس گاهی که آید وعده ی نخستین آنها، برانگیزیم بر شما بندگان از ما، دارندگان نیرویی سخت، پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده ی شدنی»، «پس باز گردانیم برای شما تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را به مالها و پسرانی و گردانیم شما را فزونتر در گروه».

پس گریه ی شوقم شدید شد و عرض کردم: ای رسول خدا! در حضور شما است؟ فرمودند: آری، به خدایی که محمّد را فرستاده! با حضور من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام، و هر مؤمنی که در باره ی ما به او ستم شده است، می باشد، آری، به خدا سوگند! ای سلمان! سپس شیطان و لشکریانش، و همچنین هر مؤمن خالص، و هر کافر خالصی، بیایند تا



قصاص و انتقام ظلم ها و خونها گرفته شود، و خداوند احدی را ستم نکند، و مائیم تأویل این آیه شریفه:

«و اراده کنیم که منت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان ارث برندگان و فرمانروایشان دهیم در زمین»، «و بنمایانیم فرعون و هامان و سپاهیان ایشان را از آنچه می ترسیدند»، سلمان گویند: از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

«و اراده کنیم که منت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان ارث برندگان و فرمانروایشان دهیم در زمین»، «و بنمایانیم فرعون و هامان و سپاهیان ایشان را از آنچه می ترسیدند»، سلمان گویند: از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

ص: ۱۳۹

اسم آیه: رجعت امام حسینعلیه السلام

(ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)

سپس شما را بر آنها چیره می کنیم و شما را به وسیله داراییها و فرزندانى کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.

۱ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فِي قَوْلِهِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، خُرُوجِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، يُخْرَجُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَضْحَائِهِ، عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ، الْمُدَّهَبَةُ لِكُلِّ بَيْضِهِ وَجَهَانِ، الْمُؤَدُّونَ إِلَى النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ خَرَجَ حَتَّى لَا يَشُكَّ الْمُؤْمِنُونَ فِيهِ، وَ أَنَّهَ لَيْسَ بِدَجَالٍ وَ لَا شَيْطَانٍ، وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِيَاءَ الْحُجَّةِ الْمَيُوتِ، فَيَكُونُ الَّذِي يَغْسَلُهُ وَ يَكْفِنُهُ وَ يَحْنِطُهُ وَ يَلْحِدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ لَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ. (۱)

ص: ۱۴۰

۱-۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۰۹، ح ۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۹۳، ح ۱۰۳؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۳: ص ۵۰۳، ح ۶۲۴۸؛ تفسير الصافى، ج ۳: ص ۱۷۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۱۳۸، ح ۷۷؛ حليه الأبرار فى أحوال محمد و آله الأطهار: ، ج ۶: ص ۳۶۲، ح ۵؛ الكافى، ج ۸: ص ۲۰۶، ح ۲۵۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۴، ح ۱۳۸.

از عبد الله بن قاسم بطل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ... و مقصود از آیه ی شریفه: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، رجعت امام حسین علیه السلام است، همراه با هفتاد تن از یاران وفادار خود، که کلاه خودهای زرین بر سر دارند، که از هر دو رو طلاست، آنها به مردم خبر می دهند که این شخص، امام حسین علیه السلام است، که رجعت نموده و بیرون آمده، تا هیچ مؤمنی در باره ی آن حضرت شک و تردید نکند، و بدون تردید، او دجال و شیطان نیست، و هنوز حجت بن الحسن علیه السلام میان مردم است، و چون در دل مؤمنان استوار شود که او امام حسین علیه السلام است، اجل امام دوازدهم، که حجت خدا است، فرا می رسد، و همان امام حسین علیه السلام خواهد بود، که او را غسل می دهد و کفن و خنوط می کند، و به خاکش می سپارد، و عهده دار تجهیز جنازه ی وصی نشود، مگر وصی و امام.

۲- عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامِ وَ أَصِيحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَ أَصِيحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ بِذَوِ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (۱).

از رفاعه بن موسی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اول کسی که به دنیا برمی گردد، حضرت حسین بن علی علیهما السلام و اصحاب او هستند، و یزید و یارانش نیز بر می گردند، آنگاه بدون ذره ای کم و زیاد از آنان انتقام می گیرد، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «ثُمَّ

ص: ۱۴۱

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۴، ح ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۶، ح ۷۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۶۲۵۶؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۱۷۹؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۳؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۳۶۲؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۱۴۰، ح ۸۳؛ حليه الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱۸.

رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

۳\_ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، وَ زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْنَاهُ يَقُولُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُفُّ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ يَمُكُّ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، حَتَّى يَشْقَطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ. (۱)

از معلى بن خنيس و زید شحام نقل است که گفتند: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اول کسی که در رجعت برمی گردد، حضرت امام حسین علیه السلام است، و چهل سال در دنیا بماند، تا ابروهایش روی چشمانش را بگیرد.

ص: ۱۴۲

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۵۸، ح ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۴، ح ۵۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۵۰۶، ح ۶۲۵۷؛ حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار: ، ج ۶: ص ۳۶۷، ح ۱۳؛ مختصر البصائر: ص ۹۱، ح ۵۸.

اسم آیه: رجعت کوردلان

(وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا)

اما کسی که در این جهان نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، و یا حضرت امام محمد باقر علیه السلام درباره ی فرمایش خداوند عز و جل: «کسی که در این جهان از دیدن چهره حق نابیناست، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است»، فرمودند: این مربوط به رجعت است.

ص: ۱۴۳

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۴، ح ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۷، ح ۶۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۵۶۰، ح ۶۴۸۴؛ تفسير العياشي، ج ۲: ص ۳۰۶، ح ۱۳۱؛ مختصر البصائر: ص ۹۶، ح ۶۵.

اسم آیه: رجعت اصحاب كهف

(ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنُعَلِّمَ أَيَّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا)

پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام يك از آن دو گروه، مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد. (و پی به قدرت خدا می برند)

۱- رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدُلُونَ، وَ سَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يُوَسِّعُ بْنُ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمِقْدَادَ وَ مَالِكًا الْأَشْتَرَّ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا. (۱)

از مفضل بن عمر نقل است كه گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: از پشت شهر كوفه بيست و هفت نفر، همراه با حضرت قائم عليه السلام

---

۱- ۱. الإرشاد في معرفه حجج الله على العباد، ج ۲: ص ۳۸۶؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۵۰، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۹۰، ح ۹۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۶۲۰، ح ۶۶۳۵؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۲۳۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۲۵۲، ح ۴۰؛ كشف الغمه في معرفه الأئمه، ج ۲: ص ۴۶۶.

بیرون می آیند، پانزده نفر از آنان، از قوم حضرت موسی علیه السلام می باشند که «به حق هدایت کنند و به آن دادگری نمایند»، و هفت نفر از آنان، اصحاب کهف هستند، و بقیه: یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابو دجانة انصاری، مقداد، مالک اشتر، می باشند، (که جمعاً بیست و هفت نفر می شوند) پس اینها یاران و حکمرانان او هستند.

۲\_ قَالَ الْمُنْفِيْدُ فِيْ اِرْشَادِهِ: ... وَ لَمَّا اَصْبَحَ ابْنُ زِيَادٍ، لَعَنَهُ اللهُ، بَعَثَ بِرَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدِيرَ بِهِ فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ كُلِّهَا وَ قَبَائِلِهَا، فَرَوَى عَنْ زَيْدِ بْنِ اَرْقَمٍ اَنْهُ قَالَ: مَرَّ بِهِ عَلِيٌّ، وَ هُوَ عَلَى رُمْحٍ، وَ اَنَا فِي غُرْفَةٍ لِي، فَلَمَّا حَادَانِي، سَمِعْتُهُ يَقْرَأُ: «أَمْ حَسِبْتَ اَنْ اَصْحَابَ الْكُهْفِ وَ الرَّقِيْمِ كَانُوْا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، فَقَفَّ وَ اللهُ! شَعْرِي وَ نَادَيْتُ رَأْسَكَ: وَ اللهُ! يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللهِ! وَ اَمْرُكَ اَعْجَبٌ وَ اَعْجَبٌ. (۱)

مرحوم علامه شیخ مفید قدس سره در کتاب ارشادش می فرماید: ... صبح روز بعد ابن زیاد (لعنت خدا بر او باد) دستور داد که سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را، در همه ی کوچه های کوفه و میان قبائل بگردانند.

نقل است که زید بن ارقم گفت: سر حسین بن علی علیهما السلام را، از نزدیک منزل من عبور دادند، در حالی که بالای نیزه قرار داشت، و من در آن وقت در میان غرفه ای نشسته بودم، هنگامی که سر مبارک آن حضرت، به من نزدیک شد، شنیدم که این آیه ی مبارکه را قرائت می فرمودند:

«أَمْ حَسِبْتَ اَنْ اَصْحَابَ الْكُهْفِ وَ الرَّقِيْمِ كَانُوْا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، به

ص: ۱۴۵

۱- ۱. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲: ص ۱۱۷؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱: ص ۴۷۳؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۱۴، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵: ص ۱۲۱؛ كشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲: ص ۶۷؛ مدینه معجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۴: ص ۱۳۵، ح ۱۱۳۶.

خداوند قسم! از شنیدن این صدا موهای بدنم راست شد، و گفتم: سر مبارک شما، با این وضع، از داستان اصحاب کهف هم شگفت تر و عجیب تر است.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی قدس سره می فرماید: این از رجعت هم عجیب و غریب تر است، زیرا برگشتن روح در همه ی بدن، بسیار اتفاق افتاده، امّا برگشتن روح به سر و زنده شدن سر، به تنهایی، بی سابقه است، پس هیچگاه اصل اعتقاد به رجعت را نباید بعید شمرد.

ص: ۱۴۶



اسم آیه: ذوالقرنین این امت

(و يسئلونك عن ذي القرنين قل سأتلوا عليكم منه ذكراً)

و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او برای شما خواهم خواند.

۱- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ مَلِكًا عَادِلًا، فَأَحَبَّهُ اللَّهُ وَ نَاصِحًا لِلَّهِ فَصَيَّرَهُ اللَّهُ، أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ بِالسَّيْفِ، فَغَابَ عَنْهُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِمْ فَدَعَاَهُمْ إِلَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ الْآخَرَ بِالسَّيْفِ، فَذَلِكَ قَرْنَاهُ، وَ فِيكُمْ مِثْلُهُ، يَعْنِي نَفْسَهُ، لِأَنَّهُ ضَرَبَ عَلَى رَأْسِهِ ضَرْبَتَيْنِ، أَحَدَهُمَا يَوْمَ الْخُنْدَقِ، وَ الثَّانِي ضَرْبَهُ ابْنِ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ. (۱)

حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: همانا ذوالقرنین پادشاهی عادل، و بنده ی صالحی بود، خدا را دوست می داشت، و خداوند نیز او را دوست می داشت، برای خدا مردم را موعظه نمود، خدا هم برایش خیر

ص: ۱۴۷

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۳۵، ح ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹: ص ۴۳، ح ۱۴؛ مناقب آل أبي طالب: (لابن شهر آشوب)، ج ۳: ص ۸۷.

خواست، قوم خود را به پرهیزگاری دعوت نمود، شمشیری به یک طرف پیشانیش زدند، که در اثر همین ضربه از دنیا رفت، و پس از مدتی زنده شد، و کار هدایت مردم را از سرگرفت، ضربت دیگری به طرف دیگر پیشانیش زدند، و این بود دو شاخ او (که ذو القرنین، یعنی صاحب دو شاخش گفتند) در بین شما هم، نظیر او هست، (مقصود خود حضرت علی علیه السلام هستند، که دو مرتبه به سر مبارکشان شمشیر خورده است، یکی در عزوه ی احزاب، که عمرو بن عبدود با شمشیرش به سر آن حضرت زد، و یکی دیگر در محراب عبادت، که ابن ملجم مرادی لعنت الله علیه، به سر آن حضرت شمشیر زد).

۲\_ عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا، جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَآمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ، فَغَابَ عَنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ ثُمَّ ظَهَرَ، وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ، أَلَا وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكَّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَآتَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، وَبَلَغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي، وَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَمَّا يَبْقَى سَهْلٌ وَلَمَّا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَ لَمَّا جَبَلٌ وَطَيْئَةٌ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلًا وَطَيْئَةٌ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا، وَيُنْصِرُهُ بِالرُّعْبِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا. (۱)

ص: ۱۴۸

۱- ۱. إثبات الهداه، ج ۵: ص ۹۶، ح ۱۸۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲: ص ۲۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص ۱۹۵، ح ۱۹ و ج ۵۲: ص ۳۲۳، ح ۳۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۶۶۲، ح ۶۷۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۲۰۴؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲: ص ۵۲۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ص ۳۹۴، ح ۴.

از جابر بن عبد الله انصاری نقل است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: ذو القرنین یکی از بندگان صالح بود، که خداوند او را برای بندگانش حجت قرار داده بود، وی قوم خود را به سوی خداوند دعوت کرد و آن ها را به تقوی و فضیلت خواند، ولی آنان حرف او را قبول نکردند و او را زدند، او هم مدتی از انظار آنها ناپدید شد، و مردم می گفتند: او مرده و هلاک شده است.

پس از مدتی، بار دیگر ظاهر شد، و به میان قومش مراجعت کرد، باز هم مردم او را مضروب نموده و از خود راندند.

آگاه باشید! که در میان شما هم کسی هست که مانند او خواهد بود، پروردگار به ذو القرنین قدرت فوق العاده ای داد، و سلطنت او تا شرق و غرب عالم پیش رفت، و خداوند همین سنت را در قائم، که از فرزندان من است، جاری خواهد نمود، و سلطنت او را هم به شرق و غرب عالم خواهد رسانید، و هر جا که مورد تصرف ذو القرنین بوده، به تصرف او هم خواهد رسید، پروردگار گنج های زمین را برای وی ظاهر می کند و معادن را برای او کشف می سازد، و با القاء رعب و وحشت در دل های کفار، او را یاری می نماید، خداوند به وسیله ی او زمین را پس از ظلم و جور پر از عدل و داد می سازد.

توضیح: با توجه به روایاتی که می فرمایند: «هرچه در اتمهای گذشته بوده، در این امت هم هست»، و با توجه به حکایت ذو القرنین و امثال آن، می توان بر اثبات رجعت، استدلال نمود.

## شماره: ۳۲: اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیهما السّلام

شماره: ۳۲

کد آیه: ۱۹ / ۵۴

اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیهما السّلام

(وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیْلَ اِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا)

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود!

عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیْلَ اِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا»، أَمْ کَانَ اِسْمَاعِیْلَ بْنَ اِبْرَاهِیْمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ اَنَّهُ اِسْمَاعِیْلُ بْنُ اِبْرَاهِیْمَ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اِسْمَاعِیْلَ مَاتَ قَبْلَ اِبْرَاهِیْمَ وَ إِنَّ اِبْرَاهِیْمَ کَانَ حُجَّةً لِلَّهِ كُلَّهَا قَائِمًا صَاحِبَ شَرِیْعَةٍ، فَإِلَى مَنْ أُرْسِلَ اِسْمَاعِیْلُ إِذَنْ؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ کَانَ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَاكَ اِسْمَاعِیْلُ بْنُ حَزْقِیْلِ النَّبِیِّ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ فَكَذَّبُوهُ فَفَتَلَوْهُ وَ سَلَّحُوا وَجْهَهُ، فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَیْهِمْ فَوَجَّهَهُ إِلَیْهِ أَشْطَاطَیْلِ مَلَكٍ

ص: ۱۵۰

الْعَذَابِ فَقَالَ لَهُ: يَا إِسْمَاعِيلُ! أَنَا أَسْطَاطَائِلُ مَلِكِ الْعَذَابِ وَجَّهَنِي إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأَعَذَّبَ قَوْمَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتَ.

فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فَمَا حَاجَتُكَ يَا إِسْمَاعِيلُ؟! فَقَالَ: يَا رَبُّ! إِنَّكَ أَخَذْتَ الْمِيثَاقَ لِنَفْسِكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمَحْمَدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِأَوْصِيَاءِهِ بِالْوَلَايَةِ وَ أَخْبَرْتَ خَيْرَ خَلْقِكَ بِمَا تَفَعَّلُ أُمَّتَهُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهَا، وَ إِنَّكَ وَعَدْتَهُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ تُكْرِهُهُ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ، فَحَاجَتِي إِلَيْكَ يَا رَبُّ! أَنْ تُكْرِنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أَتَّقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي، كَمَا تَكُرُّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوْعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ حَزْقِيلَ ذَلِكَ فَهُوَ يَكُرُّ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ. (١)

از برید بن معاویه العجلی نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مرا از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: «وَ اذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»، خبر دهید، آیا مقصود، اسماعیل بن ابراهیم علیهما السلام است، همان طور که مردم این گونه می پندارند، که او اسماعیل بن ابراهیم علیهما السلام می باشد؟

حضرت تعلیه السلام فرمودند: اسماعیل علیہ السلام، قبل از حضرت ابراهیم علیہ السلام از دنیا رفت، و جناب ابراهیم علیہ السلام حجت قائم حق تعالی، و صاحب شریعت بود، و با این حال، اسماعیل علیہ السلام با چنین موقعیتی، به جانب چه کسانی می توانست مبعوث شده باشد؟! راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: پس اسماعیل در آیه ی مذکور چه کسی است؟

ص: ۱۵۱

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۲۸، ح ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۳: ص ۳۹۰، ح ۶ و ج ۴۴: ص ۲۳۷، ح ۲۸ و ج ۵۳: ص ۱۰۵، ح ۱۳۲؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۷۲۰، ح ۶۹۰۱؛ كامل الزيارات، ص ۶۵، ح ۳؛ مختصر البصائر: ص ۴۳۱، ح ۵۰۹.

حضرت فرمودند: او، اسماعیل پسر حزقیل پیامبر می باشد، که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود، و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند، و سپس پوست صورتش را کردند، پس خداوند به ایشان غضب نمود، و اسطائیل را، که فرشته ی عذاب است، بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطائیل فرشته ی عذاب هستم، پروردگار متعال مرا نزد تو فرستاده، تا قوم تو را به انواع عذاب ها، عذاب نمایم، و در صورتی که بخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری ها مبتلا سازم. اسماعیل علیه السلام به او فرمود: به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل! حاجت تو چیست؟ عرض کرد: پروردگارا! از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را ربّ و پروردگار دانسته، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پیامبر و اوصیاء کرامش را ولی، بدانند، و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امتش با حسین بن علی علیهما السلام بعد از پیامبرشان چه خواهند نمود، و به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا رجعت می کند، تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد.

پس حاجت من به تو، ای پروردگارم! آن است که مرا نیز (در زمان رجعت) به دنیا برگردانی، تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم، همان طور که حسین علیه السلام را به دنیا باز می گردانی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل، وعده داد، که او را با حضرت حسین بن علی علیهما السلام به دنیا برگرداند.

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می کنیم!

عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، قَالَ: هِيَ وَاللَّهُ النَّصَابُ، قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَدْ رَأَيْنَاهُمْ دَهْرُهُمْ الْأَطْوَلَ فِي كِفَايَةِ حَتَّى مَاتُوا، قَالَ: ذَلِكَ وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ يَأْكُلُونَ الْعَذْرَةَ. (۱)

از معاویه بن عمار نقل است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: معنی زندگی تنگ در آیه ی: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ»

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۸۸؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۵، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۱، ح ۲۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳: ص ۷۸۵، ح ۶۵؛ تفسير الصافي، ج ۳: ص ۳۲۵؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۶۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص ۳۶۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۴۰۵، ح ۱۶۸؛ مختصر البصائر: ص ۹۱، ح ۵۹.

مَعِيشَهُ ضَنْكًا»، هر کس از ذکر ما روی بگرداند، گذران تنگی برای او خواهد بود چیست؟

حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه در باره ی نواصب (و دشمنان ما) است.

عرض کردم: قربانت گردم! ما که آنها را همواره در ناز و نعمت دیده و می بینیم و بدین گونه هم می میرند. حضرت فرمودند: به خدا قسم! این، در هنگام رجعت خواهد بود، که در آن زمان آنها نجاست می خورند.

توضیح: رُوی أَنْ یَوْمًا، قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ لِمُؤْمِنٍ الطَّاقِ: إِنَّكُمْ تَقُولُونَ بِالرَّجْعَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي الْآنَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، حَتَّى أُعْطِيكَ أَلْفَ دِينَارٍ، إِذَا رَجَعْنَا، قَالَ الطَّاقِيُّ لِأَبِي حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي كَفِيلًا، بِأَنَّكَ تَرْجِعُ إِنْسَانًا، وَ لَا تَرْجِعُ خِنْزِيرًا. (۱)

نجاشی در کتاب رجال خود می نویسد: مؤمن طاق، را با ابو حنیفه حکایات بسیار است، از جمله اینکه روزی ابو حنیفه از مؤمن طاق پرسید: ای ابو جعفر! آیا عقیده ی به رجعت داری؟ گفت: آری، ابو حنیفه از روی تمسخر گفت: پس، از این کیسه ی خود، هزار درهم به من قرض بده، تا وقتی من و تو در رجعت دوباره به دنیا برگشتیم، من به تو هزار دینار پردازم!

مؤمن طاق به سرعت در جواب گفت: تو یک ضامن بیاور تا برایت ضمانت کند که تو به صورت آدم به دنیا برمی گردی، تا من این مبلغ را به تو بدهم، چون من می ترسم که تو به شکل بوزینه برگردی، و من نتوانم طلب خود را وصول نمایم!

ص: ۱۵۴

---

۱-۱. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص ۳۸۱؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۷: ص ۳۹۹؛ مختصر البصائر، ص ۴۷۸، ح ۵۲۷.



**شماره: ۳۴: اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت**

شماره: ۳۴

کد آیه: ۲۱ / ۳۵

اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ)

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید و شما را (تا زنده هستید) با شر و خیر مورد آزمایش قرار می دهیم و همه ی شما به سوی ما بازگشت می کنید.

لطفاً به روایات ذیل آیه ی ۱۴۴ / ۳ و آیه ی ۱۸۵ / ۳ مراجعه فرمائید.

ص: ۱۵۵

اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان

(وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَوْمِهِ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت!

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ قَوْمٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلَهَا بِالْعَذَابِ لَمَّا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ، وَ أَمَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحْضُوا الْإِيمَانَ مَحْضًا، وَ غَيْرُهُمْ مِمَّنْ لَمْ يَهْلِكُوا بِالْعَذَابِ وَ مَحْضُوا الْكُفْرَ مَحْضًا يَرْجِعُونَ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر شهری که خداوند اهلش را به عذاب هلاک کرده است، در رجعت برنمی گردند، اما در قیامت برمی گردند، و در رجعت مؤمن خالص، و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده اند، برمی گردند.

نکته: اگر خوب دقت کنید، متوجه خواهید شد که این آیه ی شریفه،

ص: ۱۵۶

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۸۸؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۴۷ و ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۲ و ص ۶۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱: ص ۹۱ و ج ۳: ص ۸۴۰، ذیل ح ۷۱۹۹؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص ۲۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص ۴۷۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص ۴۵۸، ح ۱۶۷؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۰، ذیل ح ۱۱۵.

یکی از بزرگترین دلایل، اثبات رجعت است، چون هیچ مسلمانی منکر آن نیست که در قیامت همه ی مردم زنده می شوند، چه هلاک شده باشند چه نشده باشند، پس اینکه می فرماید: «آنهايي که هلاک شده اند برنمی گردند»، یعنی آنها در رجعت برنمی گردند، ولی هلاک شدگان حتماً در قیامت برمی گردند تا وارد دوزخ شوند.

ص: ۱۵۷

اسم آیه: به ارث بردن زمین در رجعت

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

۱- عَنْ أَبِي الْوَرْدِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ (۱).

از ابو الورد نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی آیه ی: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، فرمودند: عباد صالح در این آیه، آل محمد هستند.

۲- مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، وَكَانَتْ عِنْدَنَا مِنْهُ نُسخَةٌ قَدِيمَةٌ، قَالَ: أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كِتَابِهِ، مَا يَصِيبُ أَهْلَ بَيْتِهِ بَعْدَهُ مِنَ الْقَتْلِ وَالْغَضَبِ وَالْبَلَاءِ، ثُمَّ يَرُدُّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا، وَيَقْتُلُونَ

ص: ۱۵۸

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۲۴: ص ۳۵۸، ح ۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص ۸۴۷، ح ۷۲۱۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۲۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص ۴۸۳.

أَعِيدَ لَهُمْ، وَ يَمْلِكُهُمُ الْأَرْضُ، وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، وَ قَوْلُهُ: «وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (١) آيَةَ (٢).

مرحوم علامه مجلسی قدس سره از کتاب «علل الشرائع»، تألیف: محمّد بن علی بن ابراهیم بن هاشم (قمی)، (فرزند صاحب تفسیر قمی) که نسخه ی قدیمی آن نزد ایشان موجود بوده است، می نویسد: خداوند در قرآن به پیامبرش خبر داد که اهل بیتش بعد از وی مبتلای به کشته شدن، و غضب حقّشان، و گرفتاریهایی می شوند، و آنگاه خداوند آنها را به دنیا برمی گرداند، و آنها دشمنان خود را به مجازات اعمال و کردارشان می رسانند، و سپس خداوند زمین را در اختیار آنها قرار می دهد، و آن این آیه ی شریفه است: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و این آیه است: «وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ».

ص: ۱۵۹

۱- ۱. ۲۴ / ۵۵.

۲- ۲. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۷۷؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۹۰، ح ۱۷۵، بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۱۷، ح ۱۴۳.

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیهِ السَّلام

(حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ)

تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان به کلی مأیوس گردند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ: «حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، هُوَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا رَجَعَ فِي الرَّجْعِ (۱).

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خداوند متعال: «حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، فرمودند: او علی بن ابیطالب علیهما السَّلام است، هنگامی که در زمان رجعت، برمی گردد.

ص: ۱۶۰

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۴، ح ۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۷۲۱، ذیل ح ۲۰۱۲ و ج ۴: ص ۳۲، ح ۷۵۱۴؛ مختصر البصائر: ص ۸۸، ذیل ح ۵۵.

اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت

(إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)

ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار (ایمان به) آن فرود آرند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، قَالَ: تَخَضُّعٌ لَهَا رِقَابُ بَنِي أُمِيَّةَ، قَالَ: ذَلِكَ بَارِزٌ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: وَذَلِكَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَبْزُرُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ سَاعَةً حَتَّى يَبْزُرَ وَجْهَهُ، وَيَعْرِفُ النَّاسُ حَسَبَهُ وَنَسَبَهُ، ثُمَّ قَالَ: أَمَّا إِنْ بَنِي أُمِيَّةَ لِيَخْتَبِينَ الرَّجُلَ مِنْهُمْ إِلَى جَنْبِ شَجَرَةٍ فَتَقُولُ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمِيَّةَ فَاقْتُلُوهُ. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی آیه ی شریفه ی: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا

ص: ۱۶۱

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۰۹، ذیل ح ۱۳۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۱۶۸، ح ۷۸۸۰؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار: ، ج ۶: ص ۲۹۴، ح ۹؛ ؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص ۴۵۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۸۲، ح ۵۳۳.

خاضة مین»، پرسیدم، حضرت فرمودند: گردنهای بنی امیه برای آن خاضع می شود، سپس فرمودند: آن نشانه، آشکار شونده ی در خورشید است، که او علی بن ابیطالب علیه السلام است که به هنگام نیمروز آشکار می گردد و بالای سر مردم بر خورشید سوار می شود چنان که چهره اش نمایان گشته، و مردم خاندان و تبار وی را می شناسند.

سپس فرمودند: در آنروز بنی امیه آنقدر خوار می شوند که اگر یکی از آنها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که: اینجا یک نفر اموی است، او را بکشید.

ص: ۱۶۲



(وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ)

و هنگامی که وعده ی عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده ای از زمین بیرون آید که با آنان تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی گروند.

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبِيدٍ اللَّهَعْلِيِّ السَّلَامِ قَالَ: انْتَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ قَدْ جَمَعَ رَمَلًا، وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَيْهِ فَحَزَّكَ بِرِجْلِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: قُمْ يَا دَابَّةَ الْأَرْضِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ أَصْحَابِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيْسَرٌ لِّي بَعْضُنَا بَعْضًا بِهَذَا الْإِسْمِ؟ فَقَالَ: لِمَا وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةٌ، وَهُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ، أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ، وَ مَعَكَ مِيسَمٌ تَسْمُ بِهِ أَعْدَاءُكَ. (۱)

ص: ۱۶۳

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۲، ح ۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۹: ص ۲۴۳، ح ۳۱ و ج ۵۳: ص ۵۲، ح ۳۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴: ص ۲۲۸، ح ۸۰۴۳؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ۴۰۱؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۱۳۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۹۸، ح ۱۰۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۲، ح ۱۱۸.

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد خوابیده بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند پاهایش را حرکت دادند و فرمودند: ای جنبنده ی زمین! برخیز، مردی گفت: یا رسول الله! آیا ما هم می توانیم، یکدیگر را به این نام، بخوانیم؟

حضرت فرمودند: نه، به خدا قسم! این لقب اختصاصی او است، او همان جنبنده ای است که خداوند می فرماید: «هنگامی که عذاب حتمی شود «جنبنده ای» از زمین بیرون آوریم که با آنان سخن گوید»، سپس فرمودند: ای علی! در آخر الزمان، خداوند تو را به بهترین صورتی بیرون آورد، در حالی که به وسیله ی آهنی که در دست داری، دشمنانت را داغ و نشان خواهی زد.

۲\_ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَجُلٌ لِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: يَا أَبَا الْيَقْظَانَ! آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَفْسَدَتْ قَلْبِي وَشَكَّكْتَنِي، قَالَ عَمَّارٌ: وَ أَى آيَةٍ هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ: «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ»، الْآيَةُ فَأَيُّ دَابَّةٍ هِيَ؟

قَالَ عَمَّارٌ: وَ اللَّهُ! مَا أَجْلِسُ وَ لَا أَكُلُ وَ لَا أَشْرَبُ، حَتَّى أُرِيكَهَا، فَجَاءَ عَمَّارٌ مَعَ الرَّجُلِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَأْكُلُ تَمْرًا وَ زَيْدًا، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا الْيَقْظَانَ! هَلَمْ، فَجَلَسَ عَمَّارٌ وَ أَقْبَلَ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْهُ، فَلَمَّا قَامَ عَمَّارٌ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! يَا أَبَا الْيَقْظَانَ! حَلَفْتَ أَنَّكَ لَا تَأْكُلُ وَ لَا تَشْرَبُ وَ لَا تَجْلِسُ حَتَّى تُرِيَنِيهَا، قَالَ عَمَّارٌ: قَدْ أَرَيْتُكَهَا إِنْ كُنْتَ تَعْقِلُ. (۱)

ص: ۱۶۴

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۳۶، ح ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹: ص ۲۴۲، ح ۳۰ و ج ۵۳، ص ۵۳؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۴: ص ۲۲۸، ح ۸۰۴۵؛ تفسير الصافى، ج ۴: ص ۷۴؛ تفسير القمى، ج ۲: ص ۱۳۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص ۵۹۱؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۳، ح ۱۱۹.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که مردی به عمار یاسر گفت: یک آیه در قرآن دل مرا ناراحت کرده؟ عمار پرسید: کدام آیه؟ گفت: این آیه: «هنگامی که عذاب بر آنان محقق شود جنبنده ای از زمین برایشان بیرون می آوریم، که با آنان سخن گوید»، عمار گفت: به خدا قسم! ننشینم، و چیزی نخورم و نوشم، تا اینکه آن جنبنده را به تو نشان دهم، و سپس با هم خدمت حضرت علی علیه السلام آمدند.

حضرت علی علیه السلام خرما و کره می خوردند، تا عمار را دیدند، فرمودند: ای عمار! جلو بیا، عمار نشست و مشغول خوردن شد، آن مرد تعجب کرد، وقتی که برخاست گفت: سبحان الله! ای عمار! تو قسم خوردی که چیزی نخوری و نوشی و به زمین ننشینی، تا آن جنبنده را به من نشان دهی؟! عمار گفت: اگر خوب فکر کنی، می فهمی که به تو نشان دادم.

اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک

(وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ)

آن روز از هر امتی جمعی را که منکر آیات ما بودند، محشور می سازیم و آنها باز داشته می شوند.

۱\_ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ، قَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، أَيْ يَحْشُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ، إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (۱) (۲)

از حمّاد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: مردم در معنای این آیه مبارکه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند این آیه درباره ی قیامت است، حضرت فرمودند: این گونه نیست! به راستی این آیه درباره ی رجعت است، آیا خداوند در روز قیامت گروهی از هر امت را

ص: ۱۶۶

۱- ۱ / ۴۷ / ۱۸.

۲- ۲. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱: ص ۹۰ و ج ۴: ص ۲۲۸؛ تفسير القمي، ج ۱: ص ۲۴؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۰.

محشور می کند، و بقیه را رها می نماید؟ آیه ای که به قیامت مربوط است این است که می فرماید: «و همه ی آنان (انسانها) را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد»!

۲- عَنْ الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، قَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ، إِلَّا يَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا وَ مَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا. (۱)

از مفصل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، فرمودند: هر کدام از مؤمنین که کشته شده باشد، در زمان رجعت برمی گردد، تا به مرگ عادی و طبیعی بمیرد، و رجعت مختص مؤمن محض، یا کافر محض است.

۳- عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ يَعْنِي أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْكُرُ أَهْلُ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا». (۲)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: آیا اهل عراق، رجعت را انکار می کنند؟ عرض کردم: آری، حضرت فرمودند: سبحان الله! مگر قرآن نمی خوانند که می فرماید: «روزی که از هر امتی دسته ای را محشور می کنیم».

ص: ۱۶۷

- 
- ۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۸، ح ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۳، ذیل ح ۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۲۲۸، ح ۸۰۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص ۷۶؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۱۳۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص ۵۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص ۱۰۰، ح ۱۱۳؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۳، ح ۱۱۹.
- ۲- ۲. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۸، ح ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۰، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۲۳۱، ح ۸۰۵۶؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۰، ح ۸۳.

اسم آیه: شناخت ائمه: در رجعت

(وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ)

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست!

فی تفسیر القمی: «سیریکم آیاتہ فتعرفونها»، قال: أمير المؤمنين و الأئمة:، إذا رجعوا يعرفهم أعيدواهم إذا رأوهم، و الدليل على أن الآيات هم الأئمة، قول أمير المؤمنين عليه السلام: و الله! ما لله آية أعظم مني، فإذا رجعوا إلى الدنيا يعرفهم أعيدواهم إذا رأوهم في الدنيا. (۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم در باره ی این آیه: «سیریکم آیاتہ فتعرفونها»، یعنی: خداوند آیات (و علامات) خود را به شما می نماید تا شما آن را بشناسید، می فرماید: هنگامی که امیر المؤمنین و ائمه ی طاهرین:

ص: ۱۶۸

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۳، ح ۳۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۲۳۶، ح ۸۰۷۹؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۱۳۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص ۶۰۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص ۱۰۶، ح ۱۳۸؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۴، ح ۱۲۰.

به دنیا رجعت نمودند، دشمنانی که آنها را می بینند آنان را می شناسند، و دلیل بر اینکه، این آیات، ائمه: می باشند، فرمایش  
امیر المؤمنین علیهِ السَّلام است که فرمودند: به خدا قسم! برای خداوند، نشانه ای بزرگتر از من نیست، پس وقتی که آن ذوات  
مقدسّه ی ائمه: به دنیا برگشتند، دشمنان آنها، آنان را می شناسند.

ص: ۱۶۹

اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش

(و تَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ)

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم!

روی عن الباقر عليه السلام و الصادق عليه السلام: أن «فرعون و هامان»، هُنا هُما شخصان من جبابره قریش، يحييهما الله تعالى عند قيام القائم من آل محمد، في آخر الزمان، فينتقم منهما بما أسلفه. (۱)

حضرت امام محمد باقر عليه السلام و حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره ی آیه ی: «فرعون و هامان»، فرمودند: مقصود از «فرعون و هامان»، در این آیه، دو مرد جبار و ظالم از قریش هستند، که خداوند آن دو را، هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام، در آخر الزمان، زنده می گرداند، سپس به خاطر ظلمها و جنایاتشان، از آن دو انتقام می گیرد.

ص: ۱۷۰

---

۱ - ۱. إلزام الناصب، ج ۱: ص ۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۲۵۴، ح ۸۱۰۰؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار:، ج ۶: ص ۲۸۰، ح ۶.



اسم آیه: تحقق وعده ی الهی در رجعت

(أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ)

آیا کسی که ما برای او وعده نیک دادیم و البته به آن خواهد رسید، همانند کسی است که او را از متاع زندگی دنیا برخوردار کنیم؟ و روز قیامت از حاضران در عذاب گردد؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَاقِيهِ»، قَالَ: الْمَوْعُودُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَدَهُ اللَّهُ أَنْ يُنْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فِي الدُّنْيَا، وَوَعَدَهُ الْجَنَّةَ لَهُ وَ لِأَوْلِيَائِهِ فِي الْآخِرَةِ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خدا ی عز و جل: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَاقِيهِ»، فرمودند: آن موعودی که این وعده به وی داده شده، علی بن ابی طالب علیه السلام است، که خداوند به او وعده داده است که در رجعت از دشمنانش انتقام بگیرد، و در آخرت نیز به وی و دوستانش وعده ی بهشت داده است.

ص: ۱۷۱

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۹۵، ح ۱۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴: ص ۱۶۳، ح ۲ و ج ۵۳: ص ۷۶، ح ۷۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۲۸۰؛ تأویل الآيات الظاهره: ص ۴۱۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص ۸۸.

اسم آیه: رجعت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآئِمَّة:

(إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ...)

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت بازمی گرداند!...

۱- عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام، فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، قَالَ: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام، درباره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، فرمودند: مقصود زمانی است که پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله رجعت می کنند.

۲- عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، قَالَ: يَرْجِعُ فِيهِ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام وَ الْأَئِمَّةُ. (۲)

ص: ۱۷۲

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۶، ح ۳۳؛ تأویل الآيات الظاهرة: ص ۴۱۶؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۶، ح ۱۲۲.

۲- ۲. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۴۳، ح ۷۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴: ص ۲۹۱، ح ۸۱۹۴؛ تفسير الصافي، ج ۴: ص ۱۰۷؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۱۴۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص ۱۰۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۱۴۴، ح ۱۲۶.

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام سجاده علیه السلام، درباره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، فرمودند: اشاره به زمانی است که پیامبر تانصّلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام وَائِمَّه: در آن برمی گردند.

۲\_ عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيْزٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: سُرِّئِلَ عَنْ جَابِرٍ؟ فَقَالَ: رَحِمَ اللهُ جَابِرًا! بَلَغَ مِنْ فَهْمِهِ أَنَّهُ كَانَ يَعْرِفُ تَأْوِيلَ هَذِهِ آيَةِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، يَعْنِي الرَّجْعَةَ. (۱)

از حرّیز نقل است که گفت: از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام، درباره ی جابر سؤال شد؟ حضرت فرمودند: خداوند جابر را رحمت فرماید! علمش به جایی رسیده بود، که تأویل این آیه را می دانست: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، یعنی می دانست که این آیه مربوط به رجعت است.

ص: ۱۷۳

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۴۳، ح ۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲: ص ۹۹، ح ۵۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴: ص ۲۹۱، ح ۸۱۹۳؛ تأويل الآيات الظاهرة: ص ۴۱۶؛ تفسير الصافي، ج ۴: ص ۱۰۷؛ تفسير القمي، ج ۱: ص ۲۵ و ج ۲: ص ۱۴۷؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۱۴۴، ح ۱۲۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۱ و ص ۱۵۵.

اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک

(وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید باز گردند!

۱- عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ فِي خَيْرِ طَوِيلٍ وَ سُؤَالَاتٍ مُتَعَدِّدَةٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ الْمَفْضَلُ: يَا مَوْلَايَ! إِنَّ مِنْ شَيْعَتِكُمْ مَنْ لَا يَقُولُ بِرَجْعَتِكُمْ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا سَمِعُوا قَوْلَ حَدِيثِنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ نَحْنُ سَائِرُ الْأَيْمَةِ نَقُولُ: «وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَذَابُ الْأَذْنَىٰ عَذَابُ الرَّجْعَةِ، وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ عَذَابُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (۱)... (۲)

در خبری طولانی از مفضل بن عمر نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤالاتی نموده ... تا آنجا که مفضل گفت:

ص: ۱۷۴

۱- ۱۴ / ۴۸ . ۱

۲- ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۲۴؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۲۴؛ حليه الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص ۳۹۷.

عرض کرد: آقای من! بعضی از شیعیان شما عقیده به رجعت شما ندارند، حضرت فرمودند: آیا آنها سخن جدّ ما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و گفته ی ما ائمه را نشنیده اند که می گوئیم: «وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی: به جای عذاب بزرگتر، عذاب نزدیکتر به آنها می چشانیم تا شاید برگردند.

ای مفضل! عذاب نزدیکتر، رجعت آل محمد علیهم السلام، و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است که خدا می فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»

یعنی: قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند...، یعنی: قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند ...

۲\_ فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ: الْعَذَابُ الْأَذْنَىٰ عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ، وَ مَعْنَى قَوْلِهِ: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» أَيْ يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ حَتَّى يَعْدُبُوا. (۱)

در تفسیر قمی در باره ی فرمایش خداوند متعال: «وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، می فرماید: عذاب نزدیک، عذاب رجعت با شمشیر است، و منظور از «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی در رجعت بر می گردند، تا عذاب شوند.

ص: ۱۷۵

---

۱ - ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۶، ح ۳۴؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص ۱۵۸؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۱۷۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص ۳۰۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص ۲۳۱، ح ۴۴.

(أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ)

مگر نمی بینند که ما آب را در زمین خشک جاری می سازیم و با آن کشت را به ثمر می رسانیم، تا از محصول آن چهار پایان آنها و هم خودشان تغذیه کنند؟ آیا باز هم نمی بینند؟

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ»، قال: الأرض الخراب، وَهُوَ مَثَلٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الرَّجْعَةِ وَالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِخَبَرِ الرَّجْعَةِ قَالُوا: «مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (۱) (۲)

در تفسیر قمی در باره ی این آیه: «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ»، روایت می کند که: زمین ویران، مثلی است که خداوند درباره ی رجعت و حضرت قائم علیه السلام، زده است، چون پیامبر صلی الله علیه و آله قضیه ی رجعت را به آنان خبر داد، آنان گفتند: «اگر راست می گوئید این فتح و پیروزی در چه زمانی روی می دهد؟»

ص: ۱۷۷

اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امتهای پیشین

(وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ) (إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ)

برای این مردم حال آن قریه (انطاکیه) را مثل زن که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند.

که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد و نصرت مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده ایم.

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ»، «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ»، فَقَالَ: بَعَثَ اللَّهُ رَجُلَيْنِ إِلَى أَهْلِ مَدِينَةِ أَنْطَاكِيَّةَ، فَجَاءَهُمْ بِمَا لَا يَعْرِفُونَهُ، فَغَلَطُوا عَلَيْهِمَا فَأَخَذُوهُمَا وَ حَبَسُوهُمَا فِي بَيْتِ الْأَصِيْنَامِ، فَبَعَثَ اللَّهُ الثَّلَاثَ فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: أَرْشِدُونِي إِلَى بَابِ الْمَلِكِ.



قَالَ: فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ الْمَلِكِ، قَالَ: أَنَا رَجُلٌ كُنْتُ أَتَعَبُدُ فِي فَلَاهِ مِنَ الْأَرْضِ وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أُعْبَدَ إِلَهُ الْمَلِكِ، فَأُبَلِّغُوا كَلَامَهُ الْمَلِكَ، فَقَالَ: أَدْخُلُوهُ إِلَى بَيْتِ الْأَلْهَةِ، فَأَدْخَلُوهُ فَمَكَثَ سِنَةً مَعَ صَاحِبِيهِ، فَقَالَ لَهُمَا: بِهِذَا نَنْقُلُ قَوْمًا مِنْ دِينٍ إِلَى دِينٍ لَا بِالْخُرْقِ أَوْ فَلَا رَفْقَتُمَا، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: لَا تُقْرَانِ بِمَعْرِفَتِي.

ثُمَّ أُدْخِلَ عَلَى الْمَلِكِ، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: بَلِّغْنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَعْبُدُ إِلَهِي فَلَمْ أزلْ وَأَنْتَ أَخِي فَسَلِّنِي حَاجَتَكَ، قَالَ: مَا لِي حَاجَةٌ أَيُّهَا الْمَلِكُ، وَ لَكِنْ رَجُلَيْنِ رَأَيْتُهُمَا فِي بَيْتِ الْأَلْهَةِ فَمَا حَالُهُمَا؟

قَالَ الْمَلِكُ: هَذَانِ رَجُلَانِ أَتَيَانِي يَضِلَّانِ عَن دِينِي وَ يَدْعَوَانِ إِلَى إِلَهٍ سَمَاوِي.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! فَمَنْظَرُهُ جَمِيلَةٌ، فَإِنْ يَكُنِ الْحَقُّ لَهُمَا اتَّبِعْنَاهُمَا، وَ إِنْ يَكُنِ الْحَقُّ لَنَا دَخَلْنَا مَعَنَا فِي دِينِنَا، فَكَانَ لَهُمَا مَا لَنَا وَ عَلَيْهِمَا مَا عَلَيْنَا.

قَالَ: فَبَعَثَ الْمَلِكُ إِلَيْهِمَا، فَلَمَّا دَخَلَا إِلَيْهِ، قَالَ لَهُمَا صَاحِبُهُمَا: مَا الَّذِي جِئْتُمَانِي بِهِ؟

قَالَا: جِئْنَا نَدْعُو إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَخْلُقُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ وَ يَصَوِّرُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ أَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَ الثَّمَارَ وَ أَنْزَلَ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُمَا: إِلَهُكُمَا هَذَا الَّذِي تَدْعَوَانِ إِلَيْهِ وَ إِلَى عِبَادَتِهِ إِنْ جِئْتُمَا بِأَعْمَى يَقْدِرُ أَنْ يَرُدَّهُ صَاحِبِيًّا؟

قَالَا: إِنْ سَأَلْنَاهُ أَنْ يَفْعَلَ فَعَلَ إِنْ شَاءَ.

قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى لَا يَبْصُرُ قَطُّ، قَالَ: فَأَتَيْتِي بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: ادْعُوا

إِلَيْهِمَا أَنْ يَرُدَّ بَصَرَ هَذَا، فَقَامَا وَصَلِيَا رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا عَيْنَاهُ مَفْتُوحَتَانِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى آخَرَ، فَأُتِيَ بِهِ، قَالَ: فَسَجَدَ سَجْدَةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَإِذَا الْأَعْمَى بَصِيرٌ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! حُجَّه بِحُجَّه، عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ، فَأُتِيَ بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: مِثْلَ ذَلِكَ فَصَلِيَا وَدَعُوا اللَّهَ، فَإِذَا الْمُقْعَدُ قَدْ أُطْلِقَتْ رِجْلَاهُ وَقَامَ يَمْشِي.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ آخَرَ، فَأُتِيَ بِهِ، فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ أَوَّلَ مَرَّةٍ، فَاذْطَلَقَ الْمُقْعَدُ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! قَدْ أَتَيْتُنِي بِحُجَّتَيْنِ وَ أَتَيْتُنِي بِمِثْلِهِمَا، وَ لَكِنَّ بَقِيَ شَيْءٌ وَاحِدٌ، فَإِنْ كَانَ هُمَا فَعَلَاهُ، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا.

ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! بَلَّغْنِي أَنَّهُ كَانَ لِلْمَلِكِ، ابْنٌ وَاحِدٌ وَ مَاتَ، فَإِنْ أَحْيَاهُ إِلَهُهُمَا، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيْضًا مَعَكَ، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: قَدْ بَقِيَتْ هَذِهِ الْخِصْلَةُ الْوَاحِدَةُ، قَدْ مَاتَ ابْنُ الْمَلِكِ فَادْعُوا إِلَيْهِمَا أَنْ يَحْيِيَهُ.

قَالَ: فَخَرَّ سَاجِدِينَ لِلَّهِ وَ أَطَالَ السُّجُودَ، ثُمَّ رَفَعَا رَأْسَيْهِمَا، وَ قَالَا لِلْمَلِكِ: ابْعَثْ إِلَى قَبْرِ ابْنِكَ، تَجِدُهُ قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ فَوَجَدُوهُ قَدْ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَنْقُضُ رَأْسَهُ مِنَ التُّرَابِ، قَالَ: فَأُتِيَ بِهِ إِلَى الْمَلِكِ، فَعَرَفَ أَنَّهُ ابْنُهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا حَالُكَ يَا بُنَيَّ!؟

قَالَ: كُنْتُ مَيِّتًا، فَرَأَيْتُ رَجُلَيْنِ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي السَّاعَةَ سَاجِدِينَ، يَسْأَلَانِي أَنْ يَحْيِيَنِي فَأَحْيَانِي، قَالَ: يَا بُنَيَّ! فَتَعْرِفُهُمَا إِذَا رَأَيْتَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّاسُ جُمْلَةً إِلَى الصَّحْرَاءِ، فَكَانَ يَمُرُّ عَلَيْهِ رَجُلٌ رَجُلًا،

فَيَقُولُ لَهُ أَبُوهُ: اُنْظُرْ، فَيَقُولُ: لَمَّا، لَمَّا، ثُمَّ مَرَّ عَلَيْهِ بِأَحَدِهِمَا بَعِيدٍ جَمْعٍ كَثِيرٍ، فَقَالَ: هَذَا أَحَدُهُمَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ مَرَّ أَيْضًا بِقَوْمٍ كَثِيرِينَ، حَتَّى رَأَى صَاحِبَهُ الْآخَرَ، فَقَالَ: وَ هَذَا الْآخَرُ.

قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ: صَاحِبُ الرَّجُلَيْنِ، أَمَّا أَنَا فَقَدْ آمَنْتُ بِإِلَهِكُمَا، وَ عَلِمْتُ أَنَّ مَا جِئْتُمَا بِهِ هُوَ الْحَقُّ، فَقَالَ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيْضًا آمَنْتُ بِإِلَهِكُمَا، وَ آمَنَ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ كُلُّهُمْ. (۱)

از ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام در پاسخ به سؤال از آیه ی «و برای آنان مثل بزن داستان مردم آن شهری را که رسولان بدان جا آمدند»، «آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ولی آن دو را دروغگو خواندند تا با فرستاده ی سوّمین آنان را تأیید کردیم. پس رسولان گفتند: ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم»، فرمودند: خداوند دو مرد به سوی مردم شهر انطاکیه فرستاد، و آنان برای مردم چیزهایی (سخنانی) آوردند که برایشان ناآشنا و بیگانه بود، لذا بر آن دو خشم گرفتند و آنها را دستگیر و در بتکده زندانی کردند.

خداوند رسول دیگری فرستاد، و او وارد شهر شد و گفت: مرا به کاخ پادشاه راهنمایی کنید، وقتی بر درگاه پادشاه ایستاد، گفت: من مردی هستم که روزگار خود را در بیابانی به عبادت می گذراندم، اما علاقه مند شدم که خدای پادشاه را بپرستم.

سخن او را به گوش پادشاه رساندند، شاه گفت: او را به خانه ی خدایان

ص: ۱۸۱

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۴۰، ح ۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۴: ص ۲۴۰، ح ۲۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۵۷۰، ح ۸۹۱۱؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص ۲۴۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۲۱۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص ۶۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص ۳۷۹، ح ۳۰.

(بتکده) ببرید، آن مرد را به آن جا بردند، او یک سال با دو یار خود در آن جا ماند و به آن دو گفت: با مهارت و هوشیاری است که می توان مردی را از دینی به دین دیگر درآورد، چرا از راه مدارا وارد نشدید! سپس به آنان گفت: چنان وانمود کنید که مرا نمی شناسید.

آنگاه او را به حضور پادشاه بردند، پادشاه به او گفت: شنیده ام که تو خدای مرا می پرستیدی، از این پس تو برادر من هستی، حالا بگو چه می خواهی؟

مرد گفت: پادشاه! من حاجتی ندارم، اما در معبد خدایان دو مرد دیدم. آنها چه کرده اند؟

پادشاه گفت: این دو مرد نزد من آمده اند و می گویند دین من باطل است و مرا به سوی خدایی آسمانی دعوت می کنند.

مرد گفت: پادشاه! مناظره ای نیکو (منطقی) ترتیب دهید، تا اگر حق با آن دو بود ما پیرو آنان شویم، و اگر حق با ما بود آنها به دین و آیین ما درآیند.

پادشاه در پی آن دو نفر فرستاد، چون بر او وارد شدند، دوست آن دو به ایشان گفت: شما برای چه آمده اید؟

گفتند: آمده ایم تا شما را به عبادت و پرستش خداوندی دعوت کنیم که آسمانها و زمین را آفریده و آنچه بخواهد در زهدان ها می آفریند و آن را به دلخواه خود شکل می دهد و درختان و میوه ها را می رویاند و از آسمان باران می فرستد.

او به آن دو نفر گفت: آیا این خدای شما که به او و عبادتش دعوت می کنید، اگر ناینایی را بیاوریم می تواند بینایش گرداند؟

گفتند: اگر از او تقاضا کنیم که این کار را بکند، و او بخواهد، البته چنین می کند.

آن مرد گفت: پادشاه! شخص ناینایی را که هیچگاه ناینایی نداشته است، برایم بیاورید، چنین شخصی را آوردند، به آن دو گفت: از خدایتان بخواهید ناینایی این مرد را به او برگرداند.

آن دو برخاستند و دو رکعت نماز خواندند، ناگهان هر دو چشم آن نابینا باز شد، و به آسمان می نگریست.

آن مرد گفت: پادشاهها! بگو نابینای دیگری بیاورند، دیگری را آوردند، خود آن مرد سجده ای کرد و سپس سر از سجده برداشت، ناگهان آن نابینا، بینا شد.

آن مرد گفت: پادشاهها! این هم حجتی از ما بود در برابر حجت آنان، اکنون تختی برایم بیاورید، برایش آوردند، و او از آن دو تقاضایی کرد، آن دو نماز خواندند و به درگاه خدا دعا کردند، ناگهان دو پایه ی تخت بلند شد و تخت شروع به راه رفتن کرد.

مرد گفت: پادشاهها! تختی دیگر برایم بیاورید، برایش آوردند، آن مرد مانند بار اول سجده ای کرد و تخت به راه افتاد، گفت: ای پادشاه! آنان، دو حجت آوردند و ما نیز به مانند حجت آنان ارائه دادیم.

اینک یک کار دیگر باقی مانده است، اگر اینها آن را انجام دادند من به دین آنها در می آیم، سپس گفت: پادشاهها! شنیده ام که سلطان تنها یک پسر داشته که مرده است، حالا اگر خدای این دو مرد، او را زنده کرد، من به دین آنها گردن می نهم، پادشاه گفت: من نیز با تو به دین آنها در می آیم، آنگاه به آن دو گفت: همین یک کار باقی مانده است، پسر پادشاه مرده و شما از خدایتان بخواهید تا او را زنده گردانند.

آن دو در برابر خدا به خاک سجده افتادند، و سجده ای طولانی به جای آوردند و آنگاه سر برداشتند و به پادشاه گفتند: نزد قبر فرزندان بفرست، خواهی دید که به خواست خداوند، پسر از قبر خویش برخاسته است.

مردم به گورستان رفتند و نگاه می کردند، دیدند که پسر پادشاه از قبرش بیرون آمده است و گرد و خاک سر خود را می تکاند، او را نزد پادشاه آوردند، دید که فرزند خود اوست، پادشاه پرسید: ای فرزندم! حالت چگونه است؟

گفت: من مرده بودم، ناگهان دیدم که دو مرد در پیشگاه پروردگارم به سجده افتاده اند، و از او می خواهند مرا زنده گردانند، و خدا هم مرا زنده کرد.

پادشاه گفت: اگر آن دو نفر را بینی می شناسی؟ گفت: آری.

پادشاه دستور داد همه ی مردم به صحرا روند، مردم یکی یکی از برابر آن پسر عبور می کردند و پدرش به او می گفت: خوب نگاه کن، پسر پادشاه نگاه می کرد و می گفت: این نیست، این نیست، بعد از آنکه شمار زیادی از مقابل او گذشتند، یکی از آن دو نفر را از برابرش عبور دادند، پسر پادشاه با دست خود به او اشاره کرد و گفت: این یکی از آنهاست، بار دیگر عدّه ی زیادی را از مقابلش گذراندند تا آنکه آن دیگری را دید و گفت: این، آن دوّمی است.

در این هنگام، آن پیامبر که یار آن دو رسول بود گفت: اینک من به خدای شما دو تن ایمان آوردم و دانستم که آنچه آورده اید حقّ است.

پادشاه نیز گفت: من هم به خدای شما دو نفر ایمان آوردم و مردم کشور او نیز همگی ایمان آوردند.

ص: ۱۸۴

اسم آیه: صبر تا زمان رجعت

(قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ)

و خواهند گفت: وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاه ابدی خود برانگیخت؟ این همان وعده خدای رحمان است و پیامبران حقیقت را برای ما می گفتند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْوَاسِطِيِّ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِيِّ السَّلَامِ أَشْكُو جَفَاءَ أَهْلِ وَاسِطٍ، وَحَمْلَهُمْ عَلَيَّ، وَكَانَتْ عَصِيَابُهُ مِنَ الْعُتْمَانِيَةِ تُؤْذِينِي، فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ: إِنَّ اللَّهَ حَيَّلَ ذِكْرَهُ أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»، (۱) فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا: «يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ». (۲)

از حسن بن شاذان واسطی نقل است که گفت: به امام هشتم، حضرت

ص: ۱۸۵

۱- ۱ . ۴۸ / ۶۸ .

۲- ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۰؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۹۵، ح ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۸۹ ح ۸۷؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۴: ص ۵۷۹، ح ۸۹۳۴؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص ۸۵؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۳۸۸، ح ۶۲؛ الكافي، ج ۸: ص ۲۴۷، ح ۳۴۶.

امام رضا علیه السلام نامه ای نوشتیم، و از ستم مردم واسط و حملاتی که به من وارد می کردند، به آن حضرت شکایت کردم، و آنها گروهی از طرفداران عثمان بودند، که به من آزار می رساندند. آن حضرت علیه السلام به خط شریف خود به من این گونه نوشتند:

همانا خدای تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته، که در دوره ی حکومت باطل، صبر پیشه کنند، پس در برابر حکم پروردگارت شکیبا باش، و آن گاه که سرور خلائق ظهور کند (و زمان رجعت فرا رسد) آنها خواهند گفت: «یا ویلنا من بعثنا من مَرَقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».

ص: ۱۸۶



اسم آیه: فرزندان حضرت ایوبعلیه السلام در رجعت

(وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولَى الْأَلْبَابِ)

و ما اهل و فرزندانى كه از او مردند، و به مقدار آنها هم علاوه به او عطا كرديم، تا در حق او لطف و رحمتى كنيم و تا صاحبان عقل متذكر شوند.

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، قُلْتُ: «وُلْدُهُ كَيْفَ أُوتِيَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِهِ الَّذِينَ كَانُوا مَاتُوا قَبْلَ ذَلِكَ بِأَجَالِهِمْ مِثْلَ الَّذِينَ هَلَكُوا يَوْمَئِذٍ.» (۱)

از ابوبصير نقل است كه گفت: از حضرت امام جعفر صادقعليه السلام درباره ي فرمايش خداوند عز و جل: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، پرسيدم كه چگونه خداوند، مانند آنها را، به ايوبعليه السلام داد؟ حضرت فرمودند: خداوند، چه آن فرزندان را، كه قبلاً مرده بودند، و چه آنان كه در واقعه ي امتحان مردند، همه را با هم زنده نمود.

ص: ۱۸۷

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه: ص ۱۲۵، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص ۳۴۷، ح ۷؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۳ ص ۸۳۳، ح ۷۱۸۱؛ تفسير الصافى، ج ۳: ص ۳۵۱ و ج ۴: ص ۳۰۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳: ص ۴۴۸، ح ۱۳۲؛ الكافى، ج ۸: ص ۲۵۲، ح ۳۵۴.

۲\_ قال الشيخ الطبرسی قدس سره : قال ابن عباس و ابن مسعود: رد الله سبحانه عليه أهله الذين هلكوا بأعيانهم، و أعطاه مثلهم معهم، و كذلك رد الله عليه أمواله و مواشيه بأعيانها و أعطاه مثلها معها. (۱)

مرحوم طبرسی قدس سره در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه: «وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، روایتی را از ابن عباس و ابن مسعود نقل می کند، که:

خداوند، فرزندان ایوب را که مرده بودند، به وی برگرداند، و مثل آنان هم به وی عطا کرد، و همچنین اموال و چارپایانش را نیز، دو برابر به او برگرداند.

سپس مرحوم طبرسی قدس سره از قول ابن یسار می نویسد: فرزندان حضرت ایوب، هفت پسر، و هفت دختر بودند، که از دنیا رفته بودند، و سپس خداوند آن ها را زنده نمود.

ص: ۱۸۸

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۳۶، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص ۳۴۶، ذیل ح ۶؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷: ص ۹۴؛ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶: ص ۲۳۰.

اسم آیه: حیات دو باره در رجعت

(قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ)

آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

۱\_ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ (۱).

علی بن ابراهیم در باره ی فرمایش خدای متعال: «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، یعنی: خداوندا! ما را دو بار می رانیدی و دو بار زنده کردی، گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در باره ی رجعت است.

۲\_ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَامٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ

ص: ۱۸۹

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۵۸، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴: ص ۷۴۹، ح ۹۳۲۷؛ تفسير الصافي، ج ۴: ص ۳۳۶؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۲۵۶؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص ۳۶۵؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴: ص ۵۱۳، ح ۱۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۷، ح ۱۲۴.

وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَبْ لَنَا مِنْ سَبِيلِكَ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ يَجْرِي فِي الْقِيَامَةِ، «فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». (۱) (۲)

از محمد بن سلام نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی»، فرمودند: این مخصوص عدّه ایست که بعد از مرگ، در رجعت زنده می شوند و در قیامت هم «جریان» دارد. (یعنی درباره ی رجعت نازل شده و با قیامت هم قابل تطبیق است)، «پس رحمت حق از ستمکاران دور باد».

۳- رَوَى الصَّفْوَانِي فِي كِتَابِهِ، بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سُئِلَ الرَّضَاعَلِيهِ السَّلَامُ عَنْ نَفْسَيْهِ: «أَمَتْنَا اثْنَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَيْنِ»، قَالَ: وَ اللَّهُ! مَا هَيْدَهُ إِلَّا يَهُ إِلَّا فِي الْكُرْهِ. (۳)

صفوانی روایت کرده که: از حضرت امام رضا علیه السلام از تفسیر آیه ی: «أَمَتْنَا اثْنَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَيْنِ»، سؤال شد، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه جز در مورد رجعت، نیست.

توضیح: یکی از مواردی که خداوند مرده، زنده می کند، در رجعت است، و دیگری در قیامت، و یکی از مرگ ها، در دنیا است، و دیگری در رجعت می باشد.

ص: ۱۹۰

۱- ۱. ۴۱ / ۲۳.

- ۲- ۲. إِيْزَامُ النَّاصِبِ، ج ۲: ص ۲۹۱؛ الإِيْقَاطُ مِنَ الْهَجْعَةِ بِالْبِرْهَانِ عَلٰى الرَّجْعَةِ، ص ۲۹۸، ح ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۱۶، ح ۱۳۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۷۴۹، ح ۹۳۲۸؛ مختصر البصائر: ص ۴۶۳، ح ۵۱۹.
- ۳- ۳. إِيْزَامُ النَّاصِبِ، ج ۲: ص ۲۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۴۴.

اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه: در رجعت

(إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ)

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم!

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، قَالَ: ذَلِكَ وَ اللَّهُ فِي الرَّجْعِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ كَثِيرَةً لَمْ يَنْصُرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ يَنْصُرُوا، وَ ذَلِكَ فِي الرَّجْعِ. (۱)

از جمیل نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است.

ص: ۱۹۱

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۱۱: ص ۲۷، ح ۱۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۷۶۴، ح ۹۳۷۰؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص ۳۴۵؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۲۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص ۵۲۶، ح ۶۹؛ مختصر البصائر: ص ۹۲، ح ۶۰ و ص ۱۵۷، ح ۱۲۵.

مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران: در دنیا یاری نشدند، بلکه کشته شدند، و ائمه: هم کشته شدند، و کسی آنها را یاری نکرد؟ پس این نصرت و یاری در زمان رجعت است.

۲\_ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، (۱) قَالَ: «الرَّاجِفَةُ»، الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ «الرَّادِفَةُ»، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». (۲)

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید»، فرمودند: «الرَّاجِفَةُ»، حضرت حسین بن علی علیه السلام، و «الرَّادِفَةُ»، امیر المؤمنین علی علیه السلام، هستند، و اولین کسی که گرد و خاک از سرش پاک می کند، حضرت حسین بن علی علیه السلام هستند، که با هفتاد و پنج هزار نفر وارد می شوند.

و این است تفسیر این آیه: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آنها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

ص: ۱۹۲

۱- ۱. ۷۹ / ۶۷.

۲- ۲. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۰۶، ح ۱۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۵۷۵، ح ۱۱۳۶۱؛ تأویل الآيات الظاهرة: ص ۷۳۷؛ تفسیر فرات الکوفی: ص ۵۳۷، ح ۶۸۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۱۱۵؛ مختصر البصائر: ص ۴۹۲، ح ۵۵۴.

اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت

(و يَرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَي آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ)

خداوند آیات خود را برای شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات خدا را انکار توانید کرد؟

فی تفسیر القمی، قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ: «و يَرِيكُمْ آيَاتِهِ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فِي الرَّجْعَةِ فَإِذَا رَأَوْهُمْ، «قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحِدَهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ»، أَيْ جَحَدْنَا بِمَا أَشْرَكْنَاهُمْ، «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ». (۱)

علی بن ابراهیم قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «و يَرِيكُمْ آيَاتِهِ»، می گوید: مقصود این است که خداوند، امیر المؤمنین علیهِ السَّلام و ائمه ی معصومین: را در رجعت به دشمنان آنها نشان می دهد، «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحِدَهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ» یعنی: چون آنها را دیدند خواهند گفت: ایمان آوردیم به خدای یگانه، و کافر شدیم به آنچه قبلاً شرک می ورزیدیم، «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ

ص: ۱۹۳

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۴۴، ح ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۶، ح ۳۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۲۶۱؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۸، ح ۱۲۶.

فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ»، یعنی: وقتی آنها در آن روز، عذاب ما را دیدند، دیگر ایمانشان سودی به حالشان ندارد، این سنت الهی است که همیشه در میان بندگانش جریان داشته و در این مورد کافران زیانکار گردیده اند.

ص: ۱۹۴



اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت

(... وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ )

... و ستمگران را خواهی دید هنگامی که عذاب را با چشم به یقین مشاهده کنند، می گویند: آیا برای ما راه بازگشتی وجود دارد؟

فی تفسیر القمی فی قوله تعالى: «وَ تَرَى الظَّالِمِينَ»، آل محمّد: حَقَّهُمْ «لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ»، وَ عَلَيْهِ السَّلَام، هُوَ الْعَذَابُ فِي هَذَا الْوَجْهِ، «يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ» فَنُوَالِي عَلِيًّا. (۱)

علی بن ابراهیم قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «وَ تَرَى الظَّالِمِينَ»، گفت: و ستمگران در حق آل محمّد: را می بینی، وقتی که علی بن ابی طالب علیه السّلام را، که برای ستمکاران عذاب است، در زمان رجعت، بینند، (چون آن حضرت می خواهند از آنان انتقام بگیرند) می گویند: آیا راهی برای بازگشت هست؟ تا ولایت حضرت علی علیه السّلام را بپذیریم.

ص: ۱۹۵

---

۱ - ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۸، ح ۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۱: ص ۵۸۰، ذیل ح ۱۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۸۳۰، ذیل ح ۹۵۴۲؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص ۳۸۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۲۷۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص ۵۳۵.

اسم آیه: دود آشکار در رجعت

(فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ)

پس در انتظار روزی باش که دودی آشکار از آسمان پدید آید.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «فَارْتَقِبْ»، أى اصْبِرْ «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ»، قَالَ: ذَلِكَ إِذَا خَرَجُوا فِي الرَّجْعَةِ مِنَ الْقَبْرِ تَغَشَى النَّاسَ كُلَّهُمُ الظُّلْمَةُ فَيَقُولُوا «هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»، «رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ».

فَقَالَ اللَّهُ رَدًّا عَلَيْهِمْ: «أَنْتَى لَهُمُ الذُّكْرَى»، فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ «وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ»، أى رَسُولٌ قَدْ بَيَّنَّ لَهُمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ «وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، قَالَ: قَالُوا: ذَلِكَ لَمَّا نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخَذَهُ الْعُشَى.

فَقَالُوا: هُوَ مَجْنُونٌ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّا كاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»، يعنى إِلَى الْقِيَامَةِ وَ لَوْ كَانَ قَوْلُهُ: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ»، فِي الْقِيَامَةِ لَمْ يَقُلْ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بَعْدَ الْآخِرَةِ وَالْقِيَامَةِ حَالَةٌ يَعُودُونَ إِلَيْهَا.

ثُمَّ قَالَ: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى»، يعنى فِي الْقِيَامَةِ «إِنَّا مُنْتَقِمُونَ»، (۱)

ص: ۱۹۶

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۹۴، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۷، ح ۳۹؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج

۵: ص ۱۳، ح ۹۶۹۶؛ تفسير القمی، ج ۲: ص ۲۹۰؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۸، ح ۱۲۷.

در تفسیر قمی ذیل آیه ی: «فَازْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ»، یعنی منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار می آورد، می گوید:

این هنگامی است که مردم در رجعت از قبر بیرون آمده به دنیا باز می گردند، و ظلمت و تاریکی همه ی مردم را فرا می گیرد، به همین دلیل خواهند گفت:

این است عذاب دردناک، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، خدایا! این عذاب را از ما برطرف کن، ما ایمان آوردیم.

خداوند جواب رد به آنها می دهد، و می فرماید: «أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ».

یعنی: چه شده است که در آن روز ایمان می آورند، در حالی که قبلاً پیامبری برای آنها آمده بود تا حقیقت را آشکار نماید، «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ»، سپس از وی روی برتافتند و گفتند: وی چیزهایی را آموخته و دیوانه است.

وقتی وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می شد، آن حضرت از هیبت وحی الهی از هوش می رفتند، آنها می گفتند: پیامبر دیوانه شده است.

سپس علی بن ابراهیم این آیه را ذکر می کند: «إِنَّا كَاثِبُونَ الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» یعنی: اندکی از عذاب را برطرف می کنیم، زیرا شما به قیامت برخواهید گشت.

اگر منظور از «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ»، آن بود که این امر در قیامت اتفاق خواهد افتاد، خداوند در پایان آن نمی فرمود: شما باز گشت خواهید نمود، زیرا بعد از آخرت و قیامت حالتی وجود ندارد که مردگان بازگشت به آن کنند.

سپس علی بن ابراهیم می گوید: «يَوْمَ نَبِطِشُ الْبُطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ»، روزی که بازخواست بزرگ را از مردم می نمائیم، ما انتقام از آنها می گیریم، که البته این انتقام و بازخواست در قیامت است.

## شماره: ۵۵: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

شماره: ۵۵

کد آیه: ۴۵ / ۱۴

اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

(قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد!»

«لطفاً به روایات ذیل آیه ی ۱۴ / ۵ مراجعه فرمائید.»

ص: ۱۹۸

اسم آیه: خبر رجعت امام حسینعلیه السلام

(وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا... )

ما انسان را بر احسان و نیکی در حق پدر و مادر سفارش بسیار کردیم. مادرش با رنج و زحمت بار حمل کشیده و با درد و رنج وضع حمل نموده...

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»، إِنَّمَا عَنَى الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ، فَقَالَ: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ حَمَلِهِ، وَ أَنَّ الْإِمَامَةَ يَكُونُ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يَصِيبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ الْمُصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ، ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ، وَ أَعْلَمَهُ أَنَّهُ يَقْتُلُ، ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَ يَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ... (۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ذیل آیه ی: «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»،

ص: ۱۹۹

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۵، ح ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۳: ص ۲۴۶، ح ۲۱ و ج ۵۳: ص ۱۰۲، ۱۲۶؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۲۹۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص ۱۱، ح ۱۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۱۷۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۹، ح ۱۲۸.

می فرماید: منظور از والدین: امام حسن و امام حسینعلیهما السلام هستند، آنگاه در باره ی امام حسینعلیه السلام فرموده: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا»، زیرا خدای علیم، قبل از انعقاد نطفه ی امام حسینعلیه السلام، رسول گرامی خود را به وجود حسینعلیه السلام و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان وی خواهد شد، بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که دچار حسینعلیه السلام و فرزندانش می شود، آگاه نموده بود، سپس مقام امامت را، در عوض آن مصائب، به فرزندانش خواهد داد، و پیامبر خود را خبر داده بود که حسینعلیه السلام کشته خواهد شد، سپس خداوند او را به دنیا باز می گرداند و وی را یاری می کند تا دشمنان خود را به مجازات برساند.

اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن

(يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ)

آن روز همه مخلوقات، آن صیحه ی آسمانی را قطعاً خواهند شنید که (می گوید) امروز، روز خروج از قبرهاست.

۱\_ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی: «روزی که مردم صدای حق را می شنوند، آن روز روز قیام است»، فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.

۲\_ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، (۲) قَالَ: ذَلِكَ وَ اللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ، أَمَا عَلِمْتَ، أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يَنْصُرُوا فِي الدُّنْيَا وَ

ص: ۲۰۱

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۹، ح ۵۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۱۵۲، ح ۱۰۱۰۰؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۶۵؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۲۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۴۰۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۱۱۹، ذیل ح ۵۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۰، ح ۱۲۹.

قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّةَ قَدْ قُتِلُوا وَ لَمْ يَنْصُرُوا، فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ.

قُلْتُ: «وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ ينادِ الْمُنادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»، «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ. (١)

از جمیل درّاج روایت است که، گفتیم به حضرت صادق علیه السلام آیه ی: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، چیست؟

حضرت فرمودند: به خدا سوگند! که این در رجعت است، آیا نمی دانی که بیشتر دوستان خدای تبارک و تعالی در دنیا یاری نشدند، و به قتل رسیدند و امامان کشته شدند و یاری نگشتند؟! بنابراین، یاری آنان در رجعت خواهد بود.

جمیل درّاج گوید، عرض کردم: «وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ ينادِ الْمُنادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ. يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، حضرت فرمودند: این رجعت است.

ص: ۲۰۲

---

۱- ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۵، ح ۵۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۱۵۱، ح ۱۰۰۹۸؛ مختصر البصائر، ص ۹۲، ح ۶۰؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۲۸۱، ح ۳.



اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت

(يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكُمْ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ)

روزی که زمین سریعاً شکافته و از وجود آنان خالی گردد، آن روز، روز حشر است و اینکار برای ما بسیار آسان است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

علی بن ابراهیم در باره ی آیه ی: «يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»، می فرماید: این آیه مربوط به رجعت است.

ص: ۲۰۳

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۲؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۹۵، ح ۵۳ و ص ۲۶۰، ح ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۸، ح ۴۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۱۵۲، ح ۱۰۱۰۱؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۲۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۴۰۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۱۱۹، ح ۵۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۰، ح ۱۳۰.

شماره: ۵۹

کد آیه: ۱۳ / ۵۱

اسم آیه: امتحان رجعت

(يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ)

همان روزی است که آنها را بر آتش می سوزانند!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، قَالَ: يَكْسِرُونَ فِي الْكُرْهِ كَمَا يَكْسِرُ الذَّهَبُ حَتَّى يَرْجَعَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شِبْهِهِ يَعْنِي إِلَى حَقِيقَتِهِ. (۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، فرمودند: یعنی روزی که آنها بر آتش امتحان می شوند، فرمودند: مقصود اینست که در رجعت، شکسته می شوند، همان گونه که طلا شکسته می شود، تا هر چیزی به حقیقت خود باز گردد.

ص: ۲۰۴

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۴، ح ۱۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۱۵۹، ح ۱۰۱۱۷؛ مختصر البصائر: ص ۱۱۷، ح ۹۴؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۲۸۵، ح ۱۹.

(وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ)

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود!

فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ»، قَالَ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، فَخُرُجُ بِهِ أَقْوَاتِ الْعَالَمِ مِنَ الْأَرْضِ، وَ مَا تُوعَدُونَ مِنْ أَخْبَارِ الرَّجْعَةِ وَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَخْبَارِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ. (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «روزی شما و آنچه به شما وعده داده می شود، در آسمان است»، روایت می کند که: منظور از روزی، بارانی است که از آسمان می آید، و به وسیله ی آن رزق عالم از زمین خارج می شود، و منظور از «ما توعدون»، یعنی آنچه که از اخبار رجعت و قیامت، وعده می دهند، و آنها اخباری است که در آسمان است.

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۲؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۰، ح ۵۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص: ۱۶۱، ح ۱۰۱۲۶؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۷۱؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۳۰؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۴۱۷؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۱۲۴، ح ۲۵.

(وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ)

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی دانند.

۱\_ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَدِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ بِهِذِهِ الْآيَةِ هَكَذَا: فَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، يَعْنِي عَذَابًا فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

از سعد بن عبد الله نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: آنها که حق آل محمد را گرفتند، عذابی غیر از این دارند، و این عذاب در رجعت است.

۲\_ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا»، آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ»، قَالَ: عَذَابَ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ. (۲)

ص: ۲۰۶

- 
- ۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۹۸، ح ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۱۷، ح ۱۴۴.
- ۲- ۲. بحار الأنوار، ج ۹: ص ۲۳۹، ح ۱۳۸ و ج ۵۳: ص ۱۰۳، ح ۱۲۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۱۸۰، ح ۱۰۱۷۳؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۳۳؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۴۶۲؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۱۴۳، ح ۳۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۰، ح ۱۳۱.

علی بن ابراهیم قمی در باره ی آیه ی: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا» می گوید: یعنی کسانی که در حق آل محمد: ظلم کردند، «عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ»، در زمان رجعت به وسیله ی شمشیر عذاب خواهند شد.

ص: ۲۰۷

و نیز شهرهای زیر و رو شده، را فرو کوبید.

قَالَ عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «و الْمُؤْتَفِكَهْ أَهْوَى»، قَالَ: الْمُؤْتَفِكَهْ، الْبَصْرَهْ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ، قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَهْلَ الْبَصِيرَةِ! يَا أَهْلَ الْمُؤْتَفِكَهِ! يَا جُنْدَ الْمَرْأهِ! وَ أَتْبَاعَ الْبُهَيْمِهِ، رَغَا فَأَجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ، مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ، وَ أَخْلَامُكُمْ رِقَاقٌ وَ فِيكُمْ خَنَمُ النَّفَاقِ، وَ لُعْنَتُمْ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَخْبَرَنِي: أَنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ طَوَى لَهُ الْأَرْضَ، فَرَأَى الْبَصِيرَةَ أَقْرَبَ الْأَرْضِيْنَ مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَ فِيهَا تِسْعَةُ أَعْشَارِ الشَّرِّ وَ الدَّاءِ الْعُضَالُ، الْمُقِيمُ فِيهَا مُذْنِبٌ، وَ الْخَارِجُ مِنْهَا بِرَحْمَةٍ، وَ قَدْ ائْتَفَكَتْ بِأَهْلِهَا مَرَّتَيْنِ، وَ عَلَى اللَّهِ تَمَامُ الثَّلَاثَةِ وَ تَمَامُ الثَّلَاثَةِ فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود، در باره ی فرمایش خدای متعال:

ص: ۲۰۸

۱ - ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۲، ح ۳۹؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۶۰، ح ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۲: ص ۲۲۶، ح ۱۷۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۲۰۹، ح ۱۰۲۴۷؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۹۷؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۳۹؛ تفسير كثر الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص ۵۲۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص: ۱۷۲، ح ۱۰۵.

«وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى»، چنین گفته است: شهر واژگون شده، همان شهر بصره است، به دلیل خطبه ی امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَام که فرمودند:

ای مردم بصره! ای سپاهیان زن! و ای پیروان چهارپائی که زوزه کشید و شما او را اجابت کردید! و زمانی که پی شد، فرار کردید! آب شما تلخ، دین شما سطحی است، و در دلهایتان نفاق است، شما از با زبان هفتاد پیامبر الهی، نفرین شده اید.

همانا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِهِ مِنْ خَيْرٍ داد که: جبرئیل عَلِيهِ السَّلَام او را آگاه ساخته است که: زمین برای او در هم پیچیده شد و او بصره را دید که نزدیکترین سرزمین ها به آب، و دورترین آنها به آسمان است، نُهْ دهم شَرِّ و بیماری سخت در آن قرار دارد، هر که در آن بماند، اهل معصیت است، و هر که از آن خارج شود، به رحمت الهی دست یافته است.

این شهر، دو بار بر اهلش واژگون گشته، و بر خداست که سوّمین بار نیز آن را واژگون نماید، و مرتبه ی سوّم در زمان رجعت است.

ص: ۲۰۹

اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران

(مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَاْفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ)

در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) به سوی این دعوت کننده گردن می کشند کافران می گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!»

قالَ عَلِيٌّ بنُ اِبْرَاهِيْمٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ»، إِذَا رَجَعَ، فَيَقُولُ: اِرْجِعُوا، «يَقُولُ الْكَاْفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ». (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «شتابان به سوی دعوت کننده می کشانند»، می فرماید: هنگامیکه در رجعت به آنان می گویند: برگردید، «و کافران می گویند: این روز سخت و دشواری است».

ص: ۲۱۰

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۱، ح ۵۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۲۱۸؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۱۰۰؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۴۱.



اسم آیه: یأس کفار در رجعت

(یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوماً غضب الله علیهم قد یسوا من الآخرة كما یس الكفار من أصحاب القبور)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند!

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَمَّنْ سَمِعَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ.

فَقَامَ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا هَذَا الْعَجَبُ الَّذِي لَا تَرَالُ تَعْجَبُ مِنْهُ؟

فَقَالَ: تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ! وَ أَى عَجَبٍ أَعْجَبُ مِنْ أَمْوَاتٍ يَضْرِبُونَ كُلَّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ؟

وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُوءُ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُوءُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»، فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ قُلْتُمْ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَوْ أَى وَادٍ سَلَكَ.

وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ

از ابو الجارود نقل است که گفت: از قول کسی که از امیر المؤمنین علیه السلام شنیده است، که آن حضرت می فرمودند: عجب و همه ی عجب بین جمادی و رجب است!

مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین! این چه شگفتی است که شما پیوسته از آن در تعجب دارید؟

حضرت فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند! کدام شگفتی از این عجیب تر است، که مردگانی، همه ی دشمنان خدا و پیامبر و اهل بیتش را، گردن بزنند؟

و این است تأویل این آیه: «ای کسانی که ایمان آورده اند، هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن ها از جهان آخرت مأیوس و نا امیدند، هم چنان که کافران از اهل قبور نا امیدند»، پس هنگامی که کشتار شدت یابد، گویند: او مرده و هلاک گشته، و به کدام وادی رفته است، و همان است تأویل این آیه: «سپس بار دیگر شما را بر آنان مسلط کنیم و به وسیله ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و تعداد (افراد) تان را بیش تر سازیم».

ص: ۲۱۲

۱- ۱. ۱۷/۶.

۲- ۲. الزام الناصب، ج ۱: ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۶۰، ح ۴۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۳۶۰، ح ۱۰۶۷۶؛ تأویل الآیات الظاهره: ص ۶۵۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص ۲۱۷.

شماره: ۶۵

کد آیه: ۶۸ / ۱۶

اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت

( سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ )

(ولی) ما به زودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم!

عن علی بن ابراهیم فی تفسیر قوله تعالی: «سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ إِذَا رَجَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَزْجَعُ أَعْدَاؤُهُ فَيَسْمُهُمْ بِمِيسَمٍ مَعَهُ كَمَا تُوسَمُ الْبَهَائِمُ عَلَى الْخُرَاطِيمِ الْأَنْفِ وَالشَّفَتَانِ. (۱)

در تفسیر قمی روایت است که: این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که شاه ولایت، حضرت امیرالمؤمنین علیعلیه السلام رجعت کنند و دشمنان آن حضرت نیز برگردند، آن حضرت بر پیشانی آنها مهر می زنند، و آنها را نشاندار می کنند، همان گونه که بر بینی و لبهای چهارپایان، داغ می زنند تا نشاندار شوند.

ص: ۲۱۳

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۳؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۶، ح ۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۰: ص ۱۶۶ و ج ۵۳: ص ۱۰۳، ح ۱۲۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۴۵۹، ح ۱۰۹۷۷؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۲۱۰؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۸۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص ۳۸۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۳۹۴، ح ۴۵؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۱، ح ۱۳۲.

اسم آیه: روز پنج هزار ساله

(تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ)

فرشتگان و روح (فرشته ی مقرب خداوند) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: حِينَ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى مِقْدَارَهُ فِي الْقُرْآنِ: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، وَ هِيَ كَرَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَيَكُونُ مُلْكُهُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَ يَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعًا وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. (۱)

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که، وقتی تفسیر آیه: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، را از آن حضرت پرسیدند، حضرت فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا است، که مدت سلطنتش پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیر المؤمنین علیه السلام نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کنند.

ص: ۲۱۴

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۶۸، ح ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۰۴، ذیل ح ۱۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۴۸۷، ح ۱۱۰۷۴؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۷، ح ۱۴۳.

اسم آیه: ضعف کفار در رجعت

(حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصراً وَ أَقْلُ عَدَدًا)

(این کار شکنی کفار هم چنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند آن گاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است!

علی بن ابراهیم: قوله تعالى: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»، قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّهُمَا السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ، «فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصراً وَ أَقْلُ عَدَدًا»، قَالَ: هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ السَّلَامُ لِرُفْرَةٍ: وَ اللَّهُ! يَا ابْنَ صِهْرِي! لَوْلَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ «كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ»، (۱) لَعَلِمْتُ أَنِنَا أضعفُ ناصراً وَ أَقْلُ عَدَدًا، قَالَ: فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا يُكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ قَالُوا: مَتَى يُكُونُ هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ: «قُلْ يَا مُحَمَّد! إِنَّ أَدْرِي أَ قَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا». (۲)

ص: ۲۱۵

۱-۱ . ۸ / ۶۸

۲-۲ . الزام الناصب، ج ۱: ص ۹۷ و ج ۲: ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۵۸، ح ۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۵۱۳، ح ۱۱۱۴۹؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص ۲۳۸؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۳۹۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص ۴۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص ۴۴۱، ح ۴۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۱، ح ۱۳۳.

علی بن ابراهیم در باره ی فرمایش خدای تعالی: «تا آنچه را به آنان وعده داده شده ببینند»، فرمود: مقصود، دیدن قائم و امیر مؤمنانعلیهما السلام در هنگام رجعت است، آن گاه می فهمند، چه کسی یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، امیر مؤمنانعلیه السلام به ابن صهاک فرمودند: اگر پیمان رسول خدا و خواست الهی نبود، می فهمیدی کدام یک از ما یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله، مردم را از رجعت آگاه کرد، سؤال شد: زمان آن چه وقت است؟ خدا این آیه را نازل کرد: ای محمد! بگو: نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده، نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد.

(عَالَمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا)

عالم بر غیب تنها اوست و هیچ دانایی بر غیب او آگاه نیست.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: ... وَقَوْلُهُ «عَالَمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا»، «إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»، قَالَ: يُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْضَاهُ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ، وَ مَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنْ أَخْبَارِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الرَّجْعَةِ وَ الْقِيَامَةِ. (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ی: «دانای غیب است و احدی را بر غیب خویش آشکار نکند جز آن پیامبری را که مورد رضایش باشد»، روایت می کند که خداوند به پیامبرش، که مورد رضایش بود، حوادث زمان خود و حوادث آینده، راجع به حضرت قائم علیه السلام و رجعت و قیامت را به آنجناب خبر داد.

ص: ۲۱۷

---

۱ - ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۵۸، ح ۴۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۵۱۳، ح ۱۱۱۴۹؛ تفسير الصافي، ج ۵: ص ۲۳۸؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۳۹۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص ۴۹۳؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۴۴۵، ح ۶۳.

اسم آیه: قیام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در رجعت

(يا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ) (قُمْ فَأَنْذِرْ)

ای جامه به خود پیچیده!

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده).

۱\_ فی تفسیر القمی فی قوله تَعَالَى: «قُمْ فَأَنْذِرْ»، قَالَ: هُوَ قِيَامُهُ فِي الرَّجْعَةِ يَنْذِرُ فِيهَا، وَ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّهَا لِإِخْدَى الْكُبْرِ»، «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، یعنی مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بترسان»، فرمود: مقصود، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و آمدن آن حضرت در زمان رجعت است، که مردم را از نافرمانی خدا برحذر می دارند.

نیز در قول خداوند: «إِنَّهَا لِإِخْدَى الْكُبْرِ، نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، مقصود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند، که در رجعت به دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا برحذر می دارند.

ص: ۲۱۸

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۹: ص ۲۴۴ و ج ۱۶: ص ۹۷ و ج ۵۳: ص ۴۲ و ص ۶۴ و ص ۱۰۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۷۲۱ و ج ۵: ص ۵۲۳؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۳۹۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۱۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص ۴۵۳؛ مختصر البصائر: ص ۸۸ و ص ۱۱۳ و ص ۱۶۲.



۲\_ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمِدْثَرَ هُوَ كَأَنَّ عِنْدَ الرَّجْعَةِ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَحْيَاءُ قَبْلَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ مَوْتٌ؟ فَقَالَ لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ: نَعَمْ وَاللَّهِ لِكُفْرِهِ مِنَ الْكُفْرِ بَعْدَ الرَّجْعَةِ أَشَدُّ مِنْ كَفَرَاتِ قَبْلِهَا. (۱)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مسئله ی رجعت را برای مردم بیان کردند، فرمودند: آمدن «مدثر» در رجعت حتمی است، مردی پرسید: مگر پیش از قیامت هم زنده شدن، و مرگ دوباره ای هست؟ حضرت فرمودند: آری، به خدا قسم! یک لحظه کفر بعد از رجعت سخت تر از چند کفر قبل از رجعت است.

ص: ۲۱۹

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۸۵، ح ۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۲، ح ۱۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۵۲۲، ح ۱۱۱۸۵؛ مختصر البصائر: ص ۱۱۴، ح ۸۹.

اسم آیه: انذار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در رجعت

(إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكُوبِ) (نَذِيرًا لِلْبَشَرِ)

که این یکی از بزرگترین آیات خداست.

در آن پند و اندرز آدمیان است.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ... «إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكُوبِ، نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، يَعْنِي مُحَمَّدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فِي الرَّجْعَةِ. (۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكُوبِ، نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، فرمودند: مقصود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند، که در رجعت به دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا، برحذر می دارند.

ص: ۲۲۰

اسم آیه: اولین رجعت کننده

(يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا)

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنِ الرَّجْعَةِ أَحَقُّ هِيَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقِيلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قِيلَ: وَمَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟ قَالَ: لَمْ، يَلْ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»، قَوْمًا بَعْدَ قَوْمٍ. (۱)

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمودند: آری، عرض شد: اول کسی که از قبر بیرون می آید، کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی علیهما السلام است، که پس از قیام حضرت قائم علیه السلام خارج می شود، گفته شد: مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند: نه، چنانکه خداوند می فرماید: دسته دسته بیایند، به ترتیب خواهند آمد، قومی پس از قوم دیگر.

ص: ۲۲۱

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۷، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۰۳، ح ۱۳۰؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۵، ح ۱۳۹؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ۲۸۶، ح ۲.

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام پس از امام حسین علیه السلام

(يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ) (تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ)

آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد.

و بدنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر) رخ می دهد.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، قَالَ: «الرَّاجِفَةُ»، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ «الرَّادِفَةُ»، عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي حَمْسِهِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا.

وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». (۱) (۲)

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در

ص: ۲۲۲

۱- ۱. ۵۱ و ۵۲ / ۴۰.

۲- ۲. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۰۶، ح ۱۳۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۵۷۵، ح ۱۱۳۶۱؛ تأويل الآيات الظاهره: ص ۷۳۷؛ تفسير فرات الكوفي: ص ۵۳۷، ح ۶۸۹؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۱۱۵؛ مختصر البصائر: ص ۴۹۲، ح ۵۵۴.

تأویل این آیه: «روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید»، فرمودند: اُولی حسین بن علیعلیهما السّلام است، و دوّمی امیر المؤمنینعلیه السّلام، اوّل کسی که گرد و خاک از سر می فشاند، حسین بن علیعلیهما السّلام است، که با هفتاد و پنج هزار نفر وارد می شود.

و این است تفسیر این آیه: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آنها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

ص: ۲۲۳

(قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ) (فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ)

می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زینبار!»

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي، عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَرَى بَيْنَهُمَا حَدِيثٌ، فَقَالَ أَبِي لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الْكَرَّةِ؟

فَسَالَعِيهِ السَّلَامُ: أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَذَلِكَ أَنَّ نَفْسِي رَآهَا صَارَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ هَذَا الْحَرْفُ بِخَمْسَةِ وَعَشْرِينَ لَيْلَةً، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ»، إِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا وَ لَمْ يَفْضُوا دُحُولَهُمْ.

فَقَالَ لَهُ أَبِي: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ»، فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ، أَي شَيْءٍ أَرَادَ بِهِ إِذَا؟ فَقَالَ: إِذَا انْتَقَمَ مِنْهُمْ وَ بَاتَتْ بَقِيَةُ الْأَرْوَاحِ سَاهِرَةً لَا تَنَامُ وَ لَا تَمُوتُ. (۱)

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۵؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۹، ح ۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۴۴، ح ۱۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۵۷۶، ح ۱۱۳۶۴؛ مختصر البصائر: ص ۱۱۸، ح ۹۶.

از محمّد بن عبد الله بن حسين نقل است که گفت: همراه پدرم بر حضرت صادق عليه السلام وارد شدیم، میان آن حضرت و پدرم سخنی گذشت، سپس پدرم به حضرت عرض کرد: در باره ی رجعت چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند: می گوئیم آنچه که خداوند فرموده، و آن این است که بیست و پنج شب پیش از این اتفاق تفسیرش برای پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، همان که خدا می فرماید، «گویند: این بازگشتی زیان بار است»، و این هنگامی است که مردم به دنیا برمی گردند و خونخواهی آنها تمام می شود.

پدرم عرض کرد: اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «فَأِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ، فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، مقصود چیست؟

حضرت فرمودند: وقتی که از آنها انتقام گیرند و بدنها بمیرد روحها بیدار بماند، ارواح آنها بیدار است نه می خوابد و نه می میرد.

اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین علیه السلام در رجعت

(ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ)

سپس هر گاه بخواهد او را زنده می کند!

عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَيَأْتِيهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ»، قَالَ: نَعَمْ، نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ، «مَا أَكْفَرَهُ»، يَعْنِي بِقَتْلِكُمْ إِيَّاهُ، ثُمَّ نَسَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَسَبَ خَلْقَهُ وَمَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِهِ، فَقَالَ: «مَنْ أَى شَيْءٍ خَلَقَهُ»، يَقُولُ: مَنْ طِينِهِ الْأَنْبِيَاءُ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ لِلْخَيْرِ، «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ»، يَعْنِي سَبِيلَ الْهُدَى، «ثُمَّ أَمَاتَهُ»، مِيتَةَ الْأَنْبِيَاءِ، «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ»، قُلْتُ: مَا قَوْلُهُ: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ»، قَالَ: يُمْكُثُ بَعْدَ قَتْلِهِ فِي الرَّجْعَةِ فَيَقْضِي مَا أَمَرَهُ. (۱)

از ابو سلمه نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره ی تفسیر آیه ی: «قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: این آیه درباره ی امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده، پس این «انسان» امیر المؤمنین علیه السلام است، آن جناب کشته شد مگر چه کرده بود که او را کشتند؟ سپس

ص: ۲۲۶

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۳۴۸، ح ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶: ص ۱۷۴، ذیل ح ۱۶۳ و ج ۵۳: ص ۹۹، ذیل ح ۱۱۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۵۸۴، ح ۱۱۳۸۷؛ تأویل الآيات الظاهره: ص ۷۴۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۴۰۶؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۳، ح ۱۳۶.



خداوند می فرماید: «مِنْ أَى شَىءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ»، او را از چه چیز آفریده، یعنی از گل پیامبران، آفریدش و برای کارهای خیر آماده اش کرد، سپس راه، یعنی راه هدایت را برایش آسان کرد، «ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ»، سپس او را میرانید و به خاک سپرد، آنگاه هر وقت بخواهد، یعنی در رجعت زنده اش می فرماید، «كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ»، ولی آن انسان (امیر المؤمنین) نتوانست مأموریت خود را انجام دهد، و از این رو در زمان رجعت به دنیا برمی گردد تا کار خود را به پایان رساند، و آنچه خدا به وی دستور داده بود را اجرا نماید.

اسم آیه: سنت امتهای گذشته

(لَتَرْكَبَنَ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ)

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید.

۱\_ عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لَلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَةً يُطَوَّلُ أَمَدُهَا، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ: فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ، يَا سَدِيرُ! مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَتَرْكَبَنَ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ»، أَيْ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ. (۱)

از حنان بن سدير نقل است که پدرش گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: برای قائم ما غیبتی است که مدت آن به طول می انجامد، گفتم: ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟ حضرت فرمودند: زیرا خدای تعالی می خواهد در او سنتهای پیامبران را در

ص: ۲۲۸

۱ - ۱. إثبات الهداه، ج ۵: ص ۱۰۳، ح ۲۱۱؛ إزام الناصب، ج ۱: ص ۹۹، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱: ص ۱۴۲، ح ۲ و ج ۵۲: ص ۹۰، ح ۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۶۱۹، ح ۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲: ص ۹۵۵؛ علل الشرائع، ج ۱: ص ۲۴۵، ح ۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ص ۴۸۰، ح ۶.

غیبت‌هایشان جاری کند، و ای سدیر! گریزی از آن نیست که مدّت غیبت‌های آنها به سر آید، خدای تعالی می فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»، یعنی: سنت‌های پیشینیان در شما جاری خواهد شد.

۲\_ ... فَتَقَالَ الْمَيَامُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟ فَقَالَ الرَّضَاعَلِيهِ السَّلَامُ إِنَّهَا لَحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، حَيْدُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُعْدَةُ بِالْقُعْدَةِ. (۱)

... پس مأمون پرسید: ای ابا الحسن! شما در باره ی رجعت چه می فرمایید؟ امام رضاعلیه السلام فرمودند: آن به جا و حق است، و در امت‌های پیشین هم بوده است، و قرآن مجید هم به آن ناطق است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرموده اند: هر چه در امت‌های سابق اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد، بی کم و کاست، طابق النعل بالنعل و بدون تفاوت.

ص: ۲۲۹

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۱۰۷ و ص ۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵: ص ۱۳۵، ح ۶ و ج ۵۳: ص ۵۹، ح ۴۵؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آلّه الأطهار: ، ج ۴: ص ۳۴۸؛ عیون أخبار الرضا ۷، ج ۲: ص ۲۰۱، ح ۱.

اسم آیه: قدرت خدا در رجعت

(إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ)

مسلماً او (خدایی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید) می تواند او را باز گرداند!

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ»، قال: كَمَا خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ يَقْدِرُ أَنْ يُرُدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَ إِلَى الْقِيَامَةِ. (۱)

در تفسیر قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «خدا به برگرداندنش توانا است»، می فرماید: چنانکه بشر را از نطفه آفرید، می تواند او را هم در دنیا و هم در قیامت برگرداند.

توضیح: این آیه یکی از برهانهای اثبات رجعت است، یعنی همانطور که خداوند، توانائی دارد که همه ی آفریدگانش را در رستاخیز بزرگ، یعنی قیامت، برگرداند، این قدرت را دارد که برخی از آنان را در رستاخیز کوچک

ص: ۲۳۰

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۶۲، ح ۶۰ و ص ۳۴۸، ح ۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۷: ص ۴۷، ح ۲۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۶۳۱، ح ۱۱۵۳۳؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص ۳۱۴؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص ۴۱۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۲۲۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص ۵۵۲، ح ۱۳.

یعنی «رجعت» زنده نماید، و به همین دنیا باز گردانند، پس کسی که منکر رجعت است، در واقع قدرت خداوند را انکار نموده، و چون قدرت خدا، جزء ذات پروردگار است، کسی که قدرت خداوند را انکار کند، کافر است، بنا بر این، منکر «رجعت» کافر است.

ص: ۲۳۱

اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفار

«فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا»

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا»، لَوْ قَتِ بَعَثَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَنْتَقِمُ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةِ مِنْ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَسَائِرِ النَّاسِ. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا»، فرمودند: من نیز با آنها مقابله به مثل می کنم، ایشان را مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام، خداوند ستمگران و طغیان گران قریش و بنی امیه و دیگران را، برای او زنده می کند، تا از آنها انتقام گیرد.

ص: ۲۳۲

---

۱- ۱. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۶۲، ح ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۳: ص ۳۶۸، ح ۴۰ و ج ۵۱: ص ۴۹، ح ۱۹ و ج ۵۳: ص ۵۸، ح ۴۲ و ص ۱۲۰، ح ۱۵۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۶۳۲، ح ۱۱۵۳۴؛ تفسير القمي، ج ۲: ص ۴۱۶؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۲۳۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص ۵۵۳، ح ۱۹.

اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت

«فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند) از این رو پروردگارش آنها (و سرزمینشان) را به خاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد!

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي عَبِيدٍ اللَّهَعَلِيِّ السَّلَامِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ، «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»، قَالَ: لَا يَخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ. (۱)

از فضل بن عباس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «پروردگارشان به سزای گناهانشان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار کرد»، فرمودند: این در رجعت است، و بعد که می فرماید: «و از عاقبت آن بیم ندارد»، یعنی اگر مانند آن (در رجعت) تکرار شود، نمی ترسد.

ص: ۲۳۳

---

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۱: ص ۱۰۲ و ج ۲: ص ۲۹۶؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، ص ۲۹۹، ح ۱۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴: ص ۷۳، ح ۶ و ج ۵۳: ص ۱۲۰، ح ۱۵۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵: ص ۶۷۲، ح ۱۱۶۶۴؛ تأويل الآيات الظاهرة: ص ۷۷۷.

اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا

«وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»

و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»، قَالَ: يَعْنِي الْكُرَّةَ هِيَ الْآخِرَةُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ: قَوْلُهُ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»، قَالَ: يُعْطِيكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَرْضَى. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره ی آیه: «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»، فرمودند: یعنی ای پیامبر! رجعت برای تو از دنیا بهتر است، عرض کردم: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»، یعنی چه؟ فرمودند: خداوند به زودی بهشت را به تو می دهد، تا خشنود گردی.

...



شماره: ۸۰

کد آیه: ۴ و ۳ / ۱۰۲

اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت

«كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»

چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست!

باز چنان نیست که شما می پندارید بزودی خواهید دانست!

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَجِيحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، قَالَ: يَعْنِي مَرَّةً فِي الْكُرِّهِ وَ مَرَّةً أُخْرَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

از عبد الله بن نجیح نقل است که گفت: معنی این آیه را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: «بس کنید به زودی خواهید دانست»، «باز هم بس کنید به زودی خواهید دانست»، حضرت فرمودند: یک مرتبه در رجعت است، و مرتبه ی دیگر در قیامت.

ص: ۲۳۵

---

۱- ۱. إلیزام الناصب، ج ۲: ص ۲۹۶؛ الإیقاظ من ההجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۸۲، ح ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۲۰، ح ۱۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص ۷۴۵، ح ۱۱۸۶۴؛ تأویل الآیات الظاهره: ص ۸۱۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص ۴۱۸.



## منابع و مأخذ

- ۱\_ قرآن کریم.
  - ۲\_ مفاتيح الجنان.
  - ۳\_ إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات / ۵جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / اعلمی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۲۵ ق.
  - ۴\_ الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) / ۲جلدی / طبرسی، احمد بن علی / محقق: خراسان، محمد باقر / نشر مرتضی / مشهد / ۱۴۰۳ ق.
  - ۵\_ احقاق الحق و ازهاق الباطل / ۲۳جلدی / قاضی نور الله مرعشی / مکتبه آیه الله المرعشی النجفی / قم / سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
  - ۶\_ الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد / ۲جلدی / مفید، محمد بن محمد / کنگره ی شیخ مفید / قم / ۱۴۱۳ ق.
  - ۷\_ اعتقادات الإمامیه ( للصدوق) / ۱جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / کنگره ی شیخ مفید / قم / ۱۴۱۴ ق.
  - ۸\_ إعلام الوری بأعلام الهدی / ۲جلدی / طبرسی، فضل بن حسن / مؤسسه آل البيت / قم / ۱۴۱۷ ق.
  - ۹\_ الإقبال بالأعمال الحسنه / ۳جلدی / ابن طاووس، علی بن موسی / محقق: قیومی اصفهانی، جواد / دفتر تبلیغات اسلامی / قم / ۱۳۷۶ ش.
- ص: ۲۳۷

- ۱۰\_ إلزام الناصب فى إثبات الحجة الغائب ۲ / جلدی / یزدی حایری، علی / مؤسسه الأعلمی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۲۲ ق.
- ۱۱\_ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه / جلدی / شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن / نوید / تهران / سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.
- ۱۲\_ بحار الأنوار / ۱۱۰ جلدی / مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی / إحياء التراث العربی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.
- ۱۳\_ البرهان فى تفسير القرآن / ۵ جلدی / بحرانی، سید هاشم / بنیاد بعثت / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۶ ق.
- ۱۴\_ تأویل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره / ۱ جلدی / استرآبادی، علی / مؤسسه النشر الإسلامی / قم / سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
- ۱۵\_ تفسير شريف لاهيجی / ۴ جلدی / شريف لاهيجی محمّد بن علی / دفتر نشر داد / تهران / سال چاپ: ۱۳۷۳ ش.
- ۱۶\_ تفسير الصافي / ۵ جلدی / فيض كاشانی، محمّد بن شاه مرتضى / مكتبه الصدر / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.
- ۱۷\_ تفسير العياشى / ۲ جلدی / عياشى، محمّد بن مسعود / المطبعه العلميه / تهران / سال چاپ: ۱۳۸۰ ق.
- ۱۸\_ تفسير فرات الكوفي / ۱ جلدی / كوفي، فرات بن ابراهيم / مؤسسه الطبع و النشر فى وزاره الإرشاد الإسلامی / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.
- ۱۹\_ تفسير قمی / ۲ جلدی / قمی علی بن ابراهيم / دار الكتاب / قم / سال چاپ: ۱۳۶۷ ش .
- ۲۰\_ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب / ۱۴ جلدی / قمی مشهدی، محمّد بن محمّد رضا / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى / تهران / سال چاپ: ۱۳۶۸ ش.
- ۲۱\_ تفسير نور الثقلين / ۵ جلدی / عروسی حویزی عبد علی بن جمعه / انتشارات اسماعيلیان / قم / سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

- ٢٢\_ تهذيب الأحكام / ١٠ جلدی / طوسی، محمد بن الحسن / محقق: خراسان، حسن الموسوی / دار الکتب الإسلامیه / تهران / ١٤٠٧ ق.
- ٢٣\_ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار ٥ / جلدی / علامه بحرانی، سید هاشم بن سلیمان / مؤسسه المعارف الإسلامیه / قم / ١٤١١ ق.
- ٢٤\_ الخرائج و الجرائح / ٣ جلدی / قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله / مؤسسه ی امام مهدی / قم / سال چاپ: ١٤٠٩ ق.
- ٢٥\_ الخصال / ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / جامعه مدرسین / قم / سال چاپ: ١٣٦٢ ش.
- ٢٦\_ دلائل الإمامه / ١ جلدی / طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم / بعثت / قم / سال چاپ: ١٤١٣ ق.
- ٢٧\_ روضه الواعظین و بصیره المتعظین / ٢ جلدی / قتال نیشابوری، محمد بن احمد / انتشارات رضی / قم / ١٣٧٥ ش.
- ٢٨\_ زاد المعاد - مفتاح الجنان / ١ جلدی / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی / محقق: اعلمی، علاءالدین / مؤسسه الأعلمی للمطبوعات / بیروت / ١٤٢٣ ق.
- ٢٩\_ سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی البحار الانوار / ٨ جلدی / قمی، حاج شیخ عباس / اسوه / قم، ١٤١٤ ق.
- ٣٠\_ علل الشرائع / ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / کتاب فروشی داوری / قم / ١٣٨٥ ش.
- ٣١\_ عیون أخبار الرضا علیه السلام / ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / محقق: لاجوردی، مهدی / نشر جهان / تهران / ١٣٧٨ ق.
- ٣٢\_ الفصول المختاره / ١ جلدی / مفید، محمد بن محمد / محقق: میر شریفی، علی / کنگره ی شیخ مفید / قم / ١٤١٣ ق.
- ٣٣\_ الکافی / ٨ جلدی / کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق / دار الکتب الإسلامیه / تهران / سال چاپ: ١٤٠٧ ق.

- ٣٤\_ كامل الزيارات / اجلدى / ابن قولويه، جعفر بن محمد / دار المرتضويه / نجف اشرف / سال چاپ: ١٣٥٦ ش.
- ٣٥\_ كتاب الغيبه (للطوسى) / طوسى، محمد بن الحسن / اجلدى / محقق: تهرانى، عباد الله و ناصح، على احمد / دار المعارف الإسلاميه / قم / ١٤١١ ق.
- ٣٦\_ كشف الغمه فى معرفه الأئمه ٢ / اجلدى / اربلى، على بن عيسى / بنى هاشمى / تبريز / سال چاپ: ١٣٨١ ق.
- ٣٧\_ كمال الدين و تمام النعمه / اجلدى / ابن بابويه، محمد بن على / محقق: غفارى، على اكبر / اسلاميه / تهران / ١٣٩٥ ق.
- ٣٨\_ مجمع البيان فى تفسير القرآن / اجلدى / طبرسى فضل بن حسن / انتشارات ناصر خسرو / تهران / ١٣٧٢ ش.
- ٣٩\_ مختصر البصائر / اجلدى / حلّى، حسن بن سليمان بن محمد / مؤسسه النشر الإسلامى / قم / سال چاپ: ١٤٢١ ق.
- ٤٠\_ مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ٢٦ / اجلدى / مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى / دار الكتب الإسلاميه / تهران / سال چاپ: ١٤٠٤ ق.
- ٤١\_ المصباح للكفعمى (جنه الأمان الواقيه) / اجلدى / كفعمى، ابراهيم بن على عاملى / دار الرضى (زاهدى) / قم / ١٤٠٥ ق.
- ٤٢\_ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد / اجلدى / طوسى، محمد بن الحسن / مؤسسه فقه الشيعه / بيروت / ١٤١١ ق.
- ٤٣\_ معانى الأخبار / اجلدى / ابن بابويه، محمد بن على / محقق: غفارى، على اكبر / دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه ي مدرسين حوزه ي علميه ي قم / قم / ١٤٠٣ ق.
- ٤٤\_ مقتضب الأثر فى النصّ على الأئمه الإثني عشر / اجلدى / جوهرى بصرى، احمد بن عبد العزيز / انتشارات طباطبايى / قم.
- ٤٥\_ مناقب آل أبى طالب ( لابن شهر آشوب) / اجلدى / ابن شهر آشوب

مازندرانی، محمد بن علی / نشر علامه / قم / ۱۳۷۹ ق.

۴۶\_ من لا يحضره الفقيه / ۴ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / محقق: غفاری، علی اکبر / دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم / ۱۴۱۳ ق.

۴۷\_ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين / ۱ جلدی / فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی / مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی / تهران / سال چاپ: ۱۳۷۱ ش.

۴۸\_ الوافی / ۲۶ جلدی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی / کتابخانه ی امام أمير المؤمنين عليعليه السلام / اصفهان / سال چاپ: ۱۴۰۶ ق.

۴۹\_ وسائل الشيعه / ۳۰ جلدی / شيخ حر عاملی، محمد بن حسن / مؤسسه آل البيت □ / قم / ۱۴۰۹ ق.

ص: ۲۴۱









کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم

معرفی ۲۴۰ آیه در باره ی امام زمانعلیه السلام

جهت تهیه، با شماره ی ۰۹۱۰۹۶۷۱۵۱۸ تماس بگیرید.

ص: ۲۴۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

